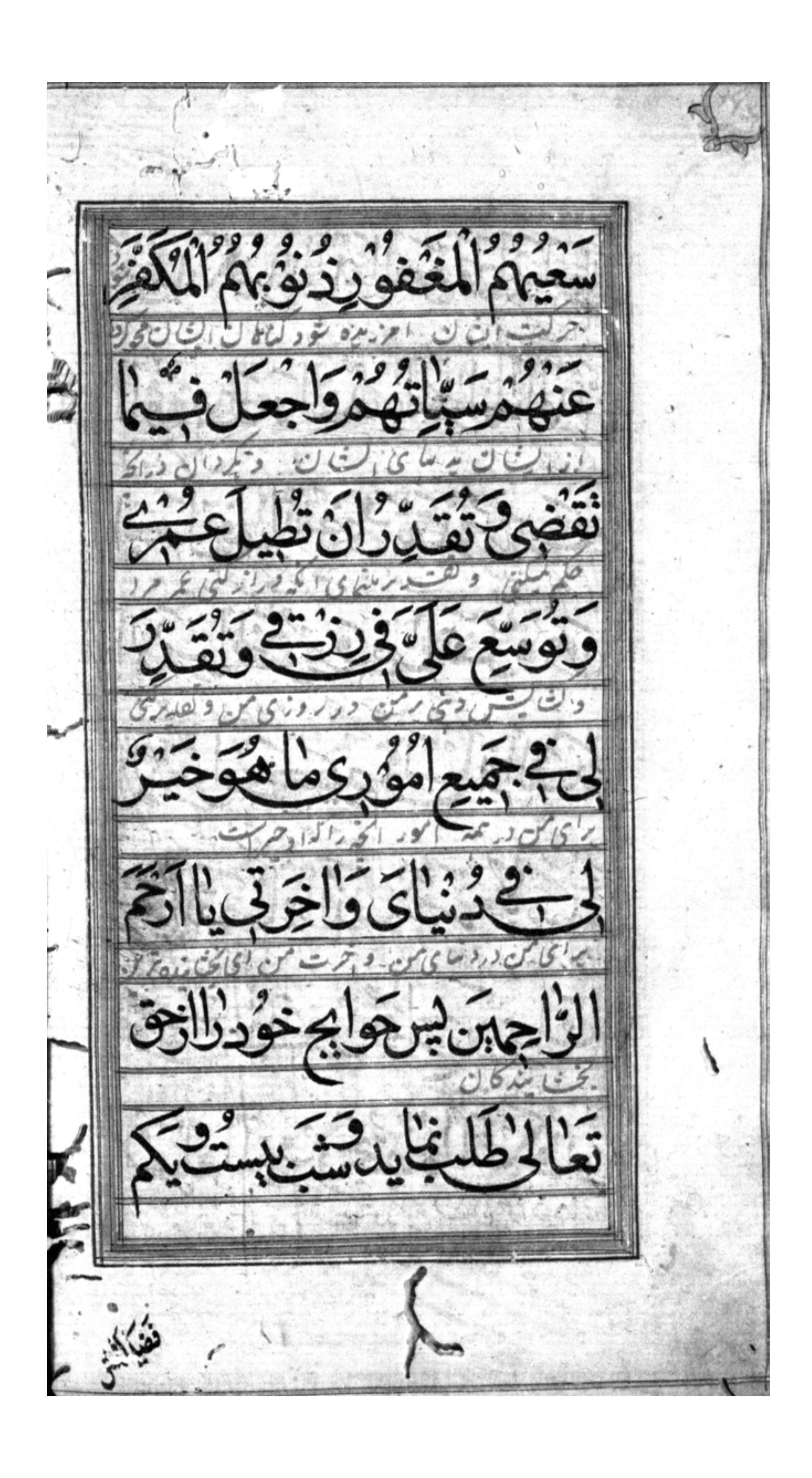


سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر

عنهم سیئاتهم واجعل فیما

تقضی وتقدر ان تطیل عمری

وتوسع علی فی رزقی وتقدر

لی فی جمیع اموری ما هو خیر

لی فی دنیای واخرتی یا ارحم

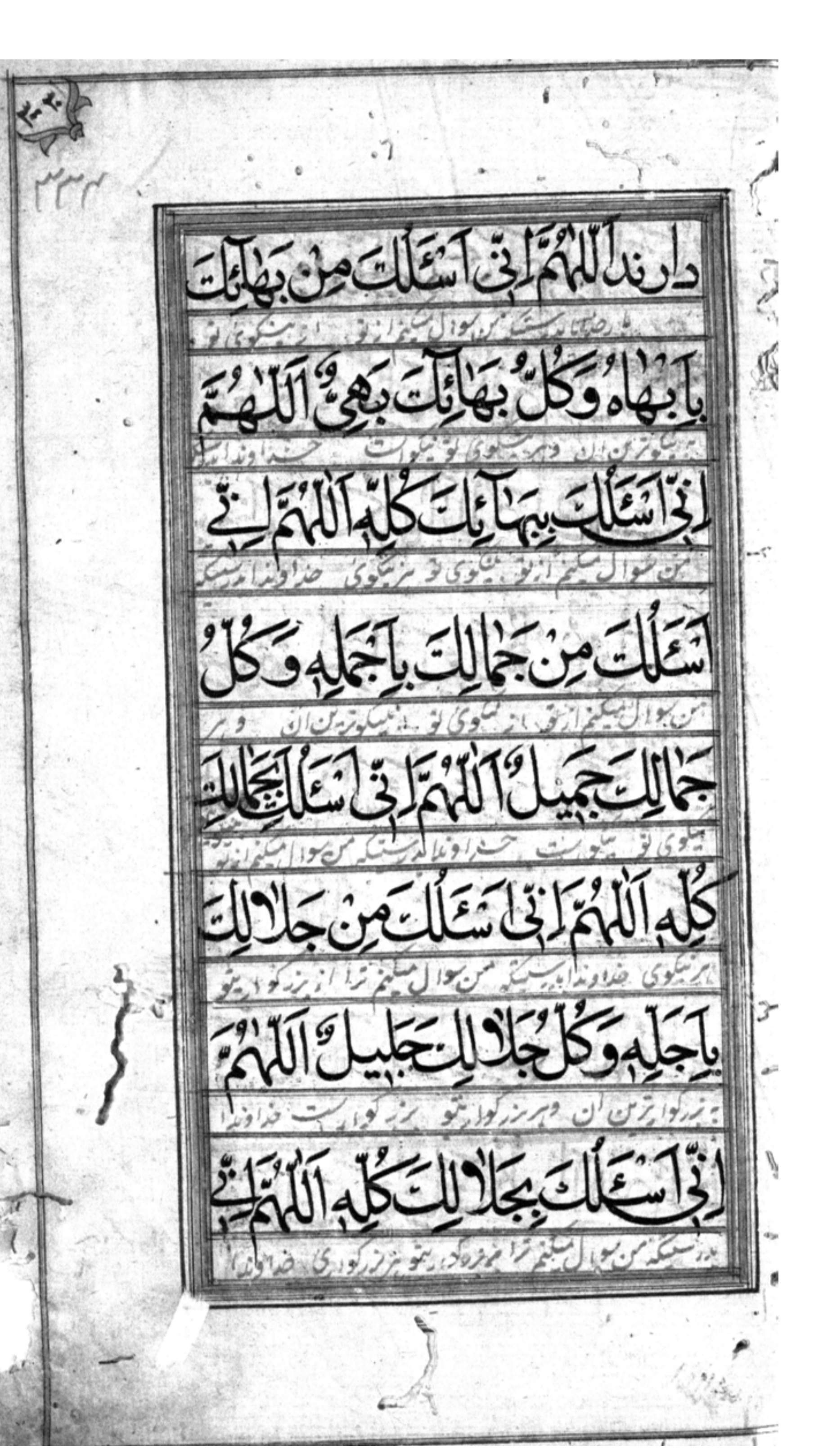
الراحمین پس حوایج خود را از حق

تعالی طلب نماید شب بیست ویکم

فضیلتش زیاده از شب سابق است و غسل
و اعمال سابقه همه را بعمل باید آورد
و اما شب بیست و سیم اکثر احادیث
معتبره دلالت دارد بر آنکه شب قدر است
و در آن دو غسل سنت است یکی
اول شب و یکی آخر شب و همه اعمال
سابقه بجا آورد و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که هر که سوره
عنکبوت و روم را در این شب بخواند
والله که او از اهل بهشت است و استثنا
نمیکنم در آن احدیرا و نمی ترسم که
خدا در این سوکند بر من کناهی بنویسد

و اما دعاهای سحر

بسند بسیار معتبر وارد شده که حضرت
امام رضا علیه السلام فرمود که این
دعای است که حضرت امام محمد باقر
علیه السلام در سحرها میخواندند و
میفرمودند که اگر مردم بدانند عظمت
این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت
آنرا هر آئینه بشمشیر در طلب این دعا
با یکدیگر قتال کنند و اگر سوگند یاد
کنم که اسم اعظم خدا درین هست
راست گفته ام باید که در خواندن
بتضرع بخوانند و از غیر اهلش پنهان



دارند اللهم اني اسألك من بهائك

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از نیکوئی تو

بابهاه وكل بهائك بهي اللهم

به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیکوست خداوندا

اني اسألك ببهائك كله اللهم اني

بدرستیکه من سوال میکنم از تو بنیکوئی تو همه نیکوئی خداوندا بدرستیکه

اسألك من جمالك باجمله وكل

من سوال میکنم از تو از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر

جمالك جميل اللهم اني اسألك بجمالك

نیکوئی تو نیکوست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو

كله اللهم اني اسألك من جلالك

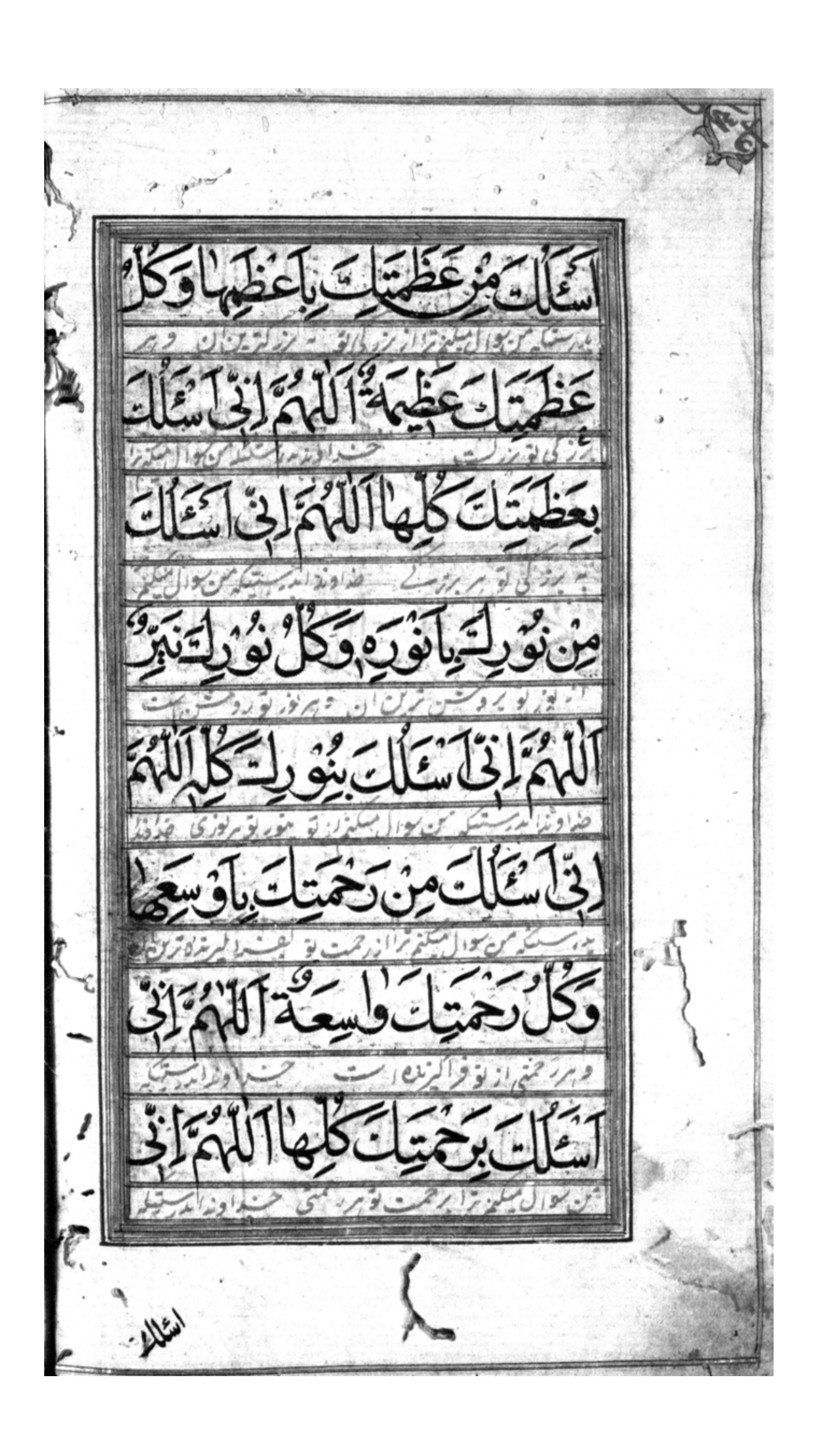
به نیکوئی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از بزرگواری تو

باجله وكل جلالك جليل اللهم

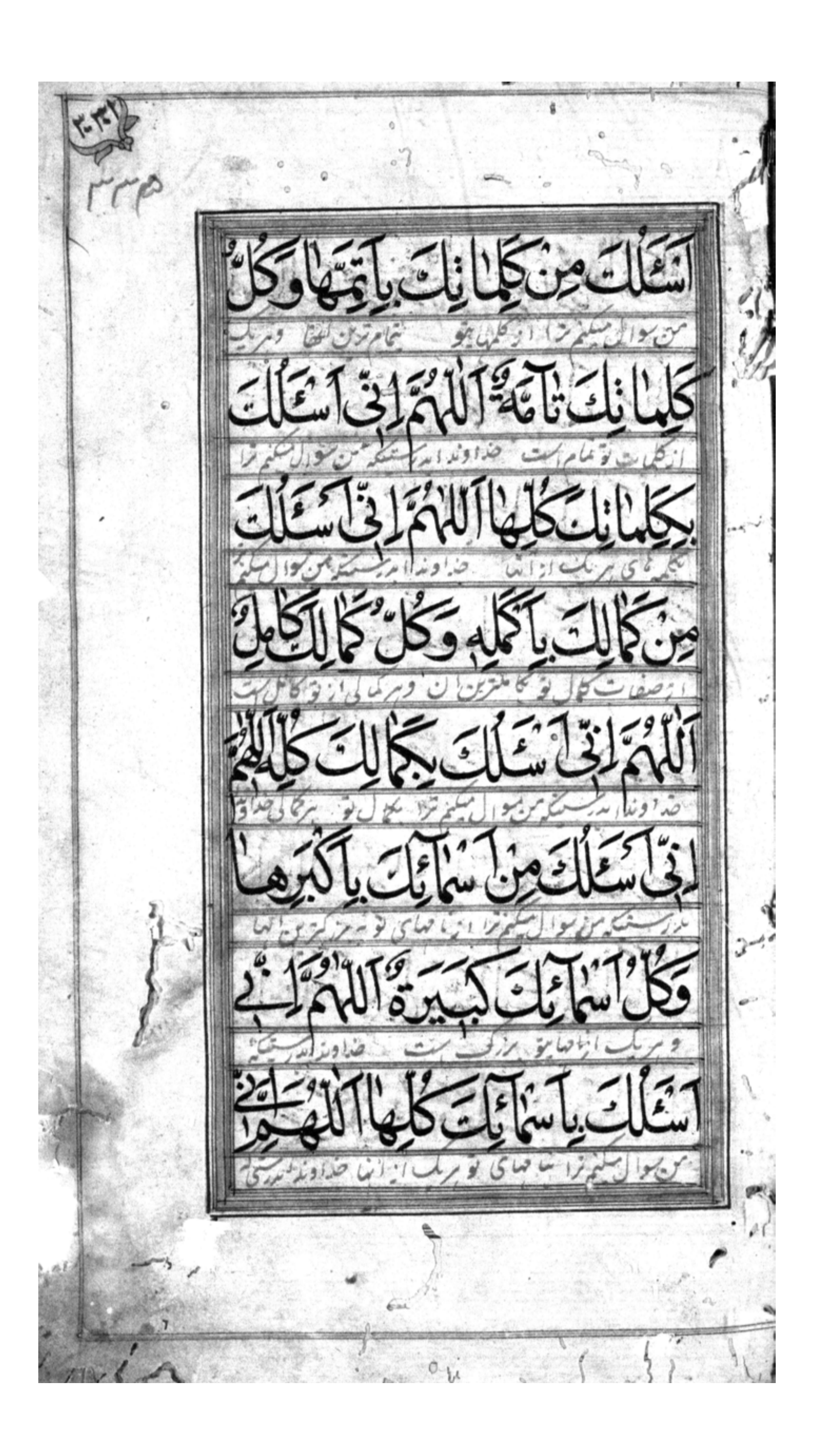
به بزرگوارترین آن و هر بزرگواری تو بزرگوارست خداوندا

اني اسألك بجلالك كله اللهم اني

بدرستیکه من سوال میکنم ترا همه بزرگواری تو به بزرگواری خداوندا


اسئلك من عظمتك باعظمها وكل
عظمتك عظيمة اللهم انى اسئلك
بعظمتك كلها اللهم انى اسئلك
من نورك بانوره وكل نورك نير
اللهم انى اسئلك بنورك كله اللهم
انى اسئلك من رحمتك باوسعها
وكل رحمتك واسعة اللهم انى
اسئلك برحمتك كلها اللهم انى

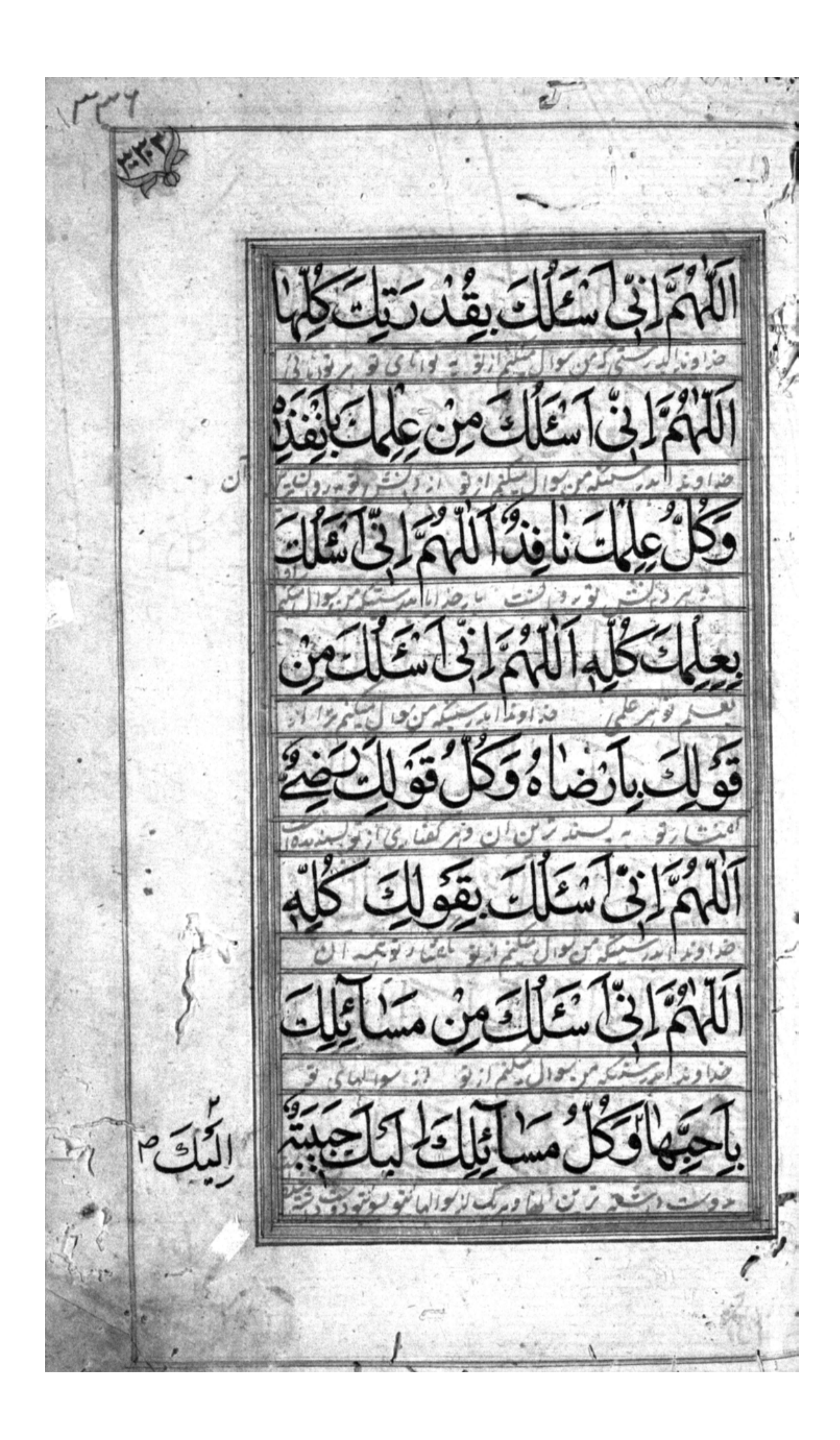
اسئلك



أسئلك من كلماتك بأتمها وكل
من سؤال میکنم ترا از کلمهای تو تمام ترین آنها و هر یک
كلماتك تامة اللهم إني أسئلك
از کلمات تو تمام است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا
بكلماتك كلها اللهم إني أسئلك
بکلمهای تو هر یک از آنها خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم
من كمالك بأكمله وكل كمالك كامل
از صفات کمال تو کاملترین آن و هر کمالی از تو کامل است
اللهم إني أسئلك بكمالك كله اللهم
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بکمال تو هر کمالی خداوندا
إني أسئلك من أسمائك بأكبرها
بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از نامهای تو بزرگترین آنها
وكل أسمائك كبيرة اللهم إني
و هر یک از نامهای تو بزرگ است خداوندا بدرستیکه
أسئلك بأسمائك كلها اللهم إني
من سؤال میکنم ترا بنامهای تو هر یک از آنها خداوندا بدرستیکه

اسئلك من عزتك باعزها وكل
من سؤال میکنم ترا از ارجمندی تو بارجمندترین آن و هر
عزتك عزيزة اللهم انى اسئلك
ارجمندی تو ارجمند است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم
بعزتك كلها اللهم انى اسئلك
بارجمندی تو همه ارجمندی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم
من مشيتك بامضاها وكل مشيتك
از خواست تو بنفاذکننده ترین آن و هر خواست تو
ماضية اللهم انى اسئلك بمشيتك
گذرنده است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم بمشیت تو
كلها اللهم انى اسئلك من قدرتك
همه مشیتی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از توانائی تو
بالقدرة التى استطلت بها على كل
بآن توانائی که استیلا داری بسبب آن بر هر
شىء وكل قدرتك مستطيلة
چیز و هر توانائی از تو مستولی است

اللهم



اللهم انی اسئلک بقدرتک کلها

اللهم انی اسئلک من علمک بانفذه

وکل علمک نافذ اللهم انی اسئلک

بعلمک کله اللهم انی اسئلک من

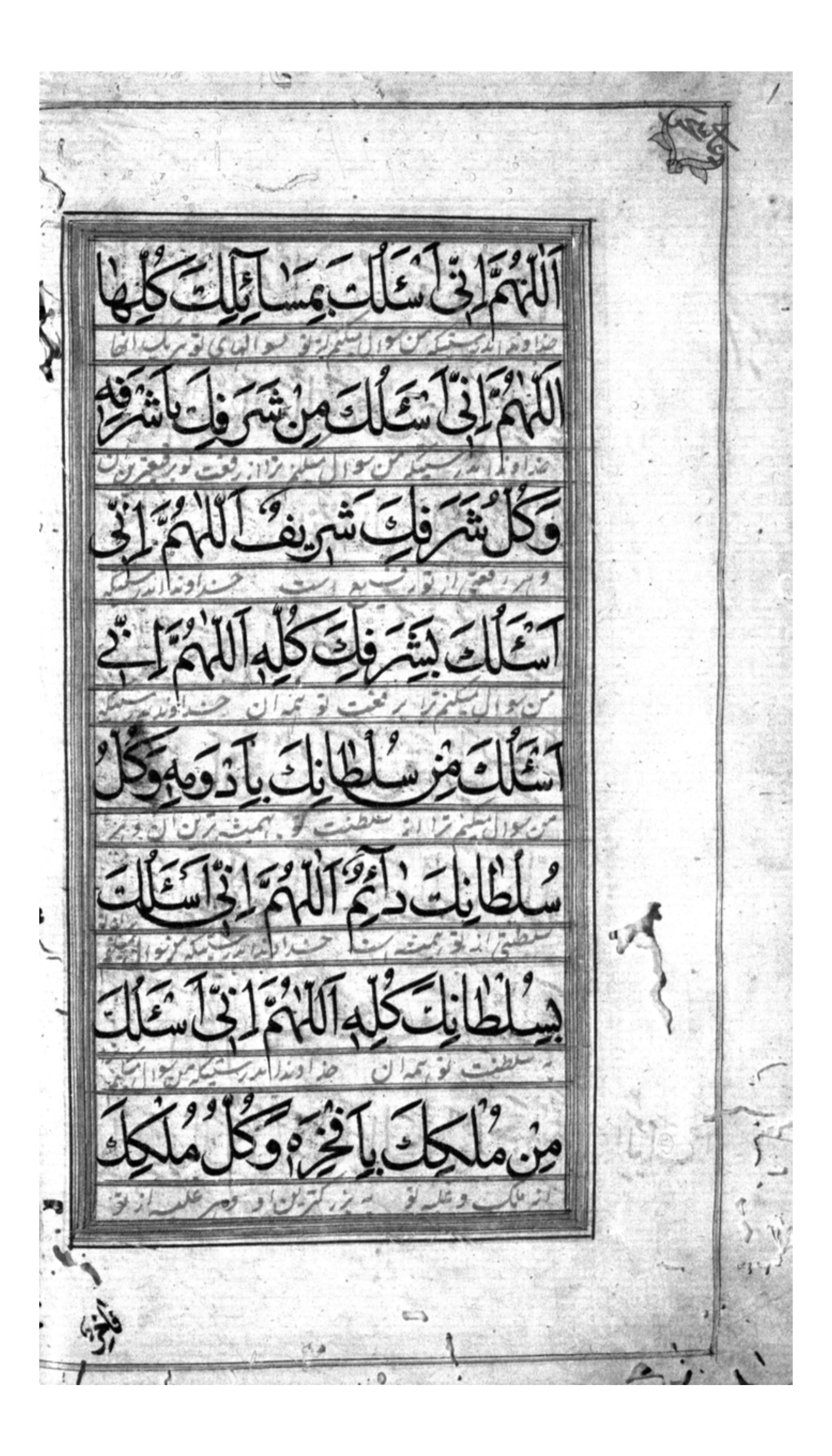
قولک بارضاه وکل قولک رضی

اللهم انی اسئلک بقولک کله

اللهم انی اسئلک من مسائلک

باحبها وکل مسائلک الیک حبیبة

الیک


اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ

وَكُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ اللّٰهُمَّ إِنِّي

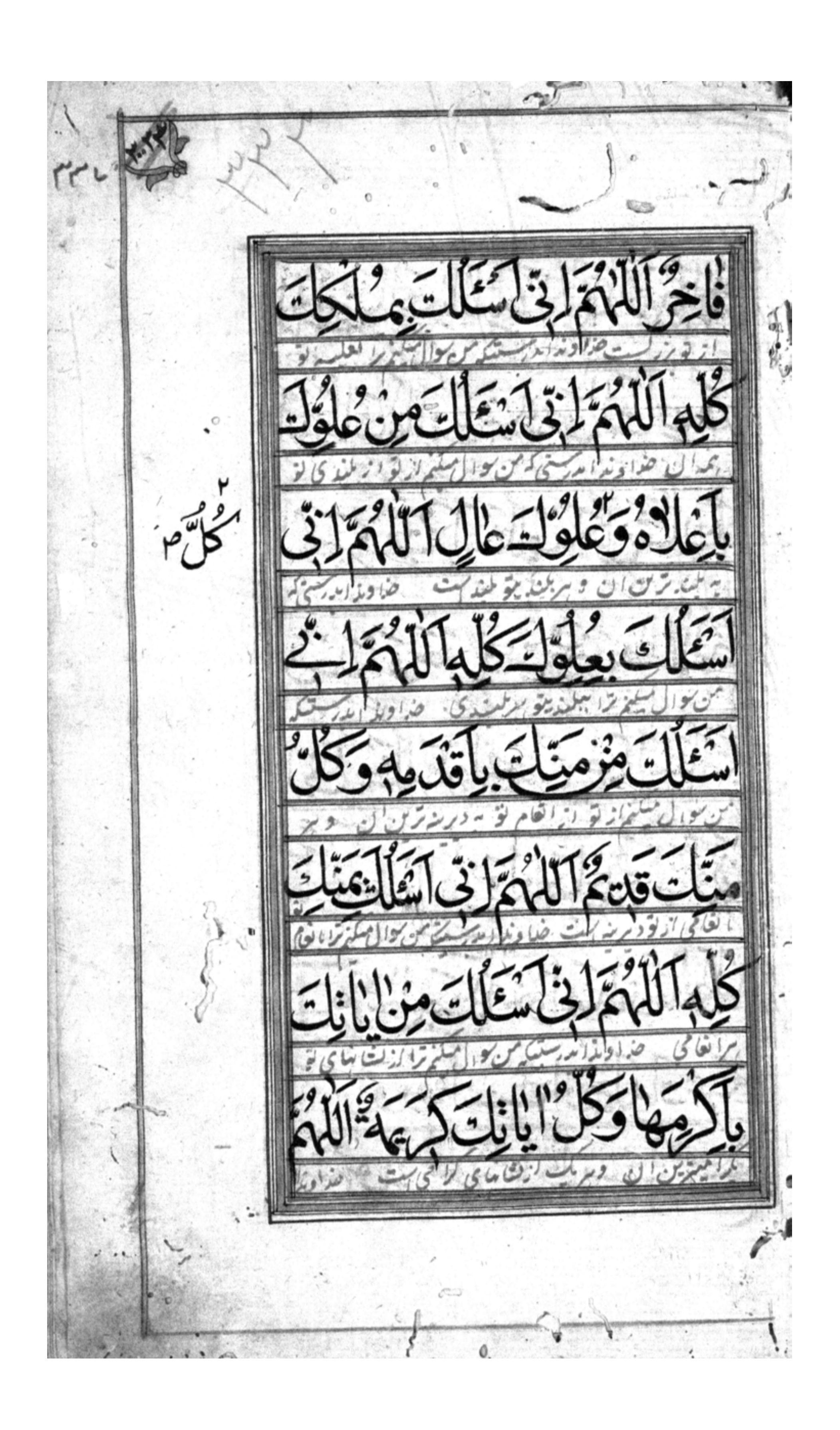
أَسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اللّٰهُمَّ إِنِّي

أَسْئَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَكُلُّ

سُلْطَانِكَ دَائِمٌ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ

بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ

مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ



فاخر اللهم انی اسئلك بملكك

كله اللهم انی اسئلك من علوك

باعلاه وكل علوك عال اللهم انی

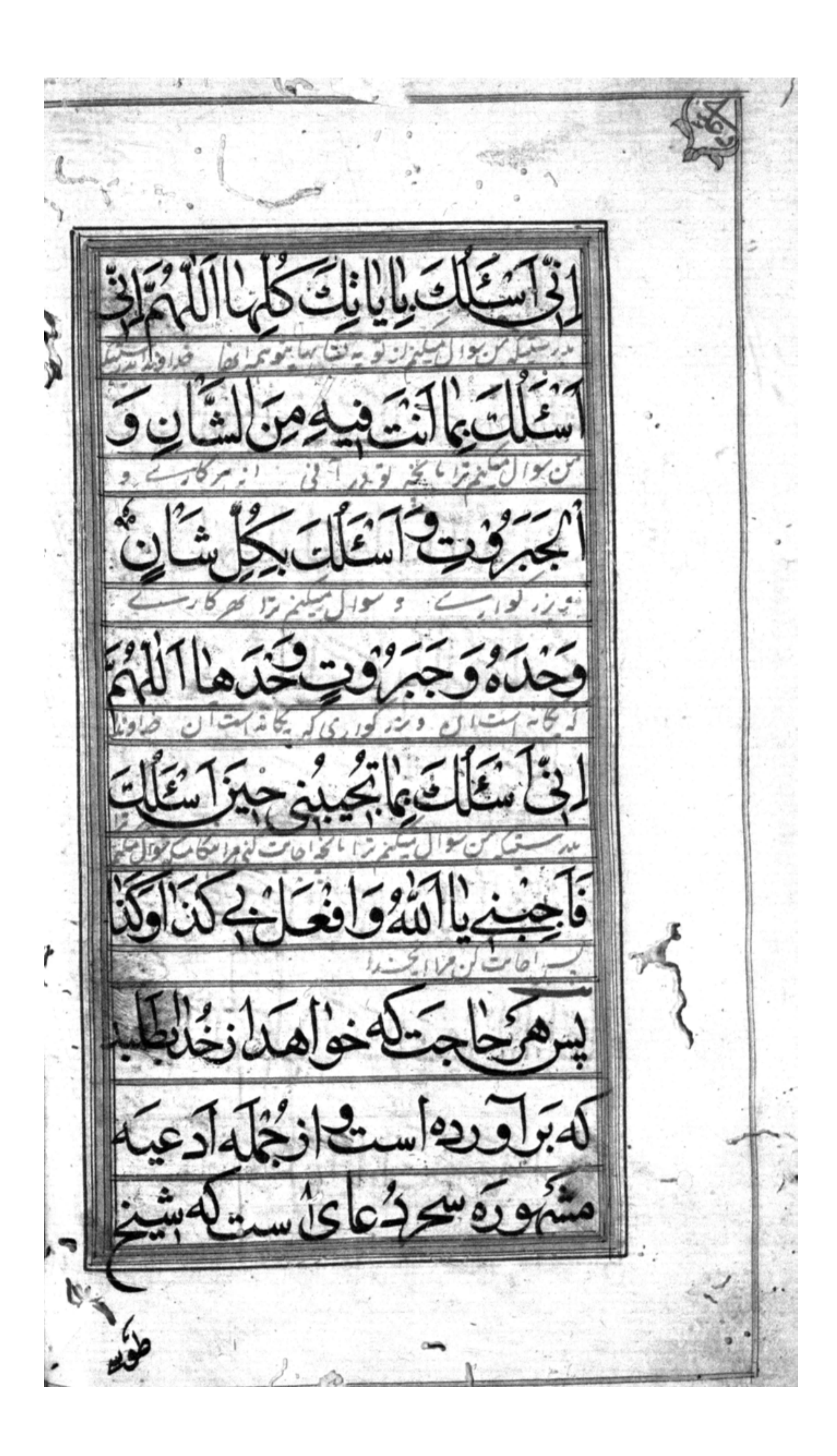
اسئلك بعلوك كله اللهم انی

اسئلك من منك باقدمه وكل

منك قديم اللهم انی اسئلك بمنك

كله اللهم انی اسئلك من اياتك

باكرمها وكل اياتك كريمة اللهم



انی اسئلک بآیاتک کلها اللهم انی

اسئلک بما انت فیه من الشأن و

الجبروت و اسئلک بکل شأن

وحده و جبروت وحدها اللهم

انی اسئلک بما تجیبنی حین اسئلک

فاجبنی یا الله و افعل بی کذا و کذا

پس هر حاجت که خواهد از خدا طلبد

که بر آورده است و از جمله ادعیه

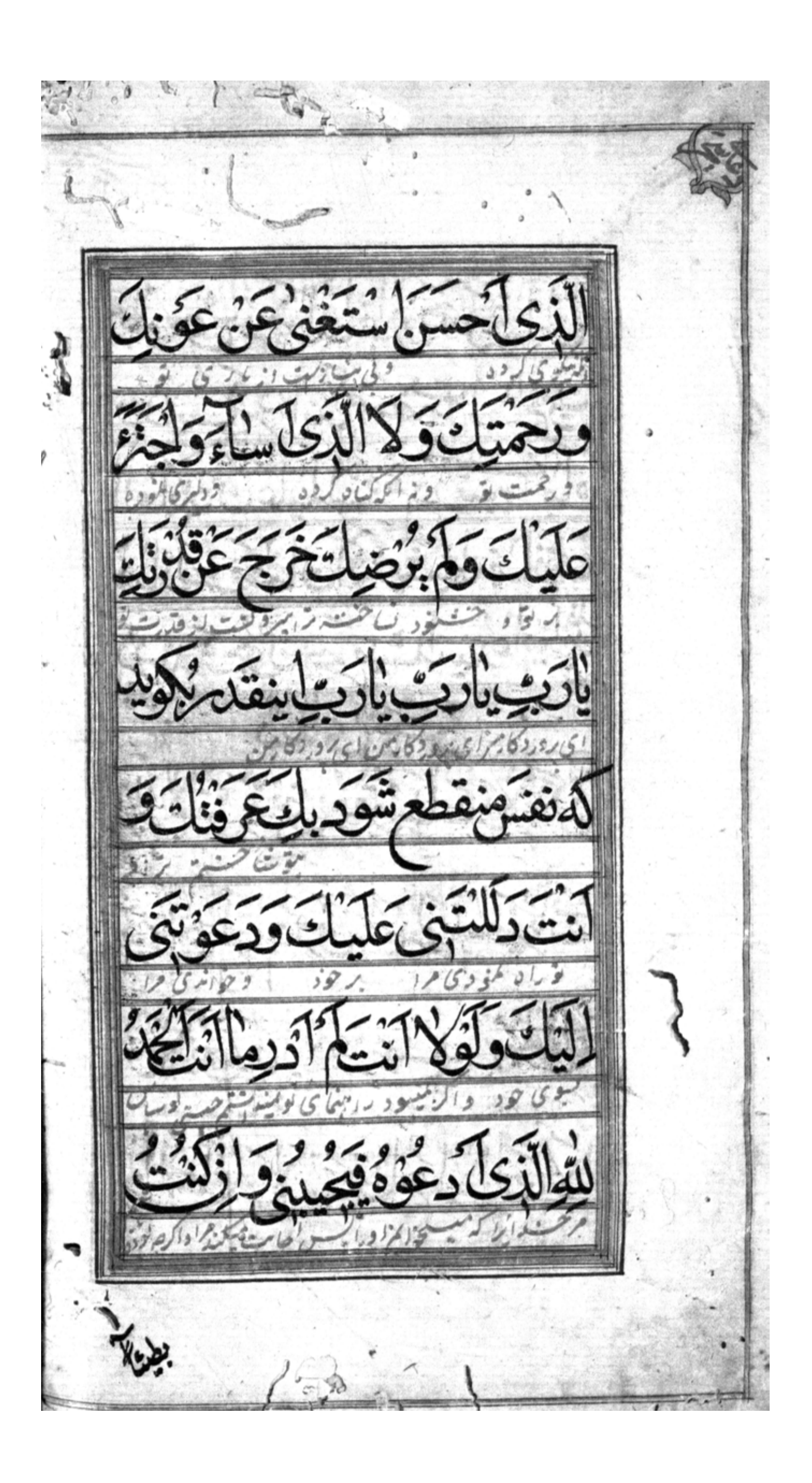
مشهوره سحر دعای است که شیخ

طوسی

طوسی و دیگران از ابو حمزه ثمالی
روایت کرده اند که حضرت امام زین
العابدین علیه السلام در شبهای ماه
مبارک رمضان اکثر شب را نماز می
کردند و چون سحر میشد این دعا میخواندند

دعای سحر

إلهي لا تؤدبني بعقوبتك ولا تمكر
خدای من ادب مکن مرا بعقوبت خود و مکر مکن
بي في حيلتك من أين لي الخير يا رب
با من در مکر خود از کجاست مرا نیکی ای پروردگار من
ولا يوجد إلا من عندك ومن أين
و حال آنکه یافت نمیشود مگر از نزد تو و از کجاست مرا
لي النجاة ولا تستطاع إلا بك لا
رستگاری و حال آنکه مقدور نیست مگر بلطف تو



الذی احسن استغنی عن عونک

ورحمتک ولا الذی اساء واجترء

علیک ولم یرضک خرج عن قدرتک

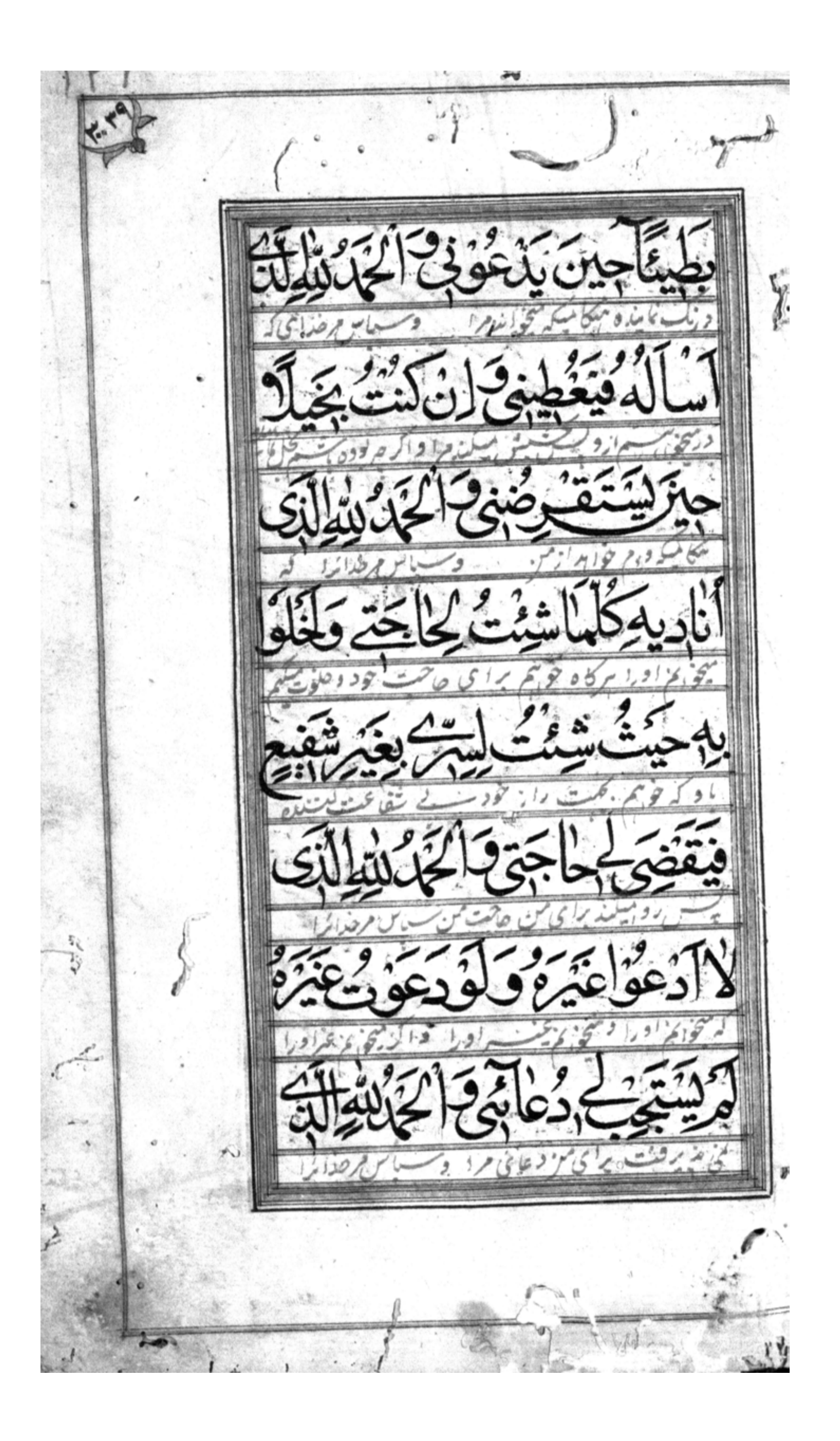
یا رب یا رب یا رب اینقدر بگوید

که نفس منقطع شود بک عرفتک و

انت دللتنی علیک ودعوتنی

الیک ولولا انت لم ادر ما انت الحمد

لله الذی ادعوه فیجیبنی وان کنت



بطيئاً حين يدعوني والحمد لله الذي

درنگ نماینده هنگامی که بخواند مرا وسپاس مر خدایی که

أسأله فيعطيني وإن كنت بخيلاً

درخواهم ازو پس بخشش میکند مرا و اگر چه بوده باشم بخیل

حين يستقرضني والحمد لله الذي

هنگامی که وام خواهد از من وسپاس مر خدای را که

أناديه كلما شئت لحاجتي وأخلو

میخوانم اورا هرگاه خواهیم برای حاجت خود و خلوت میکنم

به حيث شئت لسري بغير شفيع

با او که خواهیم حکمت راز خود بی شفاعت کننده

فيقضي لي حاجتي والحمد لله الذي

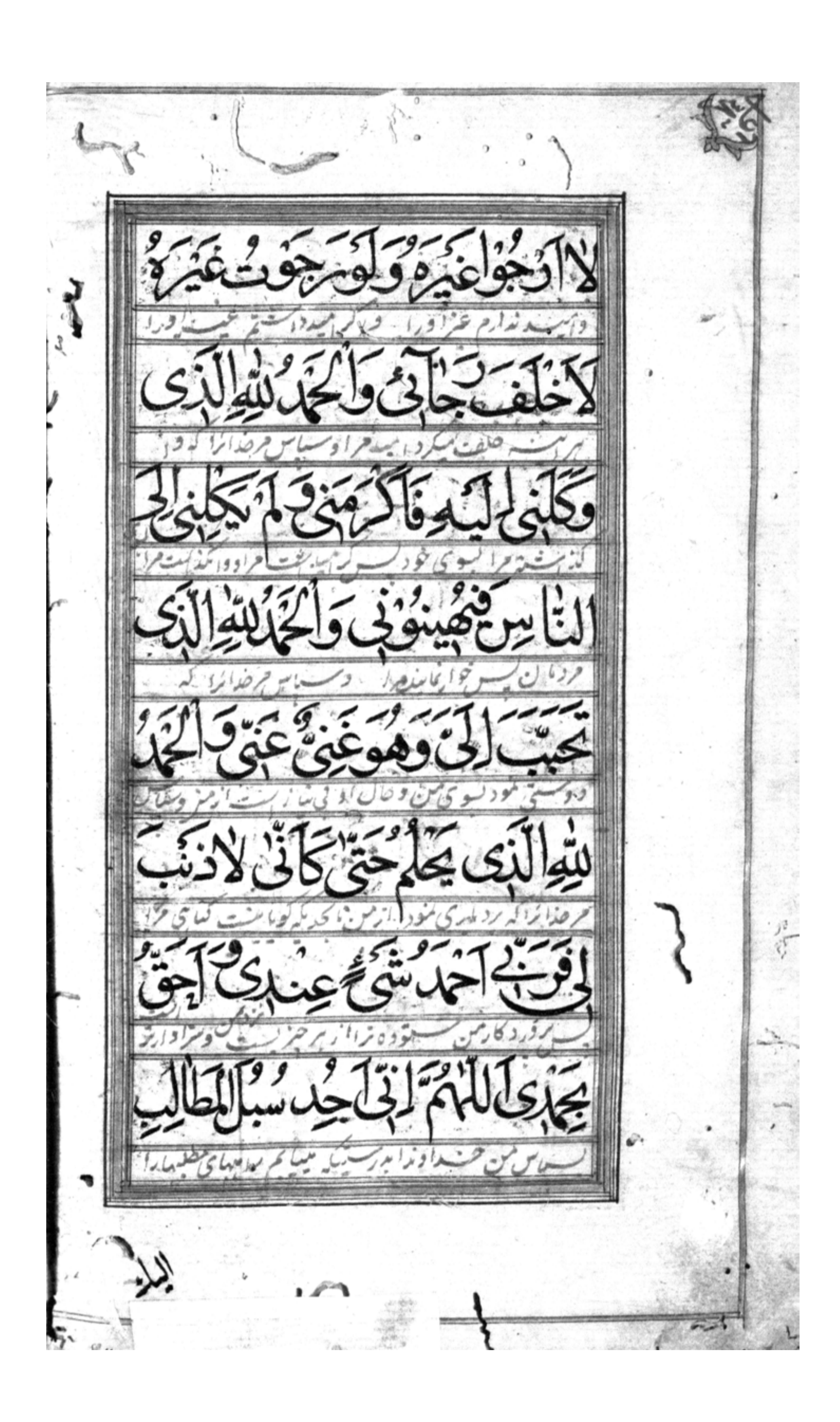
پس روا میکند برای من حاجت من سپاس مر خدای را

لا أدعو غيره ولو دعوت غيره

که نمیخوانم او را غیر او و اگر بخوانم غیر او را

لم يستجب لي دعائي والحمد لله الذي

نمی پذیرد برای من دعای مرا وسپاس مر خدای را



لا ارجوا غيره ولو رجوت غيره

لاخلف رجائي والحمد لله الذي

وكلني اليه فاكرمني ولم يكلني الى

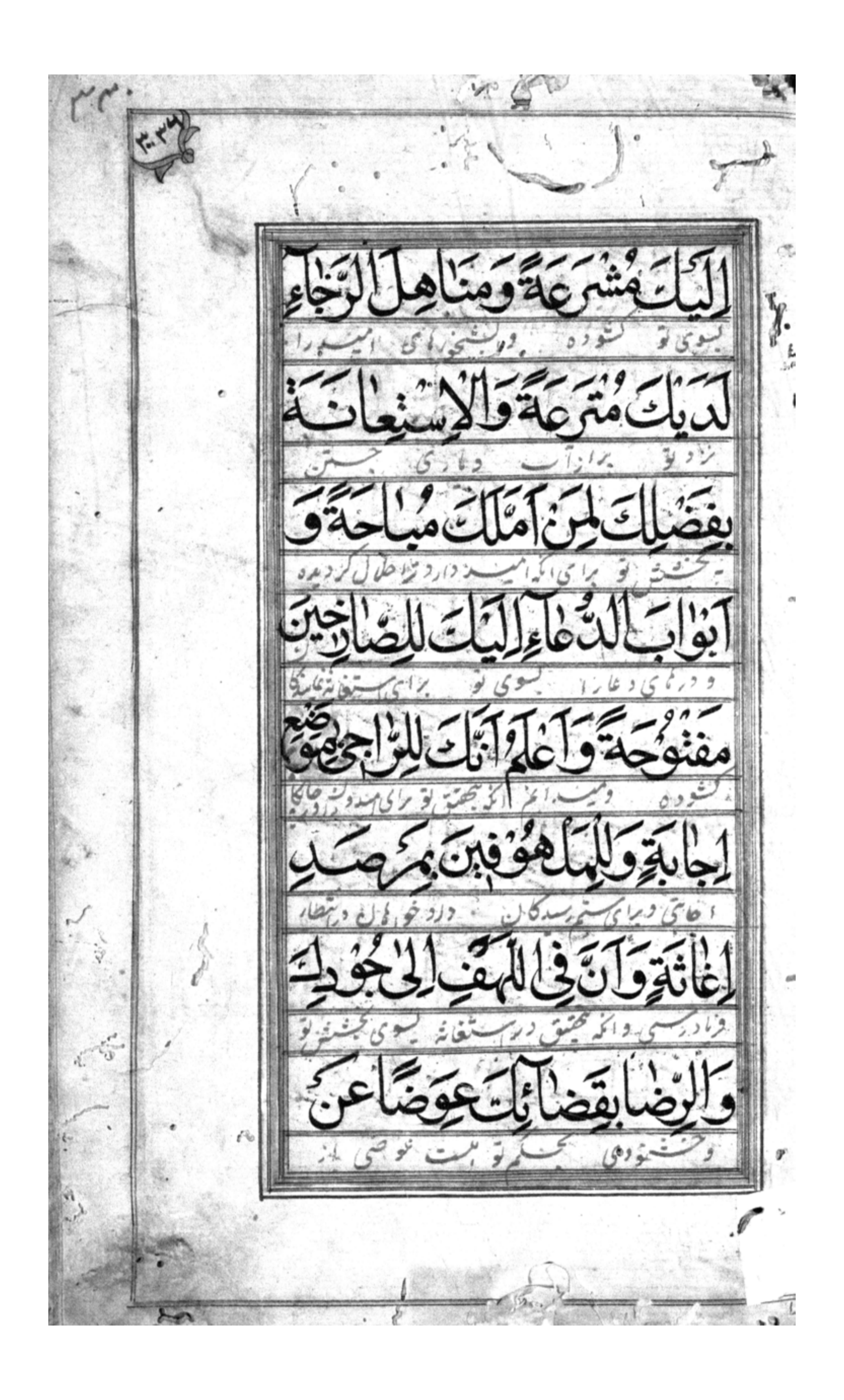
الناس فيهينوني والحمد لله الذي

تحبب الي وهو غني عني والحمد

لله الذي يحلم عني حتى كاني لا ذنب

لي فربي احمد شيء عندي واحق

بحمدي اللهم اني اجد سبل المطالب



إليك مشرعة ومناهل الرجاء

بسوی تو گشوده و آبشخورهای امید را

لديك مترعة والاستعانة

نزد تو پر از آب و طلب یاری جستن

بفضلك لمن أمّلك مباحة و

به بخشش تو برای آنکه امید دارد ترا حلال گردیده

أبواب الدعاء إليك للصارخين

و درهای دعا را بسوی تو برای استغاثه کنندگان

مفتوحة وأعلم أنك للراجي بموضع

گشوده و میدانم که بتحقیق تو برای امیدوار جایگاه

إجابة وللملهوف بمرصد

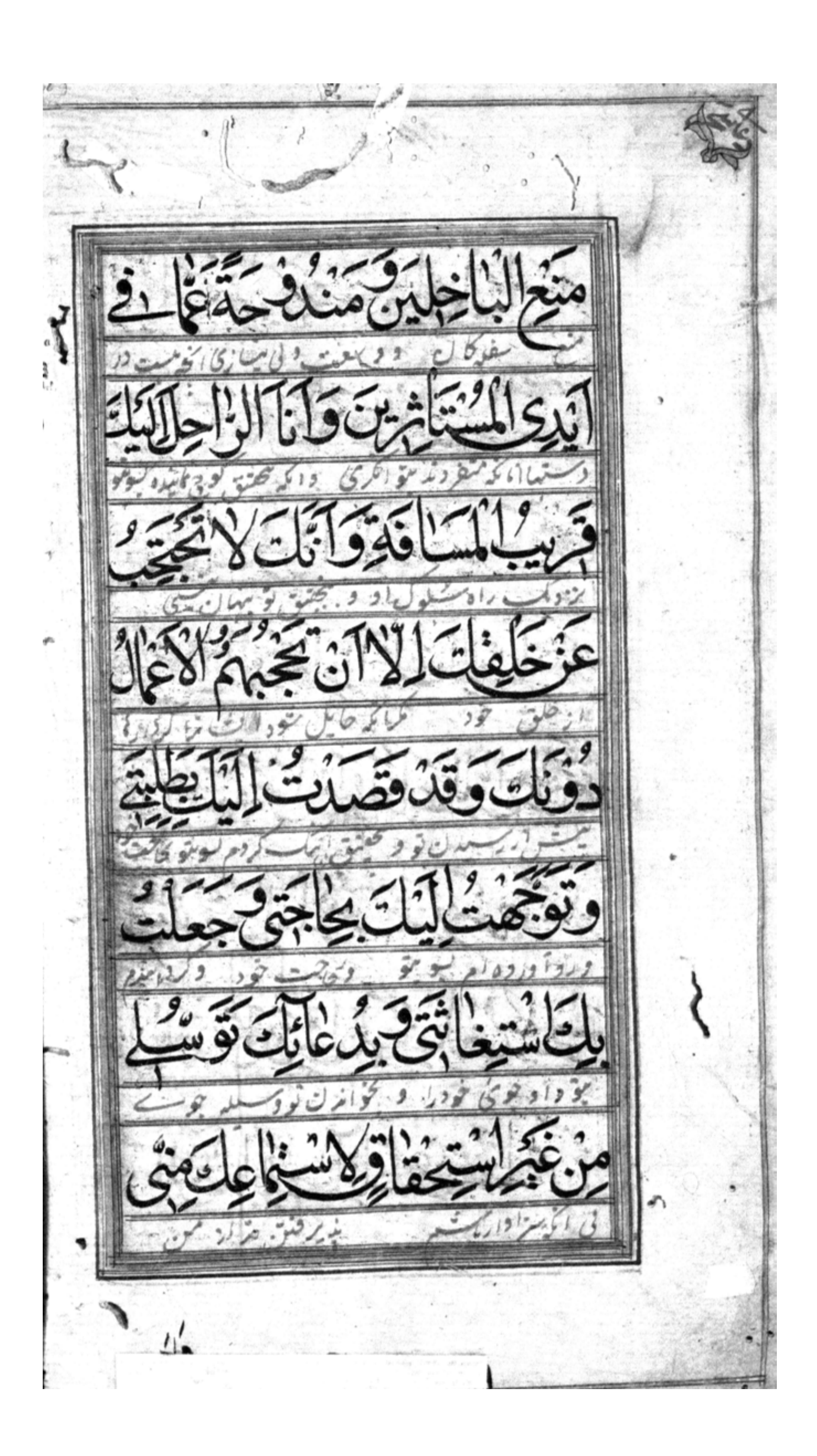
اجابتی و برای ستم رسیدگان در دو خواهان در انتظار

إغاثة وأن في اللهف إلى جودك

فریادرسی و آنکه بتحقیق در استغاثه بسوی بخشش تو

والرضا بقضائك عوضا عن

و خشنودی بحکم تو هست عوضی از



منع الباخلين ومندوحة عما في

منع بخیلان و وسعت و بی نیازی از آنچه هست در

ايدي المستأثرين وان الراحل اليك

دستها که منفرد شدند به اکثری و آنکه بتحقیق کوچ نماینده بسوی تو

قريب المسافة وانك لا تحتجب

نزدیک راه سلوک او و بتحقیق تو پنهان نیستی

عن خلقك الا ان تحجبهم الاعمال

از خلق خود مگر آنکه حایل شود ایشان را کردارها

دونك وقد قصدت اليك بطلبتي

پیش از رسیدن تو و بتحقیق آهنگ کردم بسوی تو بخواهش خود

وتوجهت اليك بحاجتي وجعلت

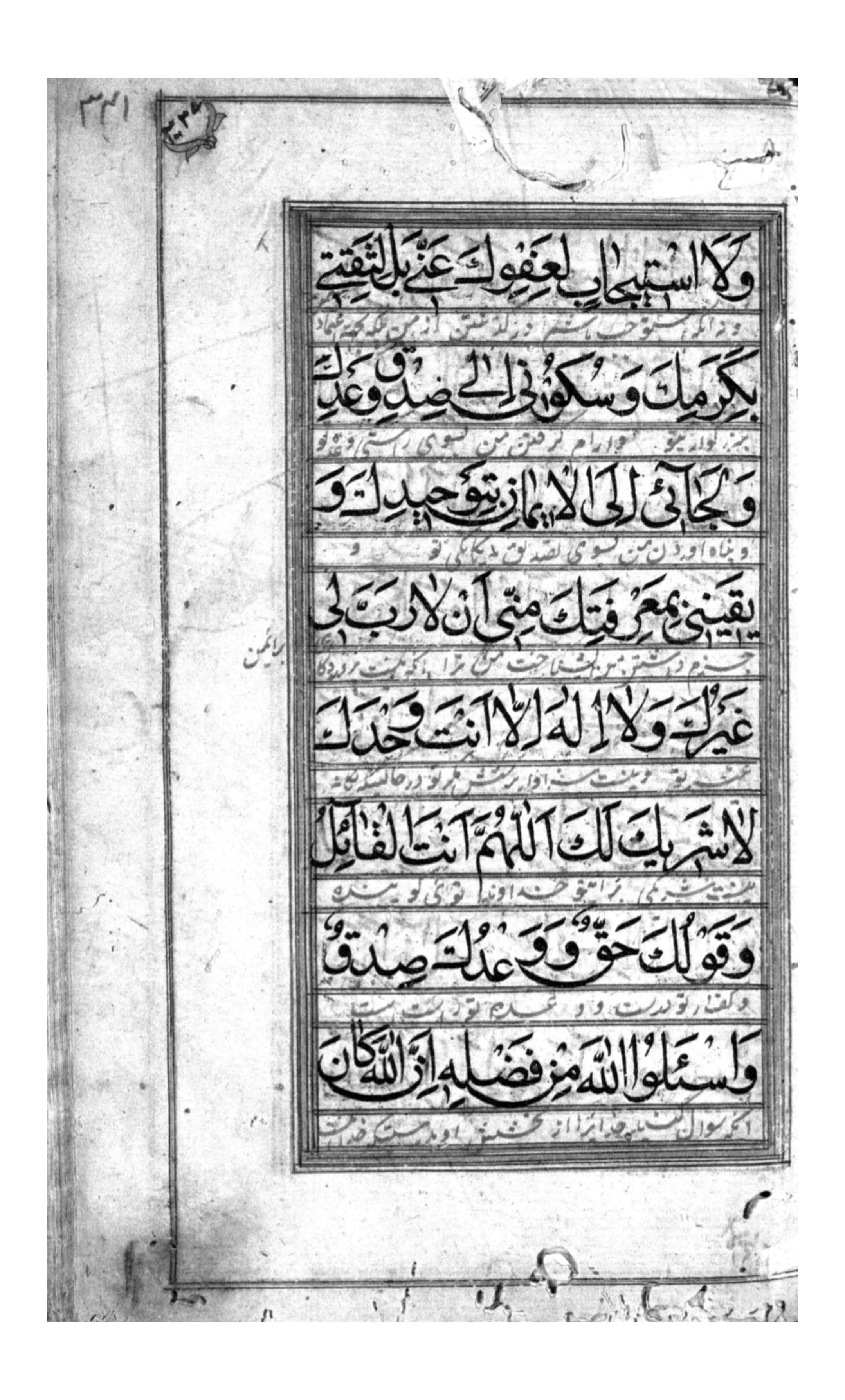
و رو آورده ام بسوی تو بحاجت خود و گردانیدم

بك استغاثتي وبدعائك توسلي

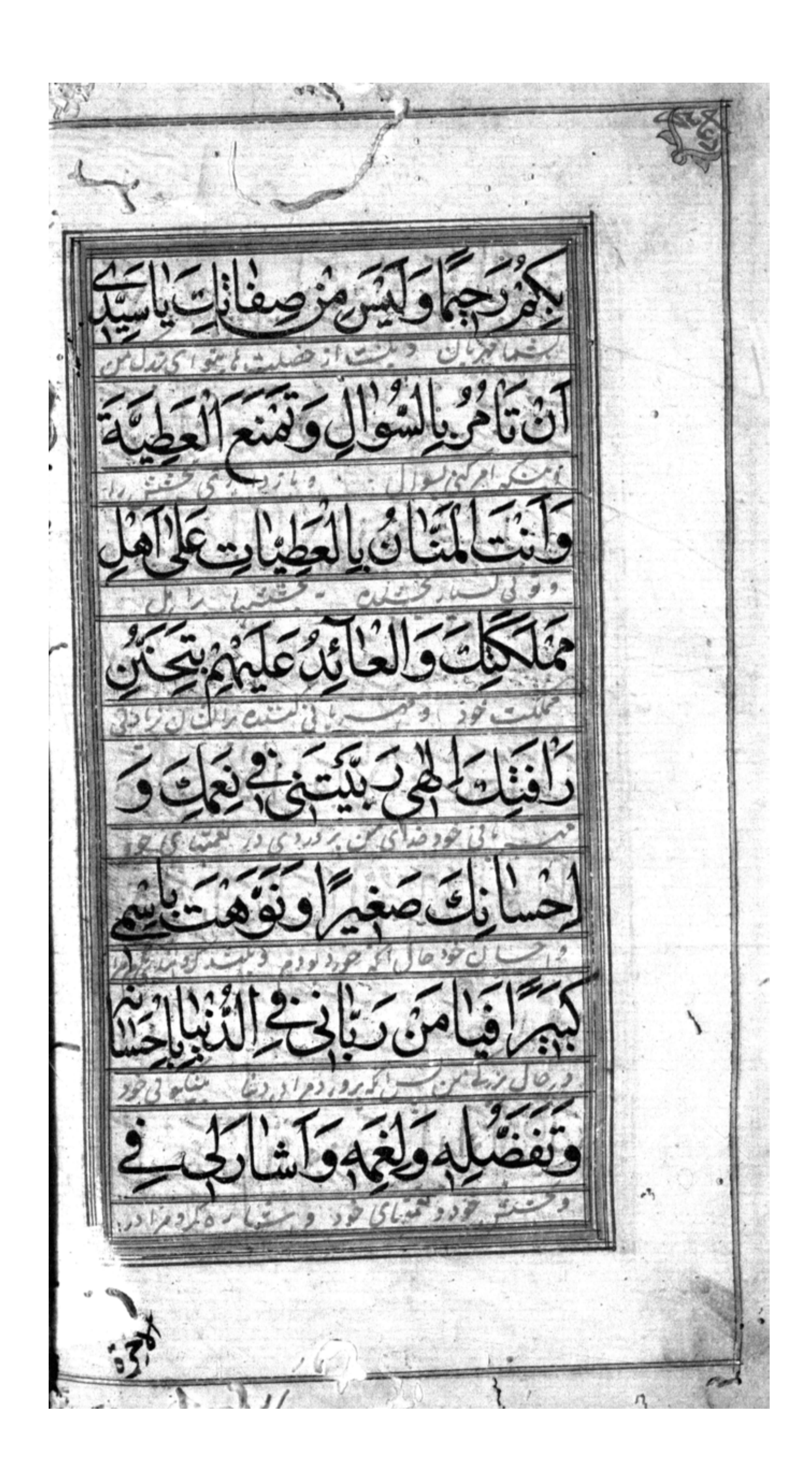
بتو دادخواهی خود را و بخواندن تو وسیله جوئی

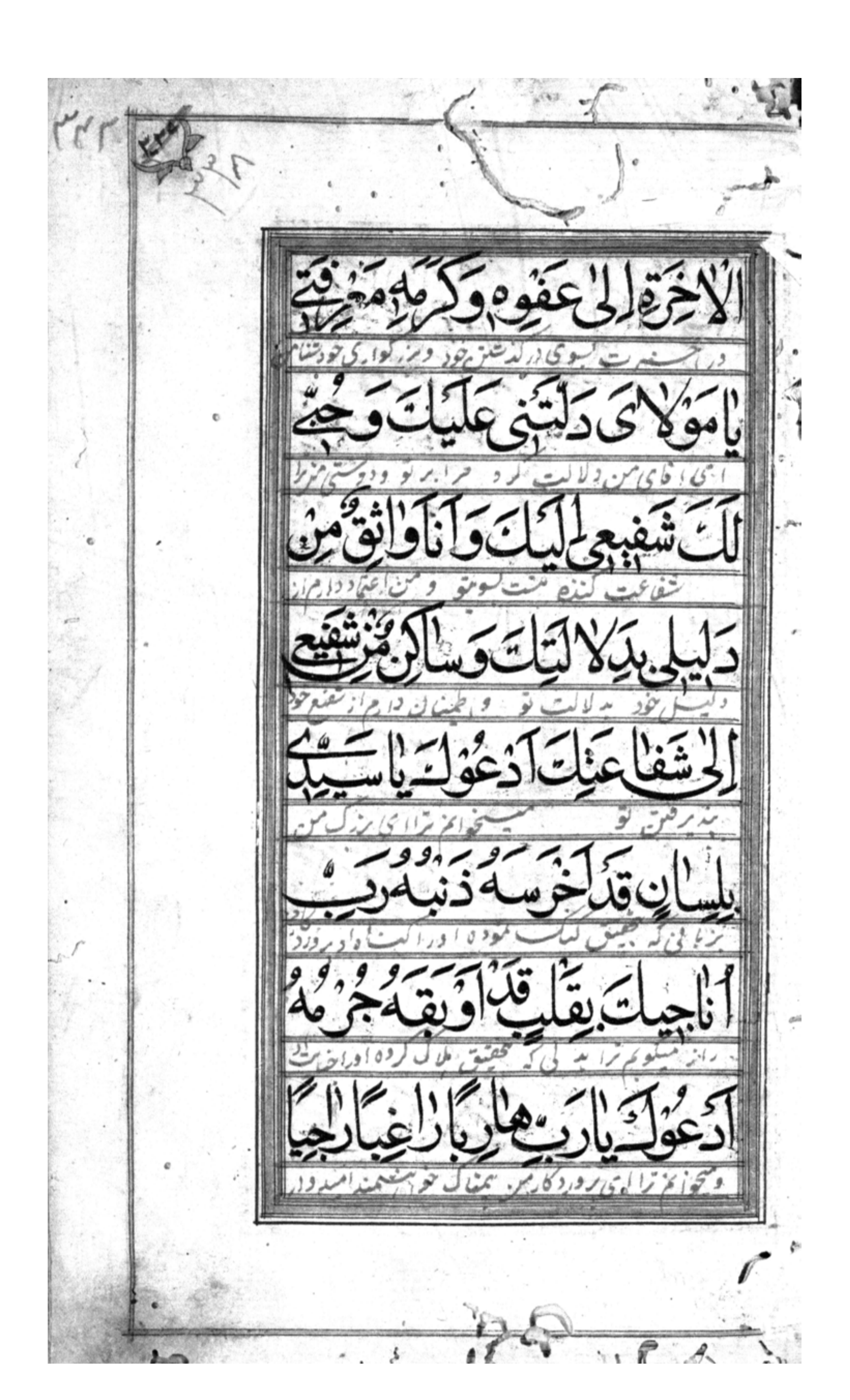
من غير استحقاق لاستماعك مني

بی آنکه سزاوار باشم بپذیرفتن نیاز از من



ولا استيجاب لعفوك عني بل الثقة
بكرمك وسكوني الى صدق وعدك
ولجائي الى الايمان بتوحيدك و
يقيني بمعرفتك مني ان لا رب لي
غيرك ولا اله الا انت وحدك
لا شريك لك اللهم انت القائل
وقولك حق ووعدك صدق
واسئلوا الله من فضله ان الله كان


بكم رحيماً وليس من صفاتك يا سيدي
أن تأمر بالسؤال وتمنع العطية
وأنت المنان بالعطيات على أهل
مملكتك والعائد عليهم بتحنن
رأفتك إلهي ربيتني في نعمك و
إحسانك صغيراً ونوهت باسمي
كبيراً فيا من رباني في الدنيا بإحسانه
وتفضله ونعمه وأشار لي في



الآخرة إلى عفوه وكرمه معرفتي

در حضرت آنسوی در گذشتن خود و بزرگواری خود شناختن من

يا مولاي دلتني عليك وحبي

ای آقای من دلالت کرد مرا بر تو و دوستی من مرا

لك شفيعي إليك وأنا واثق من

شفاعت کننده منست بسوی تو و من اعتماد دارم از

دليلي بدلالتك وساكن من شفيعي

دلیل خود بدلالت تو و اطمینان دارم از شفیع خود

إلى شفاعتك أدعوك يا سيدي

بپذیرفتن تو میخوانم ترا ای بزرگ من

بلسان قد أخرسه ذنبه رب

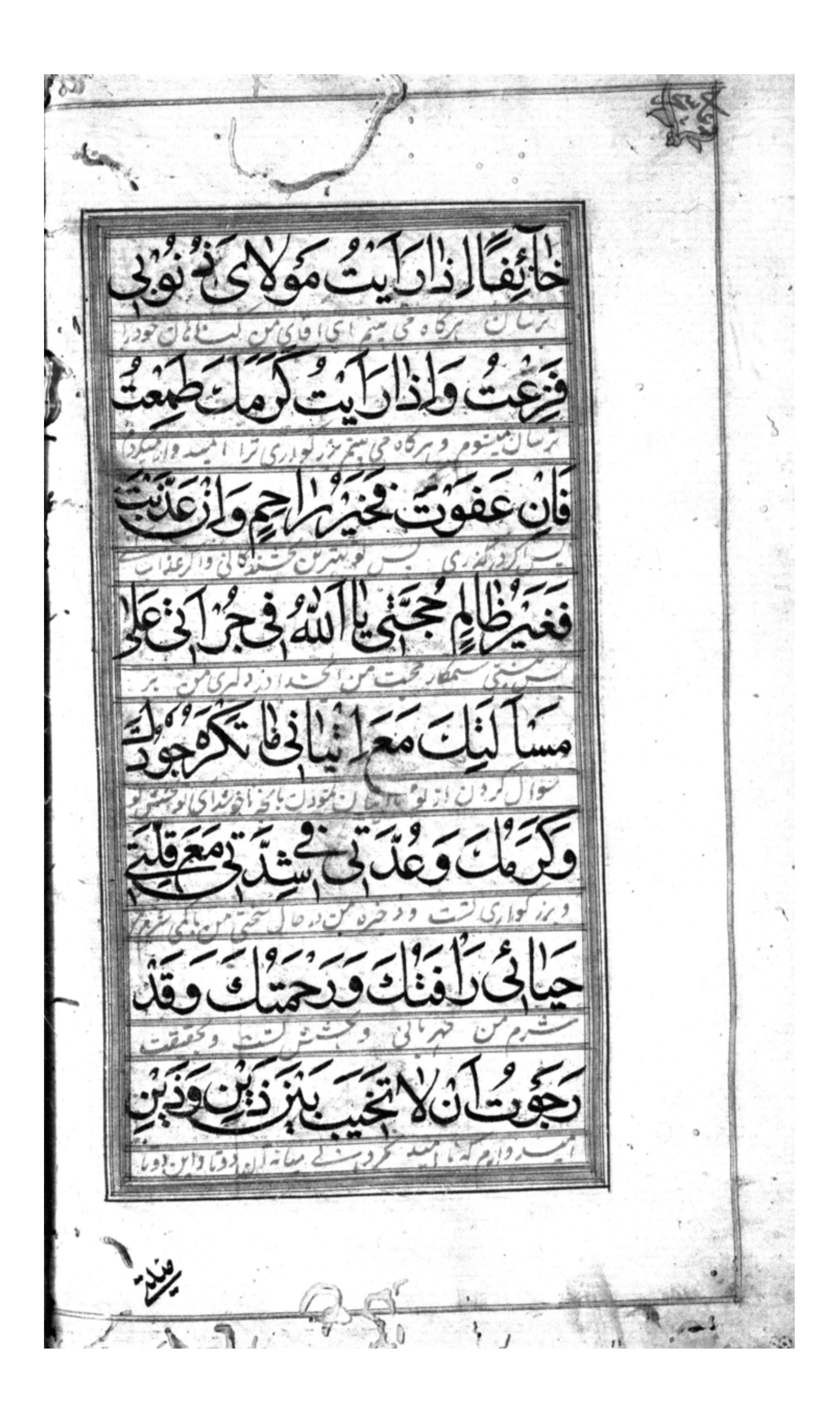
بزبانی که تحقیق لال نموده او را گناه او پروردگار

أناجيك بقلب قد أوبقه جرمه

راز میگویم ترا بدلی که تحقیق هلاک کرده او را جرم او

أدعوك يا رب راهبا راغبا راجيا

میخوانم ترا ای پروردگار من بیمناک خواهشمند امیدوار



خائفا اذا رأيت مولاي ذنوبي

ترسان هرگاه می بینم ای آقای من گناهان خود را

فزعت واذا رأيت كرمك طمعت

ترسان میشوم و هرگاه می بینم بزرگواری ترا امیدوار میشوم

فان عفوت فخير راحم وان عذبت

پس اگر درگذری پس تو بهترین بخشندگانی و اگر عذاب

فغير ظالم حجتي يا الله في جرائتي على

کنی نیستی ستمکار حجت من ای خدا در دلیری من بر

مسألتك مع اتياني ما تكره جودك

سوال کردن از تو با آمدن من بآنچه ناخوش داری تو بخشش تو

وكرمك وعدتي في شدتي مع قلة

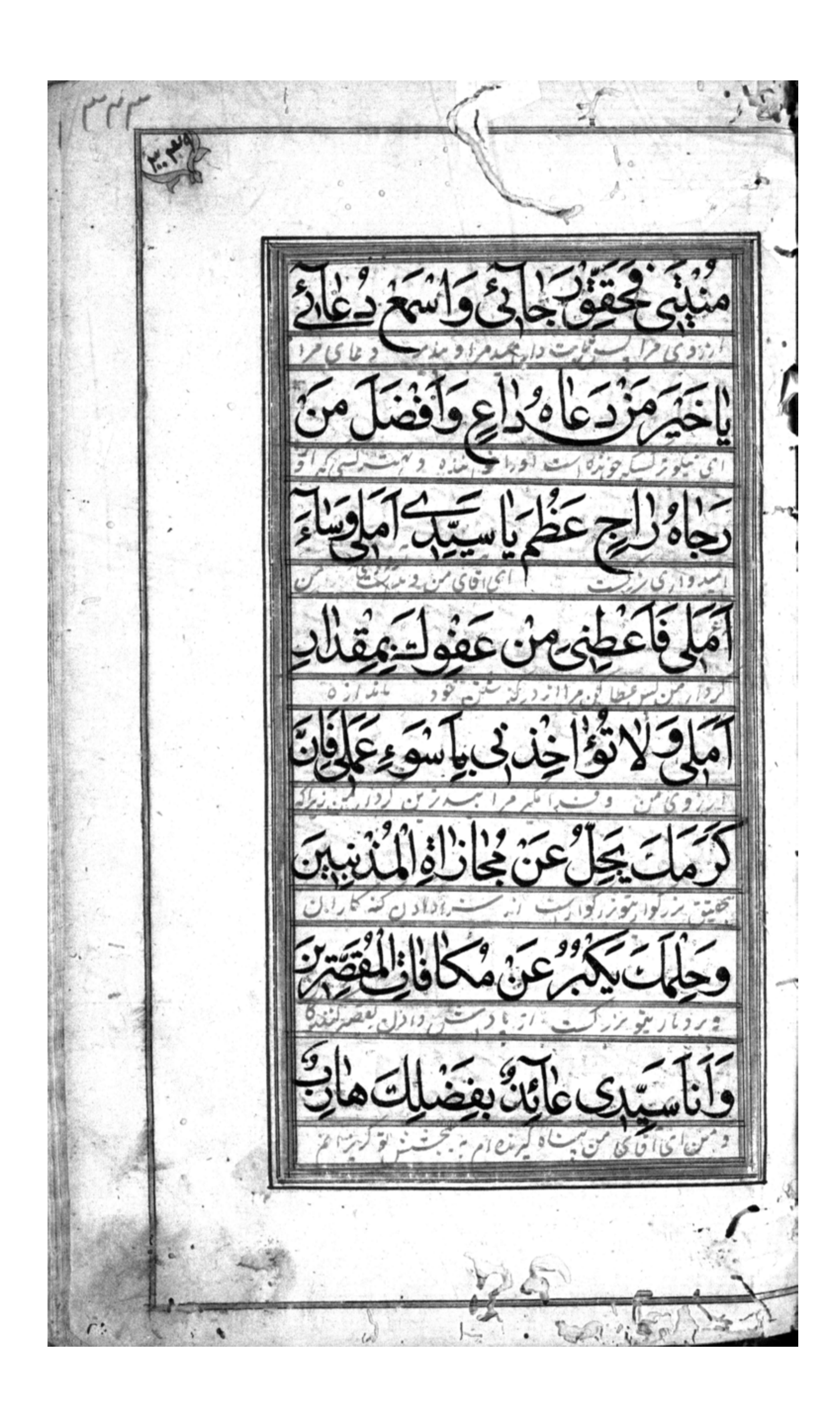
و بزرگواری تست و ذخیره من در حال سختی من با کمی شرم

حيائي رأفتك ورحمتك وقد

شرم من مهربانی و بخشش تست و بتحقیق

رجوت ان لا تخيب بين ذين وذين

امیدوارم که ناامید نگردانی میانه این دوتا و این دوتا



مُنْيَتِي فَحَقِّقْ رَجَائِي وَاسْمَعْ دُعَائِي

يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ

رَجَاهُ رَاجٍ عَظُمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَسَاءَ

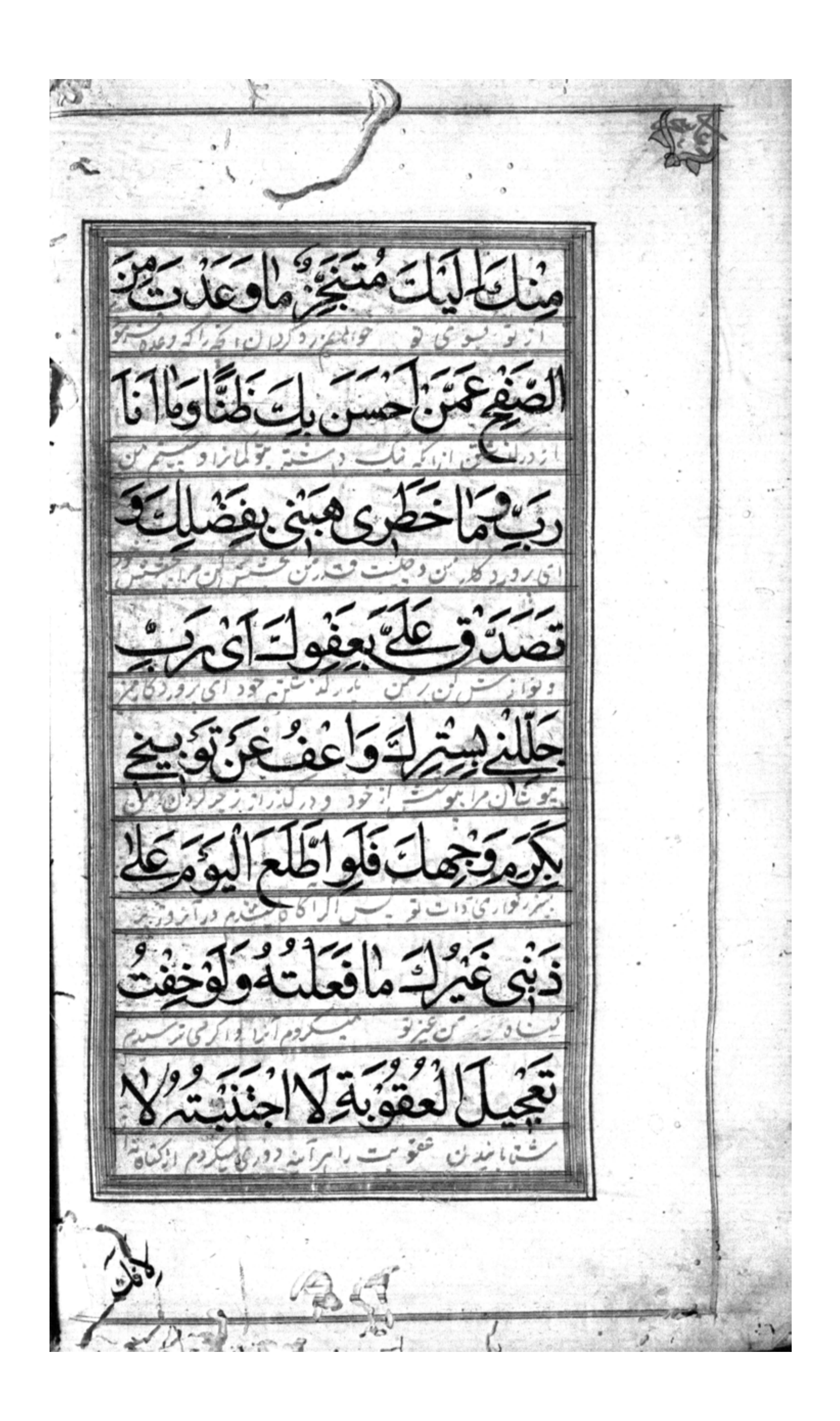
عَمَلِي فَأَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ

أَمَلِي وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَءِ عَمَلِي فَإِنَّ

كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ

وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاتِ الْمُقَصِّرِينَ

وَأَنَا سَيِّدِي عَائِذٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ



منك الیك متنجزًا ما وعدت من

الصفح عمن احسن بك ظنًّا وما انا

رب وما خطری هبنی بفضلك و

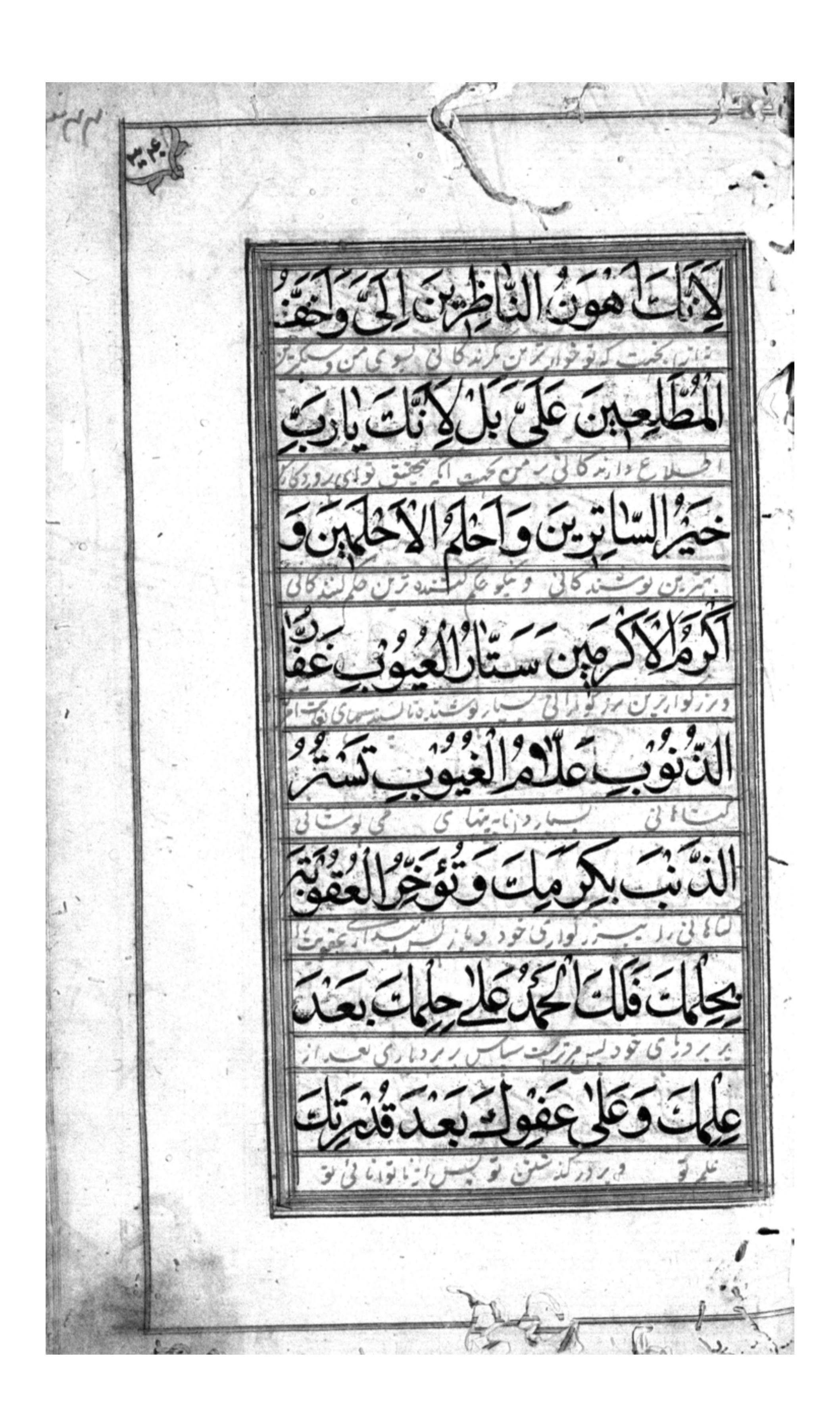
تصدّق علیّ بعفوك ای ربّ

جلّلنی بسترك واعف عن توبیخی

بكرم وجهك فلو اطّلع الیوم علی

ذنبی غیرك ما فعلته ولو خفت

تعجیل العقوبة لاجتنبته لا



لانك اهون الناظرين الي واخف

تا از جهت که تو خوار ترین نگرنده گانی بسوی من و سبکتر

المطلعين علي بل لانك يا رب

اطلاع دارنده گانی بر من بلکه از جهت آنکه بتحقیق توای پروردگار

خير الساترين واحلم الاحلمين و

بهترین پوشنده گانی و نیکو ... کننده ترین ... کننده گانی

اكرم الاكرمين ستار العيوب غفار

و بزرگوار ترین بزرگوارانی بسیار پوشنده ... بسیار آمرزنده

الذنوب علام الغيوب تستر

گناهانی بسیار دانا به نهانی ها می پوشانی

الذنب بكرمك وتؤخر العقوبة

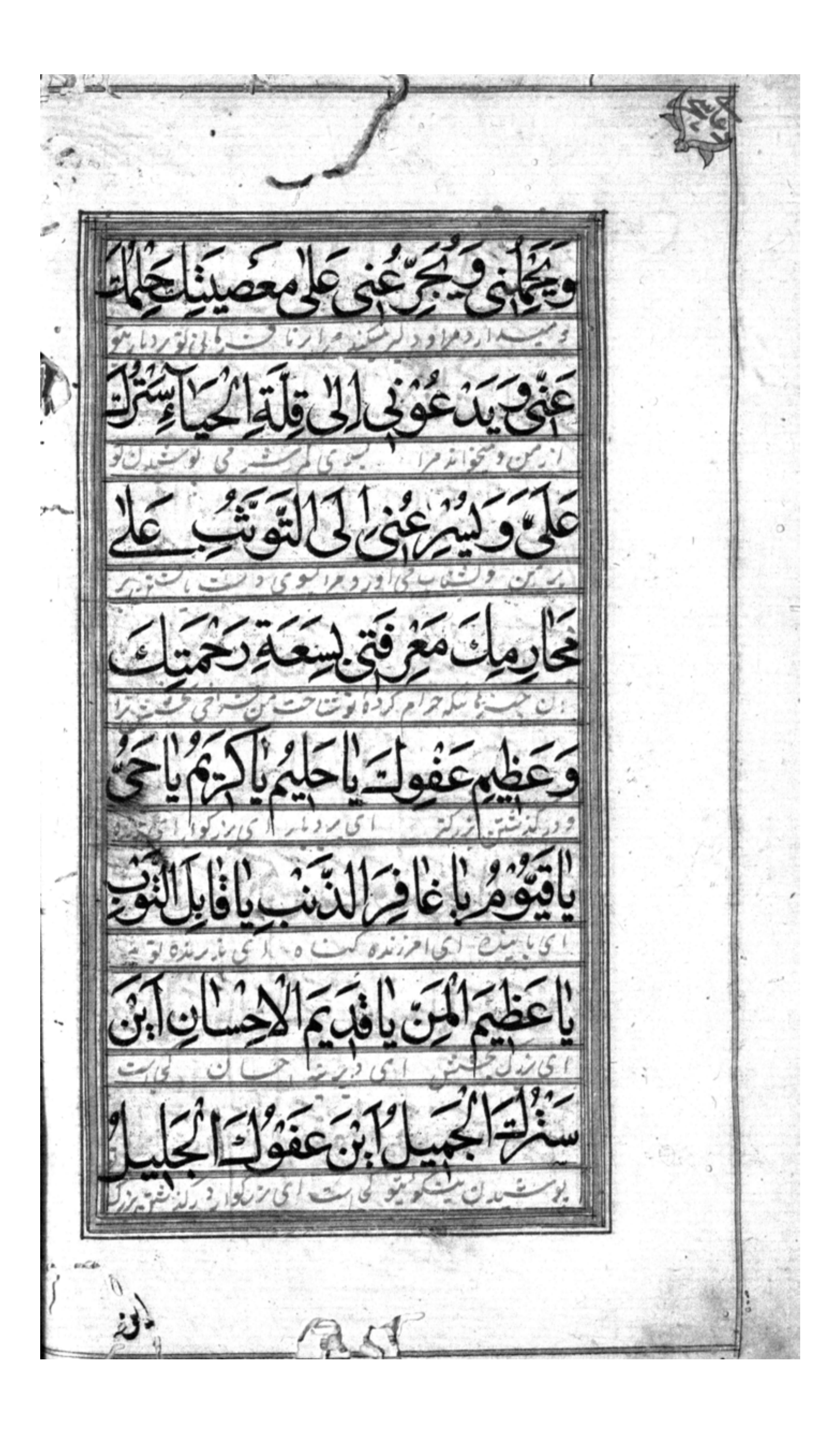
گناهان را بسبب بزرگواری خود و باز پس میداری عقوبت را

بحلمك فلك الحمد على حلمك بعد

به بردباری خود پس مر ترا ست سپاس بر بردباری بعد از

علمك وعلى عفوك بعد قدرتك

علم تو و بر در گذشتن تو پس از توانائی تو



ويحملني ويجرئني على معصيتك حلمك

و می‌دارد مرا و دلیر می‌کند مرا بر نافرمانی تو بردباری تو

عني ويدعوني الى قلة الحياء سترك

از من و می‌خواند مرا بسوی کمی شرم پوشیدن تو

علي ويسرعني الى التوثب على

بر من و شتاب می‌آورد مرا بسوی دست یازیدن بر

محارمك معرفتي بسعة رحمتك

آنچه که حرام کرده تو شناخت من فراخی رحمت ترا

وعظيم عفوك يا حليم يا كريم يا حي

و در گذشتن بزرگ تو ای بردبار ای بزرگوار ای زنده

يا قيوم يا غافر الذنب يا قابل التوب

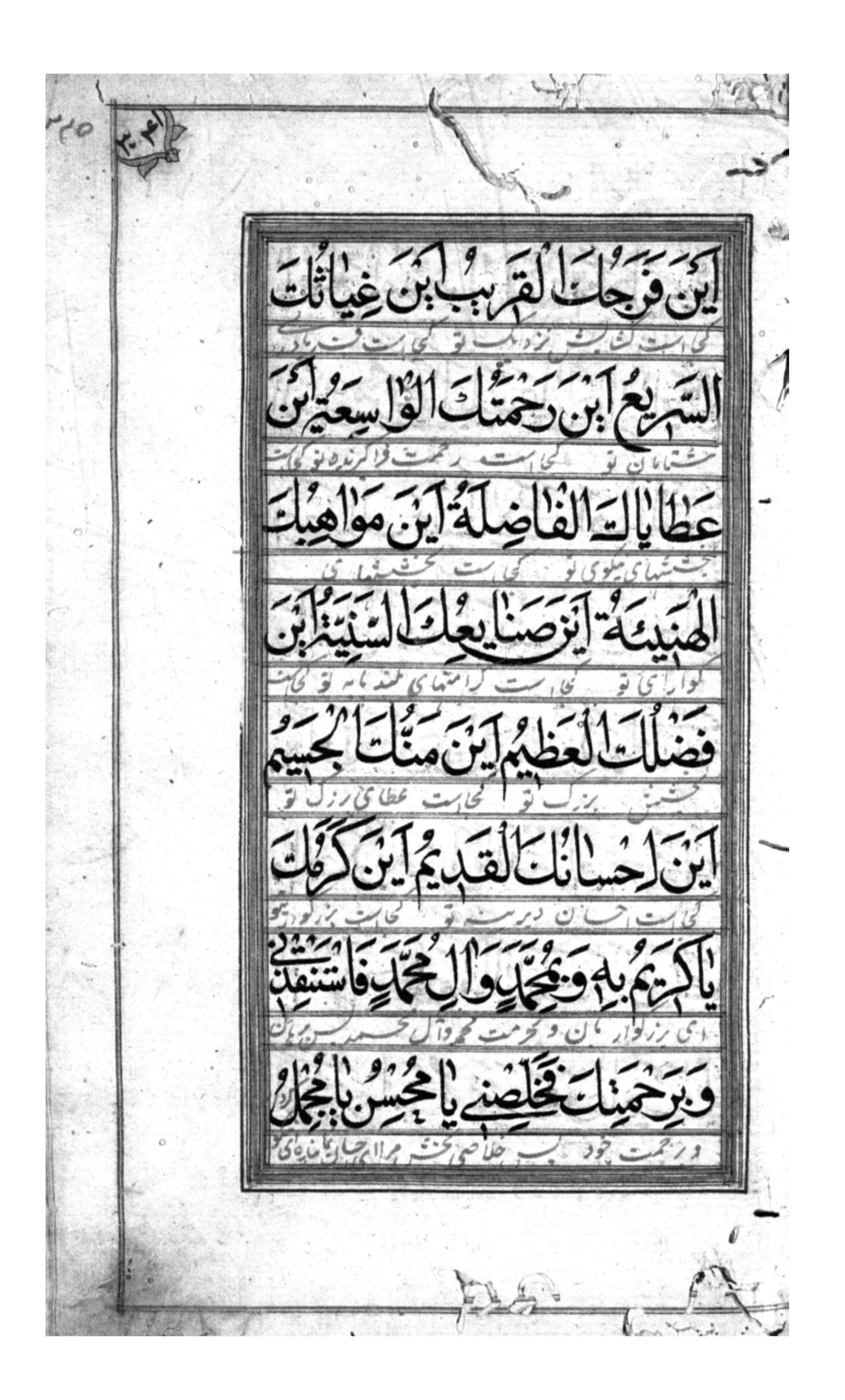
ای پاینده ای آمرزنده گناه ای پذیرنده توبه

يا عظيم المن يا قديم الاحسان اين

ای بزرگ نعمت ای دیرینه احسان کجاست

سترك الجميل اين عفوك الجليل

پوشیدن نیکوی تو کجاست ای بزرگوار درگذشتن بزرگ تو



أين فرجك القريب أين غياثك

کجاست گشایش نزدیک تو کجاست فریادرسی

السريع أين رحمتك الواسعة أين

شتابان تو کجاست رحمت فراگیرنده تو کجاست

عطاياك الفاضلة أين مواهبك

بخششهای نیکوی تو کجاست بخششهای

الهنيئة أين صنايعك السنية أين

گوارای تو کجاست کرامتهای بلند پایه تو کجاست

فضلك العظيم أين منك الجسيم

بخشش بزرگ تو کجاست عطای بزرگ تو

أين إحسانك القديم أين كرمك

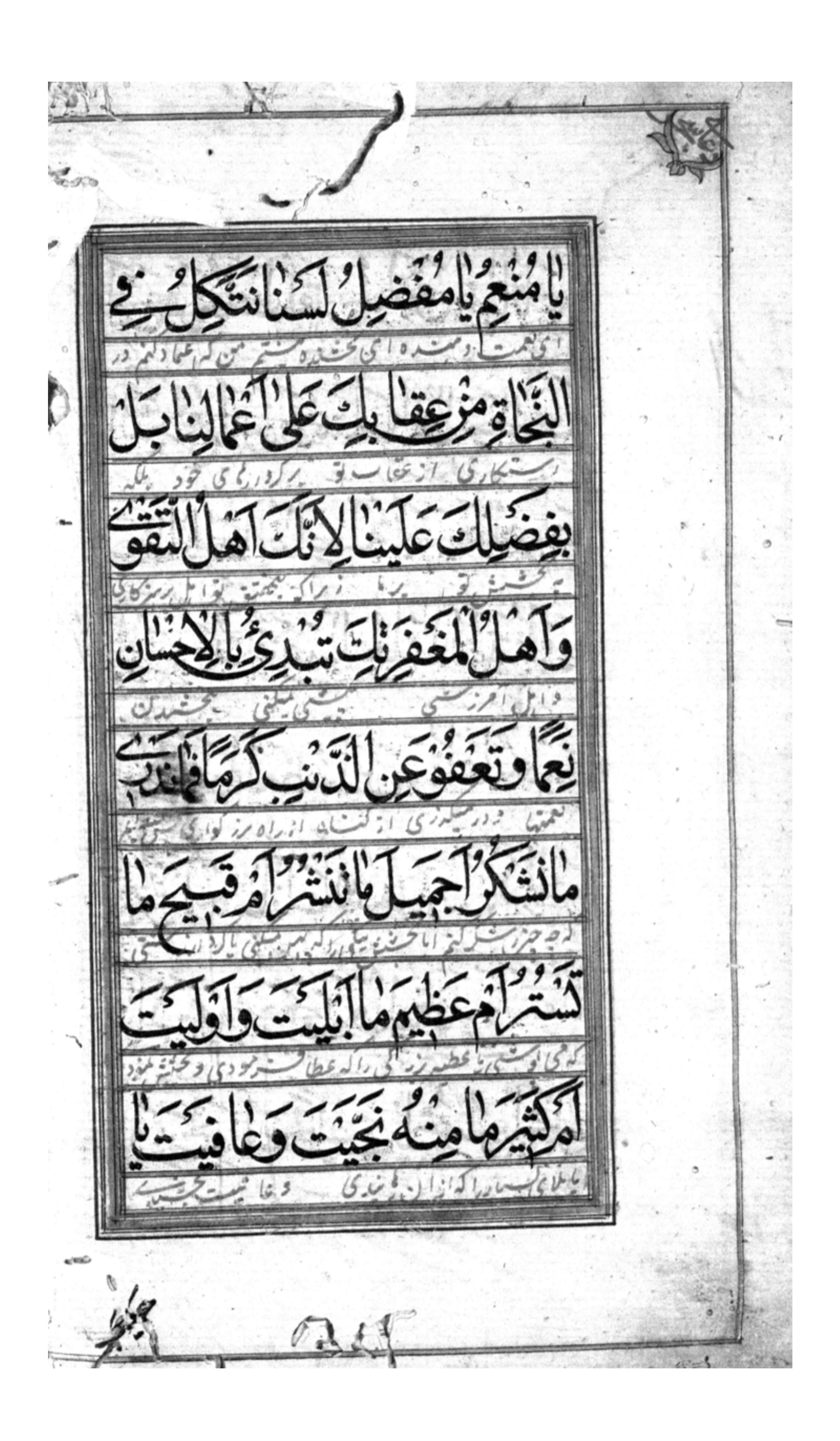
کجاست احسان دیرینه تو کجاست بزرگواری

يا كريم به وبمحمد وآل محمد فاستنقذني

ای بزرگوار بآن و بحرمت محمد و آل محمد مرا برهان

وبرحمتك فخلصني يا محسن يا مجمل

و برحمت خود پس خلاصی بخش مرا ای احسان کننده ای



يا منعم يا مفضل لسنا نتكل في

النجاة من عقابك على اعمالنا بل

بفضلك علينا لانك اهل التقوى

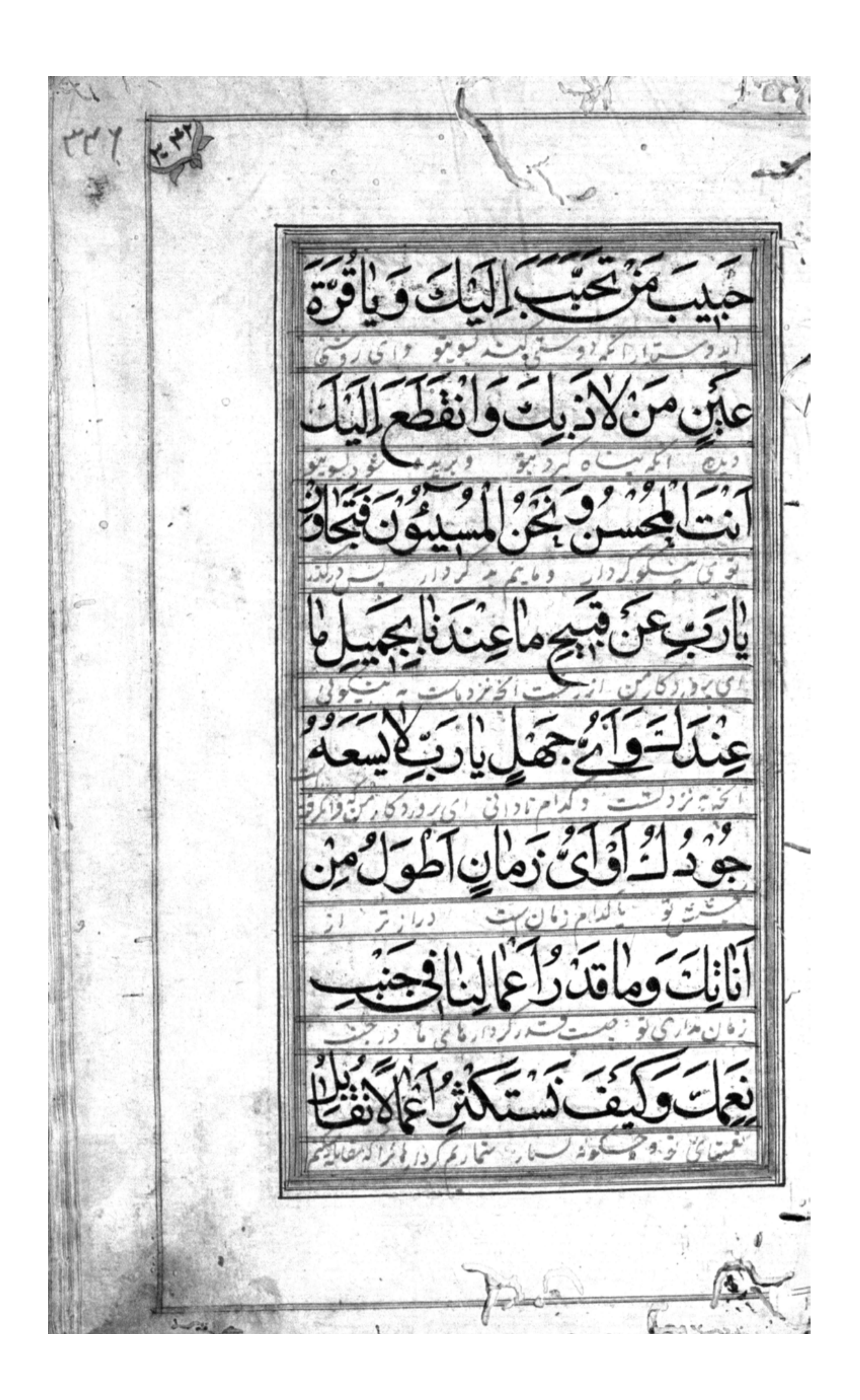
واهل المغفرة تبدئ بالاحسان

نعما وتعفو عن الذنب كرما فما ندري

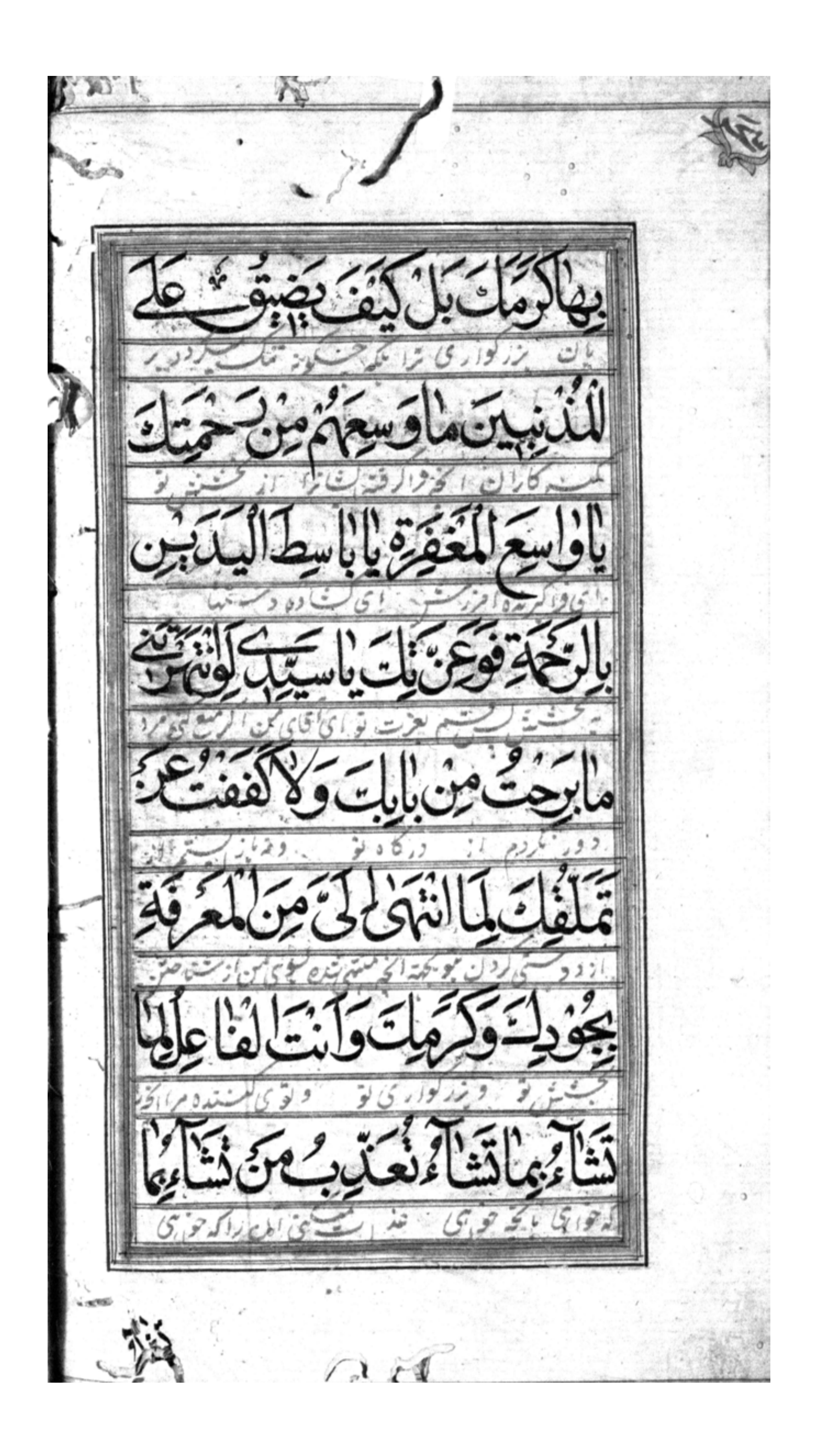
ما نشكر اجميل ما تنشر ام قبيح ما

تستر ام عظيم ما ابليت واوليت

ام كثير ما منه نجيت وعافيت يا



حبيب من تحبب اليك ويا قرة
ای دوست آنکه دوستی کند سوی تو وای روشنی
عين من لاذ بك وانقطع اليك
دیده آنکه پناه گیرد بتو و برید سوی تو
انت المحسن ونحن المسيئون فتجاوز
توئی نیکوکردار و ماییم بدکردار پس درگذر
يا رب عن قبيح ما عندنا بجميل ما
ای پروردگار من از زشت آنچه نزد ماست به نیکویی
عندك واي جهل يا رب لا يسعه
آنچه نزد تست و کدام نادانی ای پروردگار من که فرا نگیرد
جودك او اي زمان اطول من
بخشش تو یا کدام زمان است درازتر از
اناتك وما قدر اعمالنا في جنب
زمان مدارای تو چیست قدر کردارهای ما در جنب
نعمك وكيف نستكثر اعمالا نقابل
نعمتهای تو و چگونه بسیار شماریم کردارها را که مقابله کنیم



بهاكرمك بل كيف يضيق على

بات بزرگواری ترا بلکه چگونه تنگ گردد بر

للمذنبين ما وسعهم من رحمتك

گناهکاران آنچه فرا گرفته است ایشانرا از بخشش تو

يا واسع المغفرة يا باسط اليدين

ای فراخ آمرزش ای گشاده دستها

بالرحمة فوعزتك يا سيدي لو انتهرتني

به بخشش پس قسم بعزت تو ای آقای من اگر منع کنی مرا

ما برحت من بابك ولا كففت عن

دور نگردم از درگاه تو و نمی بازایستم از

تملقك لما انتهى الي من المعرفة

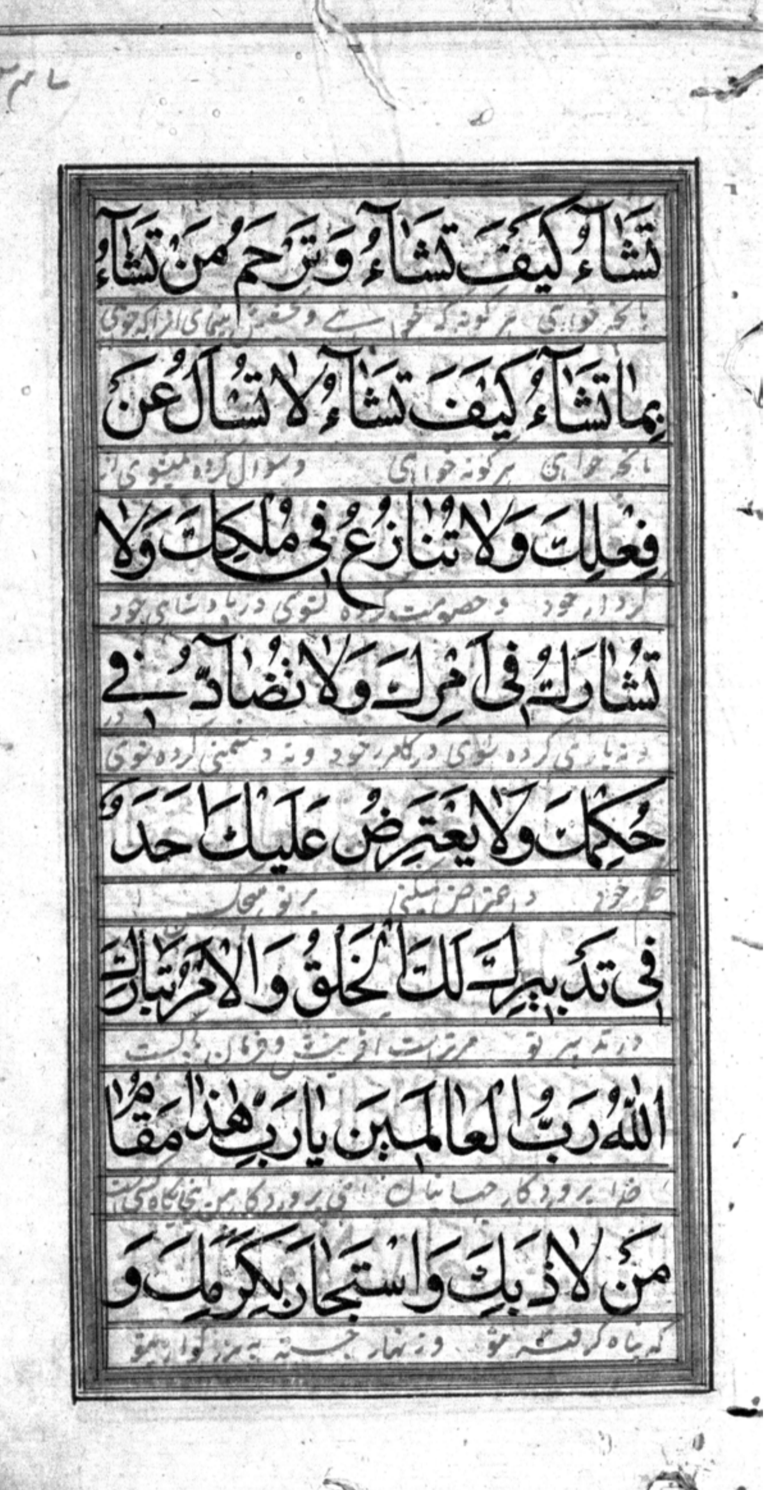
از دست دادن آنچه منتهی شده بسوی من از شناختن

بجودك وكرمك وانت الفاعل لما

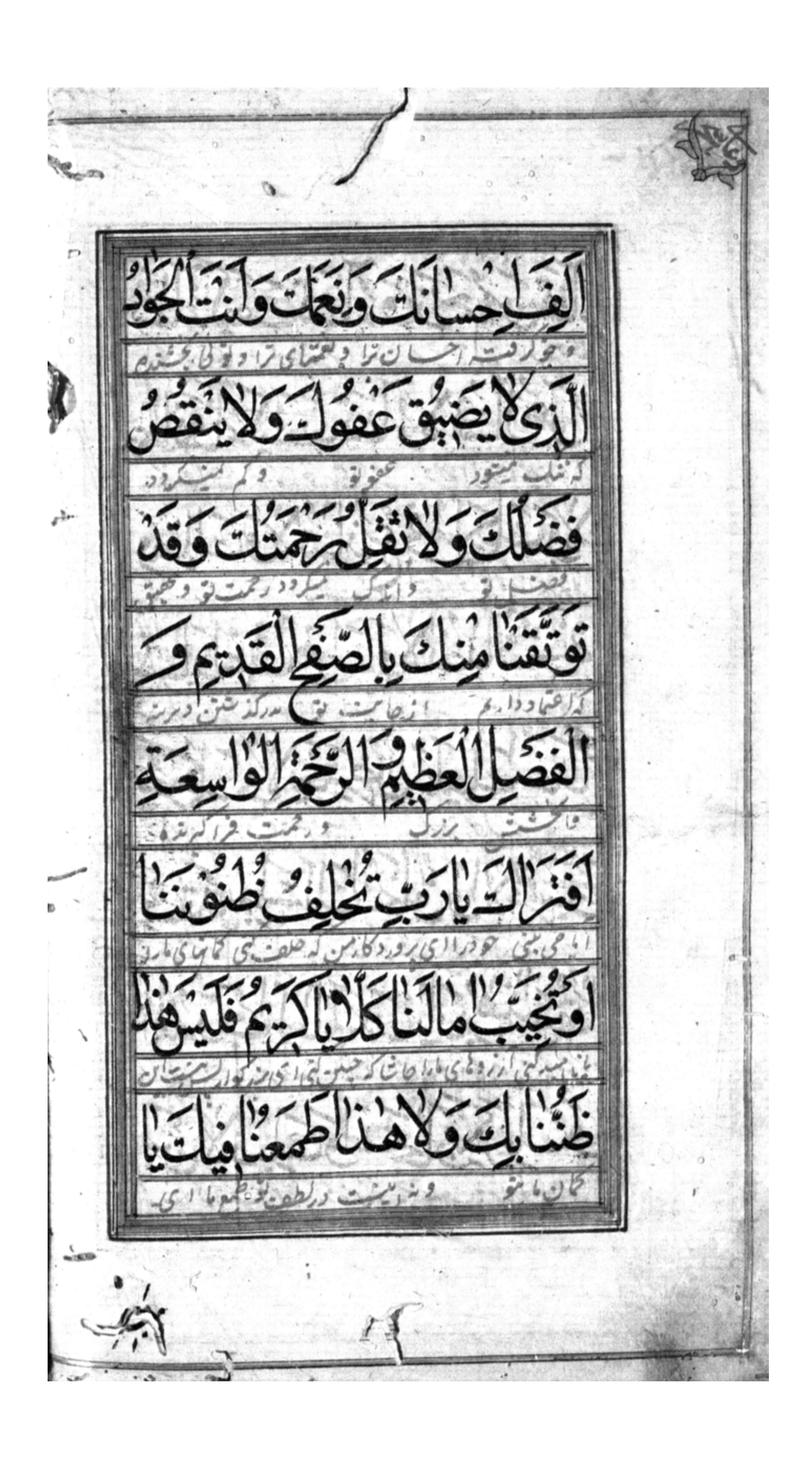
بخشش تو و بزرگواری تو و توئی کننده مرآنچه

تشاء بما تشاء تعذب من تشاء بما

خواهی بآنچه خواهی عذاب میکنی آنرا که خواهی



تشاء كيف تشاء وترحم من تشاء
بما تشاء كيف تشاء لا تسأل عن
فعلك ولا تنازع في ملكك ولا
تشارك في أمرك ولا تضاد في
حكمك ولا يعترض عليك أحد
في تدبيرك لك الخلق والأمر تبارك
الله رب العالمين يا رب هذا مقام
من لاذ بك واستجار بكرمك و



الف احسانك ونعمك وانت الجواد

و خو گرفته احسان ترا و نعمتهای ترا و توئی بخشنده

الذی لا یضیق عفوك ولا ینقص

که تنگ نمیشود عفو تو و کم نمیگردد

فضلك ولا تقل رحمتك وقد

فضل تو و اندک نمیگردد رحمت تو و بحقیقه

توثقنا منك بالصفح القدیم و

که اعتماد داریم از جانب تو بدرگذشتن دیرینه

الفضل العظیم والرحمة الواسعة

و بخشش بزرگ و رحمت فراگیرنده

افتراك یا رب تخلف ظنوننا

آیا می بینی خود را ای پروردگار من که خلاف کنی گمانهای ما را

او تخیب آمالنا کلا یا کریم فلیس هذا

یا ناامید کنی آرزوهای ما را حاشا که چنین باشد ای کریم پس نیست این

ظننا بك ولا هذا طمعنا فیك یا

گمان ما بتو و نه اینست در لطف تو طمع ما ای

رَبِّ إنَّ لَنا فيكَ أمَلاً طَويلاً كَثيراً

پروردگارا بدرستیکه برای ماست از لطف تو آرزوی بسیار

إنَّ لَنا فيكَ رَجاءً عَظيماً عَصَيْناكَ

بدرستیکه برای ماست در بخشش تو امید بزرگی نافرمانی کردیم ترا

وَنَحْنُ نَرْجُو أنْ تَسْتُرَ عَلَيْنا وَ

و حال آنکه امید داریم آنکه بپوشی بر ما و

دَعَوْناكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أنْ تَسْتَجيبَ

میخوانیم ترا و حال آنکه امید داریم آنکه بپذیری

لَنا فَحَقِّقْ رَجاءَنا يا مَوْلانا فَقَدْ

برای ما پس درست کن امید ما را ای آقای ما پس بحقیقت

عَلِمْنا ما نَسْتَوْجِبُ بِأعْمالِنا وَلكِنْ

دانستیم آنچه را که سزاوار گردیم بکردارهای خود ولیکن

عِلْمُكَ فينا وَعِلْمُنا بِأنَّكَ لا تَصْرِفُنا

دانستن تو در باره ما و دانستن ما آنکه بتحقیق تو برنگردانی

عَنْكَ حَثَّنا عَلَى الرَّغْبَةِ إلَيْكَ

از خود برانگیزانید ما را بر خواهش بسوی تو

وان كنا غير مستوجبين لرحمتك

واگر بوده باشیم که مستحق نباشیم بخشش ترا

فانت اهل ان تجود علينا و على

پس تو سزاواری که بخشش نمای بر ما و بر

المذنبين بفضل سعتك فامنن

گناهکاران زیادتی گشایش خود پس عطا کن

علينا بما انت اهله وجد علينا

بر ما بانچه تو سزاوار آنی و بخشش نما بر ما

فانا محتاجون الى نيلك يا غفار

زیرا که بتحقیق ما محتاجیم بسوی عطای نوای تو ای بسیار آمرزنده

بنورك اهتدينا وبفضلك استغنينا

بروشنائی تو راه یافتیم و به بخشش تو بی نیاز شدیم

وبنعمتك اصبحنا وامسينا ذنوبنا

و بنعمت تو صبح کردیم و شام کردیم گناهان

بين يديك نستغفرك اللهم منها

در پیش توست طلب آمرزش میکنیم ترا خداوندا از آنها

ونتوب اليك تتحبب الينا

و رجوع مینماییم بسوی تو دوستی میکنی بسوی ما

بالنعم ونعارضك بالذنوب خيرك

بنعمت ها و برابری میکنیم نعمتهای ترا بگناهان نیکویی تو

الينا نازل وشرنا اليك صاعد

بسوی ما فرود آینده است و بدی ما بسوی تو بالا رونده است

ولم يزل ولا يزال ملك كريم يأتيك

همیشه بوده است و همیشه خواهد بود که فرشته بزرگواری می آید

عنا في كل يوم بعمل قبيح فلا يمنعك

از ما در هر روز با کردار زشتی پس باز نمیدارد

ذلك من ان تحوطنا بنعمك وتتفضل

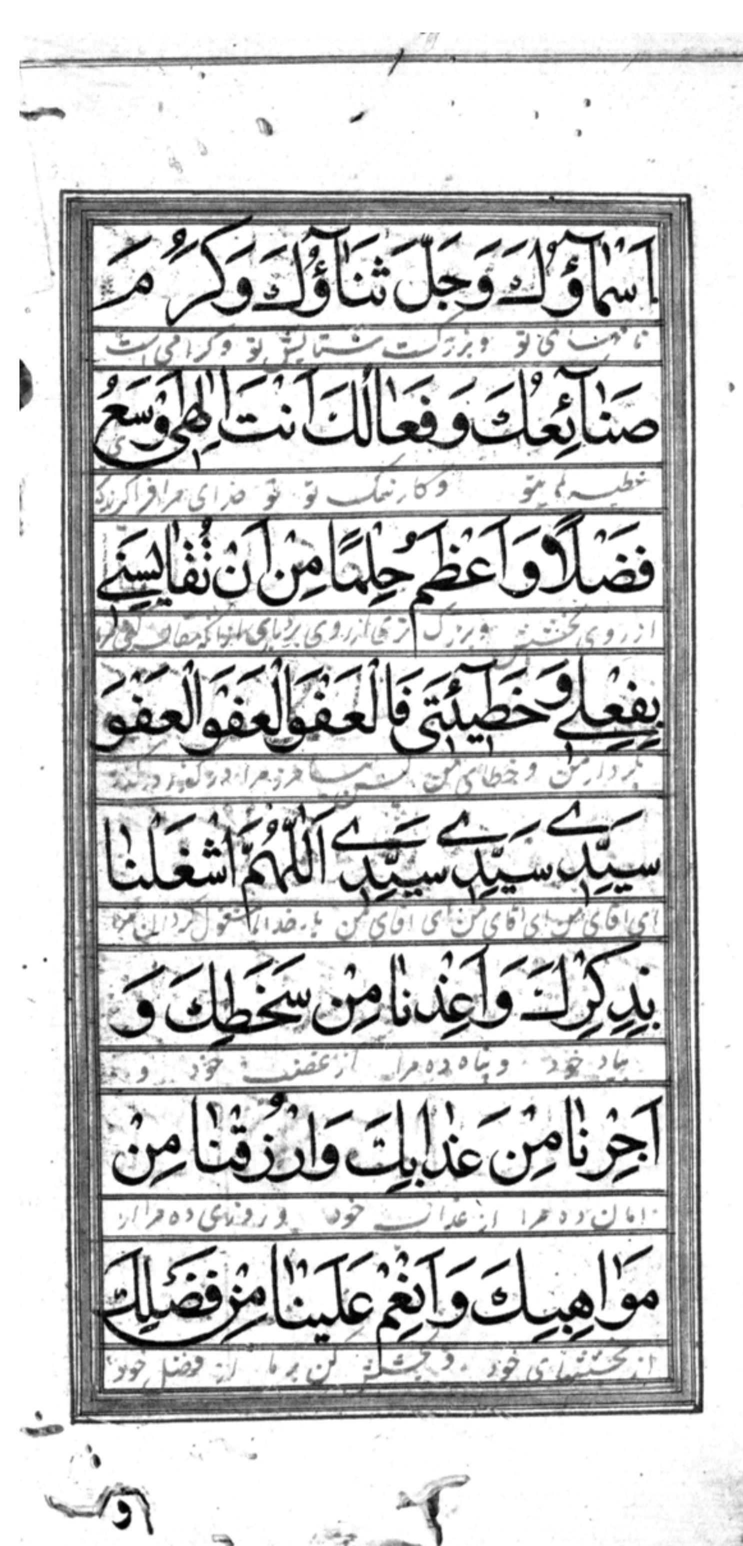
ترا آنکه فرو گیری ما را بنعمت های خود و بخشش نمای

علينا بآلائك فسبحانك ما احلمك

بر ما بعطاهای خود پس پاکی تو چه بردباری تو

واعظمك مبدئا ومعيدا تقدست

و چه بزرگی تو در حالیکه پدید آورنده و باز گرداننده منزه



اسمائك وجل ثناؤك وكرم

نامهای تو و بزرگست ستایش تو و گرامی است

صنائعك وفعالك انت الهي اوسع

عطیه های تو و کارهای تو تو خدای مرا فراخ تر

فضلا واعظم حلما من ان تقايسني

از روی بخشش و بزرگتر از روی بردباری از آنکه مقابله کنی مرا

بفعلي وخطيئتي فالعفو العفو العفو

بکردار من و خطای من پس عفو

سيدي سيدي سيدي اللهم اشغلنا

ای آقای من ای آقای من ای آقای من بار خدایا مشغول گردان ما را

بذكرك واعذنا من سخطك و

بیاد خود و پناه ده مرا از غضب خود و

اجرنا من عذابك وارزقنا من

امان ده مرا از عذاب خود و روزی ده مرا

مواهبك وانعم علينا من فضلك

از بخششهای خود و بخشش کن بر ما از فضل خود

وَارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرِ
و روزی کن مرا حج خانه خود و زیارت قبر

نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَ
پیغمبر خود درودهای تو و رحمت تو و

مَغْفِرَتُكَ وَرِضْوَانُكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ
آمرزش تو و خشنودی تو بر او باد و بر

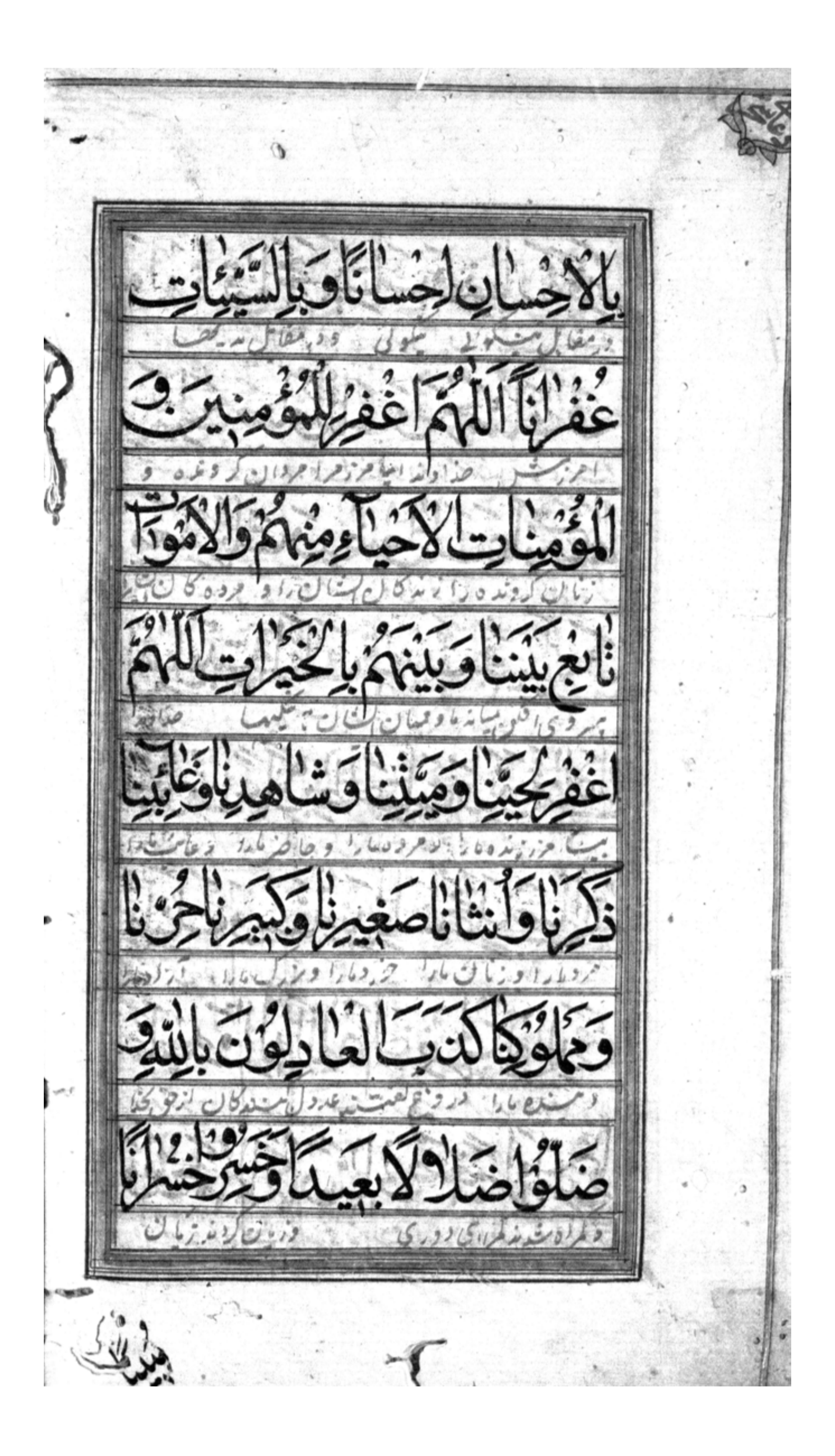
أَهْلِ بَيْتِهِ إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ وَ
خاندان او بدرستی که تو نزدیکی جواب دهنده و

ارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَتَوَفَّنَا عَلَىٰ
روزی کن ما را عمل کردن بطاعت خود و بمیران ما را

مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ
بر دین خود و طریقه پیغمبر خود محمد رحمت فرستاد خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ
بر او و آل او خداوندا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا

وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا وَاجْزِهِمَا
و رحمت کن ایشان را چنانکه رحمت نمودند مرا در حالیکه خورد بودم و خرد



بالاحسان احسانا وبالسيئات

غفرانا اللهم اغفر للمؤمنين و

المؤمنات الاحياء منهم والاموات

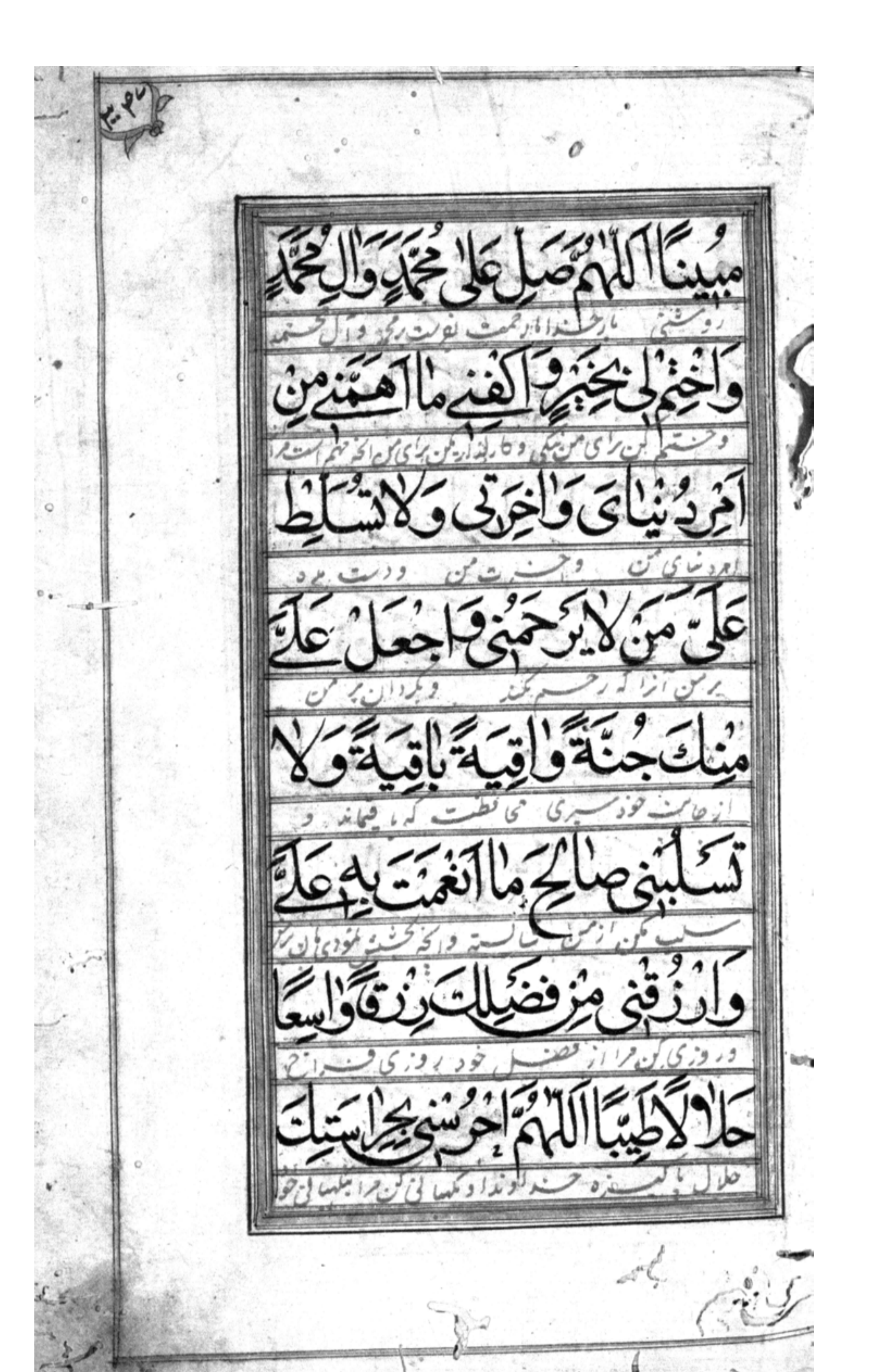
تابع بيننا وبينهم بالخيرات اللهم

اغفر لحينا وميتنا وشاهدنا وغائبنا

ذكرنا وانثانا صغيرنا وكبيرنا حرنا

ومملوكنا كذب العادلون بالله و

ضلوا ضلالا بعيدا وخسروا خسرانا



مبينا اللهم صل على محمد وال محمد

واختم لي بخير واكفني ما اهمني من

امر دنياي واخرتي ولا تسلط

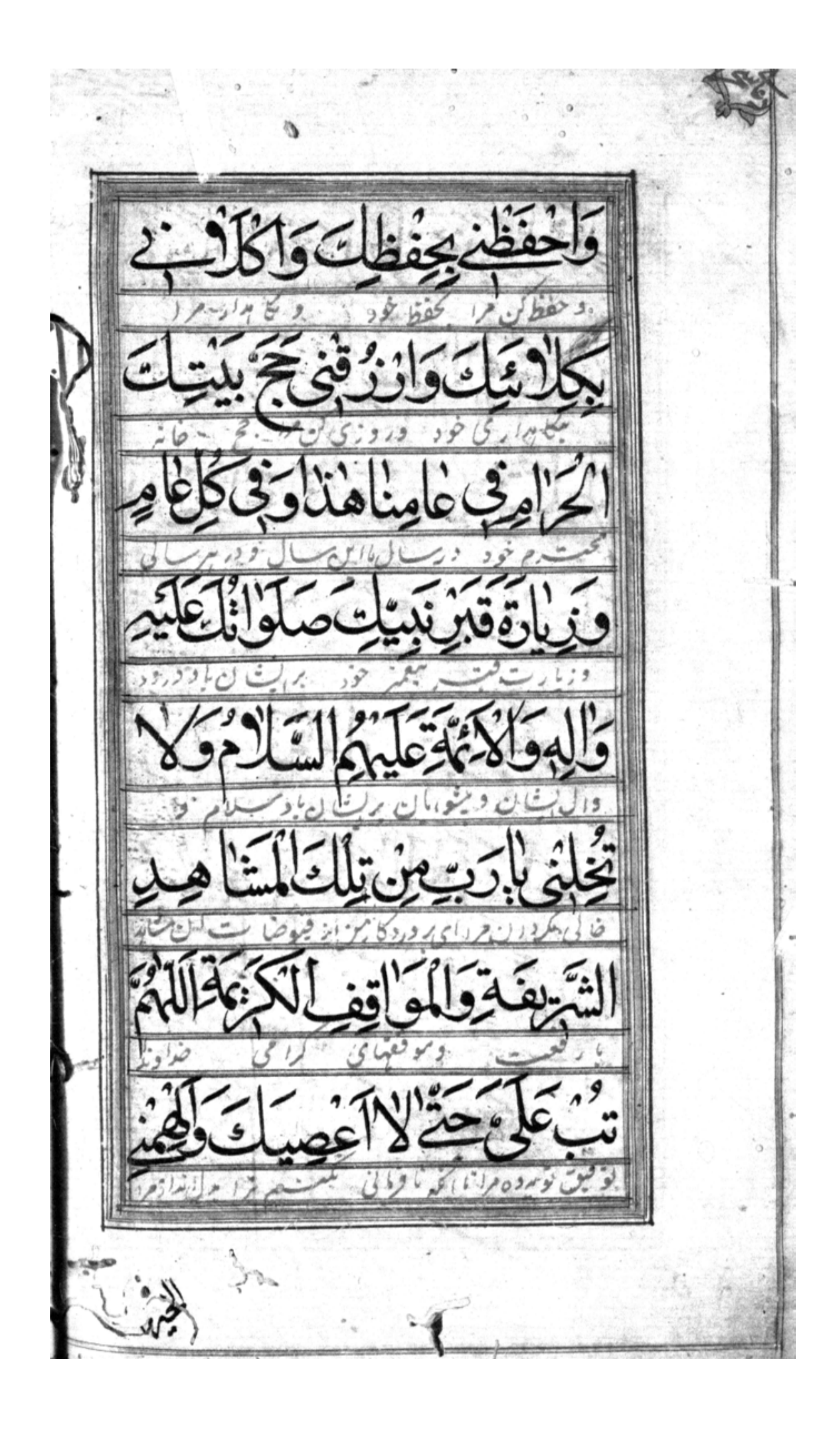
على من لا يرحمني واجعل علي

منك جنة واقية باقية ولا

تسلبني صالح ما انعمت به علي

وارزقني من فضلك رزقا واسعا

حلالا طيبا اللهم احرسني بحراستك



واحفظني بحفظك واكلاني

و حفظ کن مرا بحفظ خود و نگاه دار مرا

بكلائك وارزقني حج بيتك

بنگاهداری خود و روزی کن حج خانه

الحرام في عامنا هذا وفي كل عام

محترم خود در سال ما این سال و در هر سالی

وزيارة قبر نبيك صلواتك عليه

و زیارت قبر پیغمبر خود برایشان باد درود

وآله والائمة عليهم السلام ولا

و آل ایشان و پیشوایان برایشان باد سلام و

تخلني يا رب من تلك المشاهد

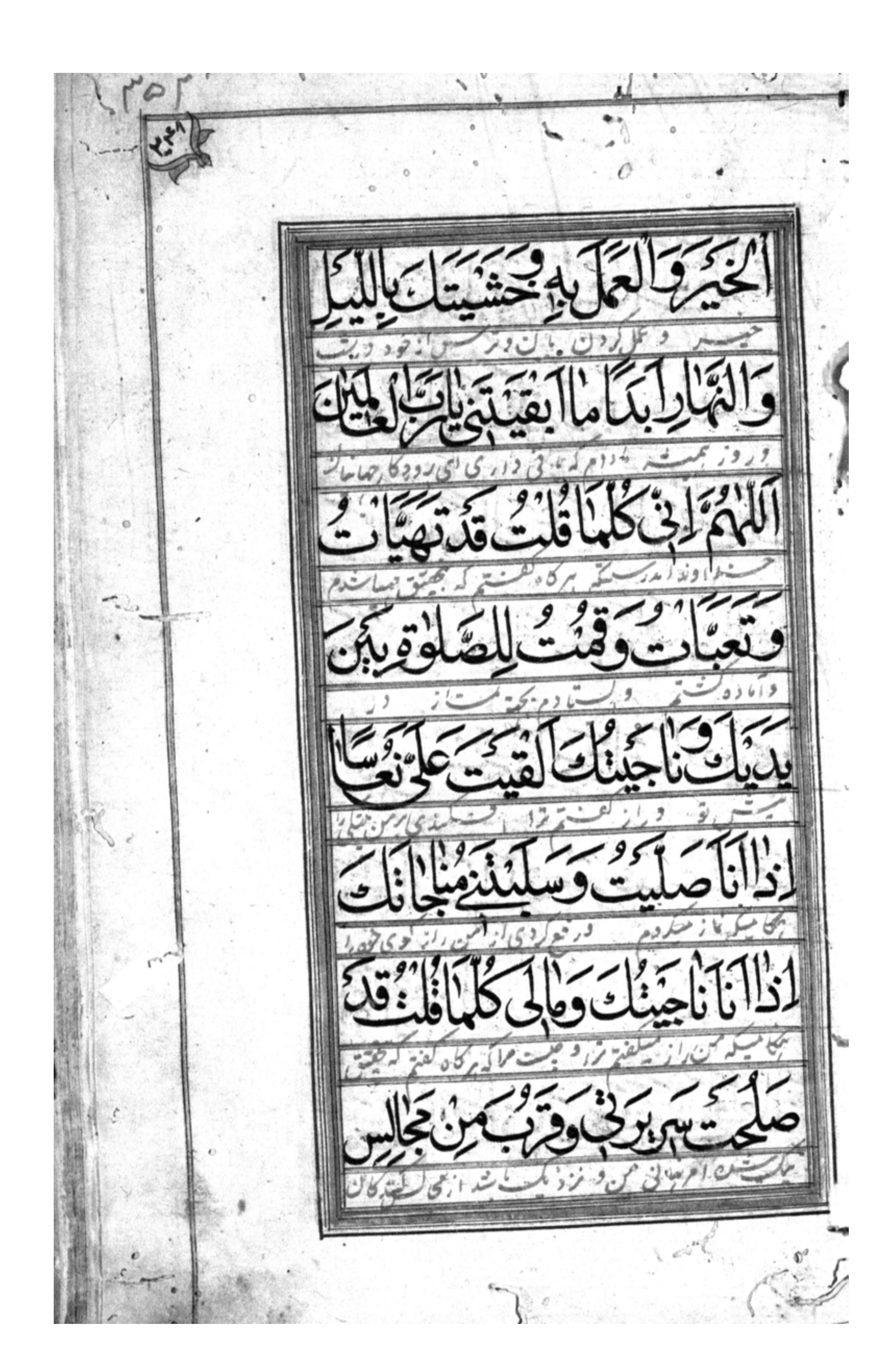
خالی مگردان مرا ای پروردگار من از فیوضات آن مشاهد

الشريفة والمواقف الكريمة اللهم

با رفعت و موقفهای گرامی خداوندا

تب علي حتى لا اعصيك والهمني

توفیق توبه ده مرا تا که نافرمانی نکنم ترا و الهام ده مرا


الخير والعمل به وخشيتك بالليل

والنهار ابدا ما ابقيتني يا رب العالمين

اللهم اني كلما قلت قد تهيأت

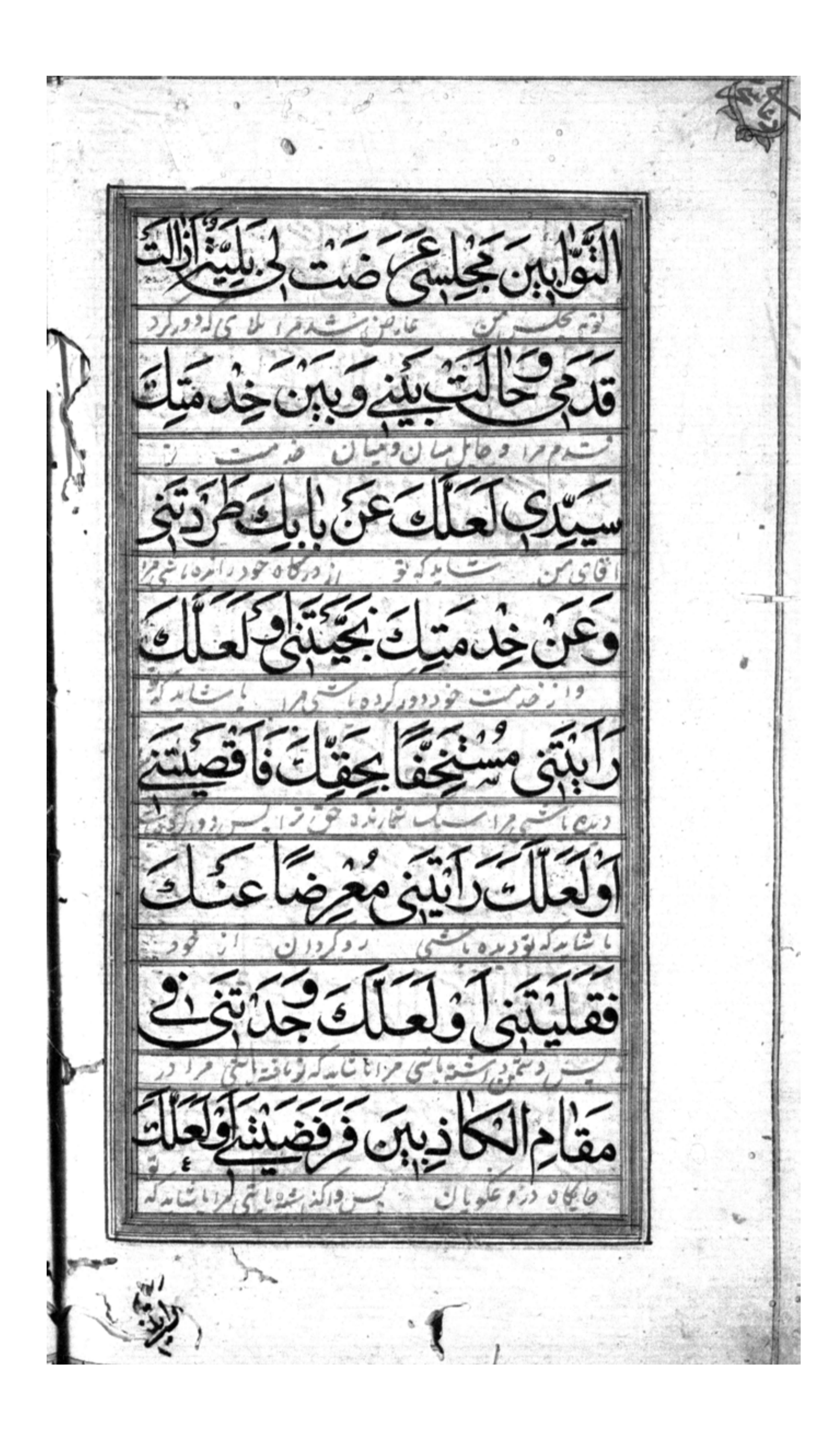
وتعبأت وقمت للصلوة بين

يديك وناجيتك القيت علي نعاسا

اذا انا صليت وسلبتني مناجاتك

اذا انا ناجيتك وما لي كلما قلت قد

صلحت سريرتي وقرب من مجالس



التوابين مجلسي عرضت لي بلية ازالت

توبه مجلس من عارض شد مرا بلایی که دور کرد

قدمي وحالت بيني وبين خدمتك

قدم مرا و حایل میان من و میان خدمت تو

سيدي لعلك عن بابك طردتني

آقای من شاید که تو از درگاه خود رانده باشی مرا

وعن خدمتك نحيتني او لعلك

و از خدمت خود دور کرده باشی مرا یا شاید که

رايتني مستخفا بحقك فاقصيتني

دیده باشی مرا سبک شمارنده حق ترا پس دور کرده باشی

او لعلك رايتني معرضا عنك

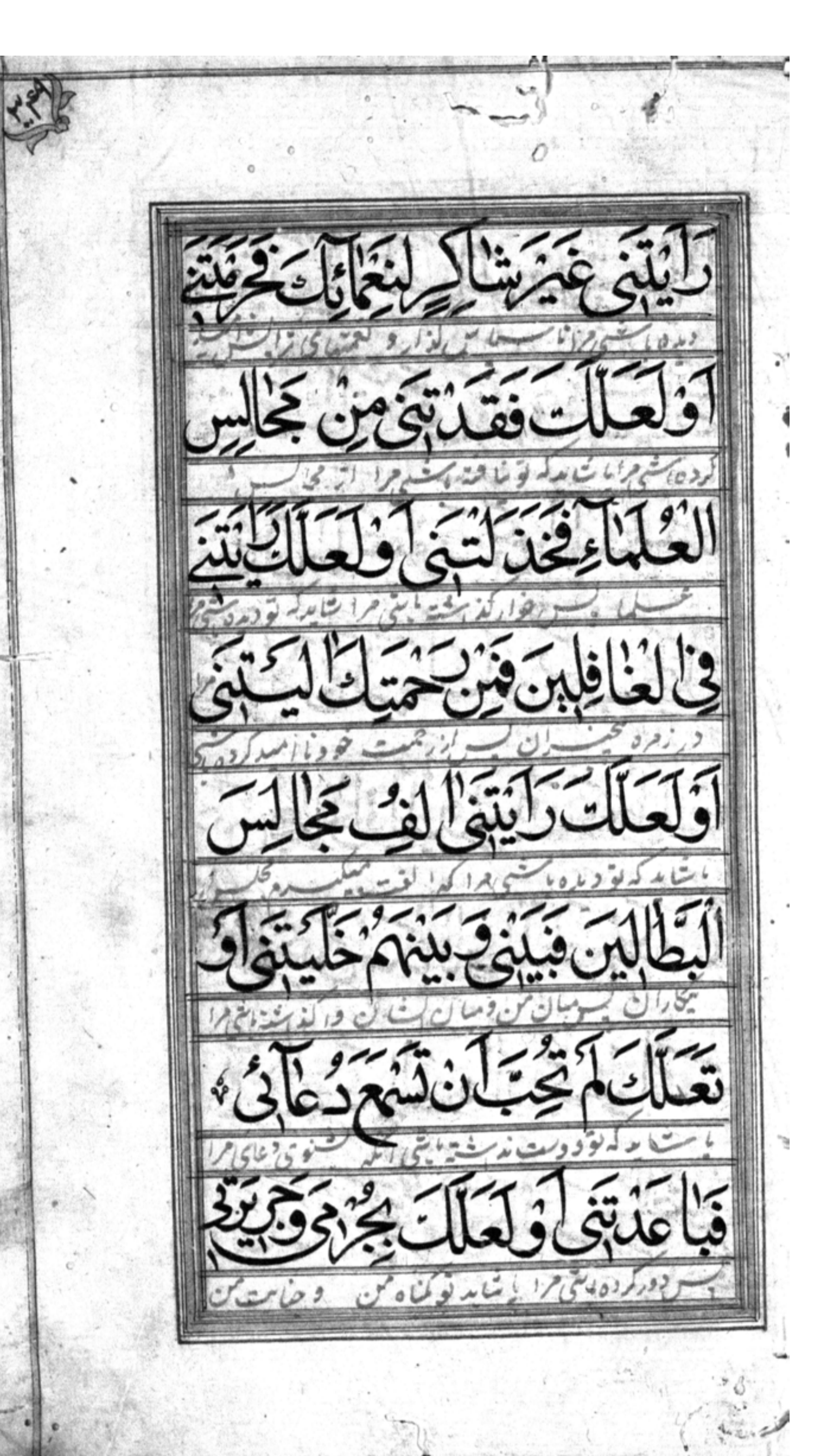
یا شاید که تو دیده باشی روگردان از خود

فقليتني او لعلك وجدتني في

پس دشمن داشته باشی مرا یا شاید که تو یافته باشی مرا در

مقام الكاذبين فرفضتني او لعلك

جایگاه دروغگویان پس واگذاشته باشی مرا یا شاید که



رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنَعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي

أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ

الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي

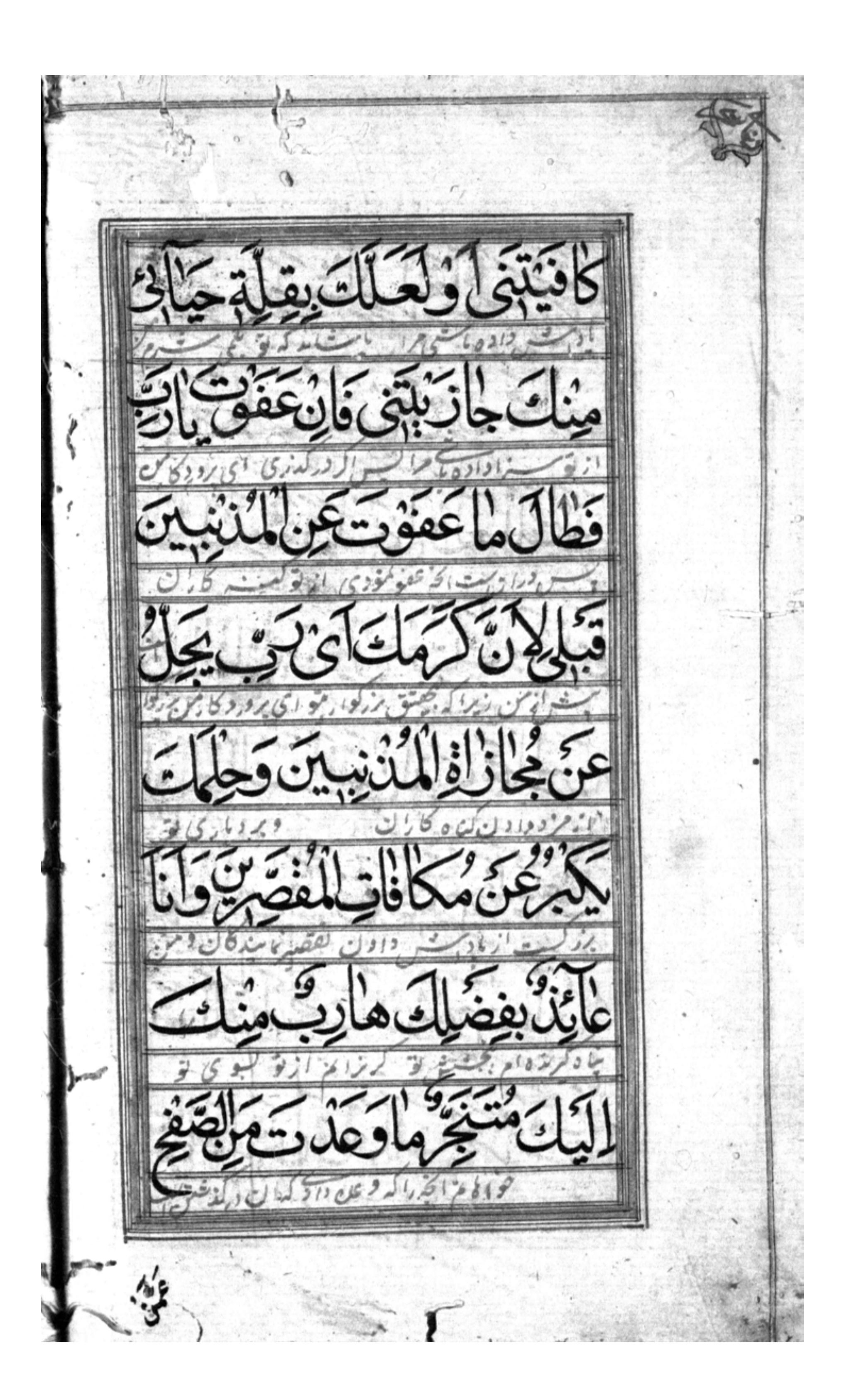
فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آلِفَ مَجَالِسِ

الْبَطَّالِينَ فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَّيْتَنِي أَوْ

لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي

فَبَاعَدْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي وَجَرِيرَتِي



كافيتني او لعلك بقلة حيائي

پاداش داده باشی مرا … باشد که تو … شرم

منك جازيتني فان عفوت يا رب

از تو … داده باشی مرا پس اگر درگذری ای پروردگار من

فطال ما عفوت عن المذنبين

پس دراز است آنچه عفو نمودی از گنهکاران

قبلي لان كرمك اي رب يجل

پیش از من زیرا که بخشش بزرگوار تو ای پروردگار من بزرگتر

عن مجازاة المذنبين وحلمك

از جزا دادن گناهکاران و بردباری تو

يكبر عن مكافات المقصرين وانا

بزرگ است از پاداش دادن تقصیر نمایندگان و من

عائذ بفضلك هارب منك

پناه گیرنده ام ببخشش تو گریزانم از تو بسوی تو

اليك متنجز ما وعدت من الصفح

خواهانم آنچه را که وعده دادی که از درگذشتن

عمّن

عمن احسن بك ظنا الهی انت

از انکه نیکو کرده تو گمان را خدای من تو

اوسع فضلا واعظم حلما من ان

[illegible] بخشنده تری از روی فضل و بزرگتری از روی بردباری از

تقایسنی بعملی او ان تستزلنی

مقایسه کنی مرا در کردار من و انکه خواهی لغزش مرا

بخطیئتی وما انا یا رب وما خطری

بگناه من و چیستم من ای پروردگار من و چیست [illegible] من

هبنی بفضلك یا سیدی وتصدق

ببخش مرا بفضل خود ای آقای من صدقه کن

علی بعفوك وجللنی بسترك و

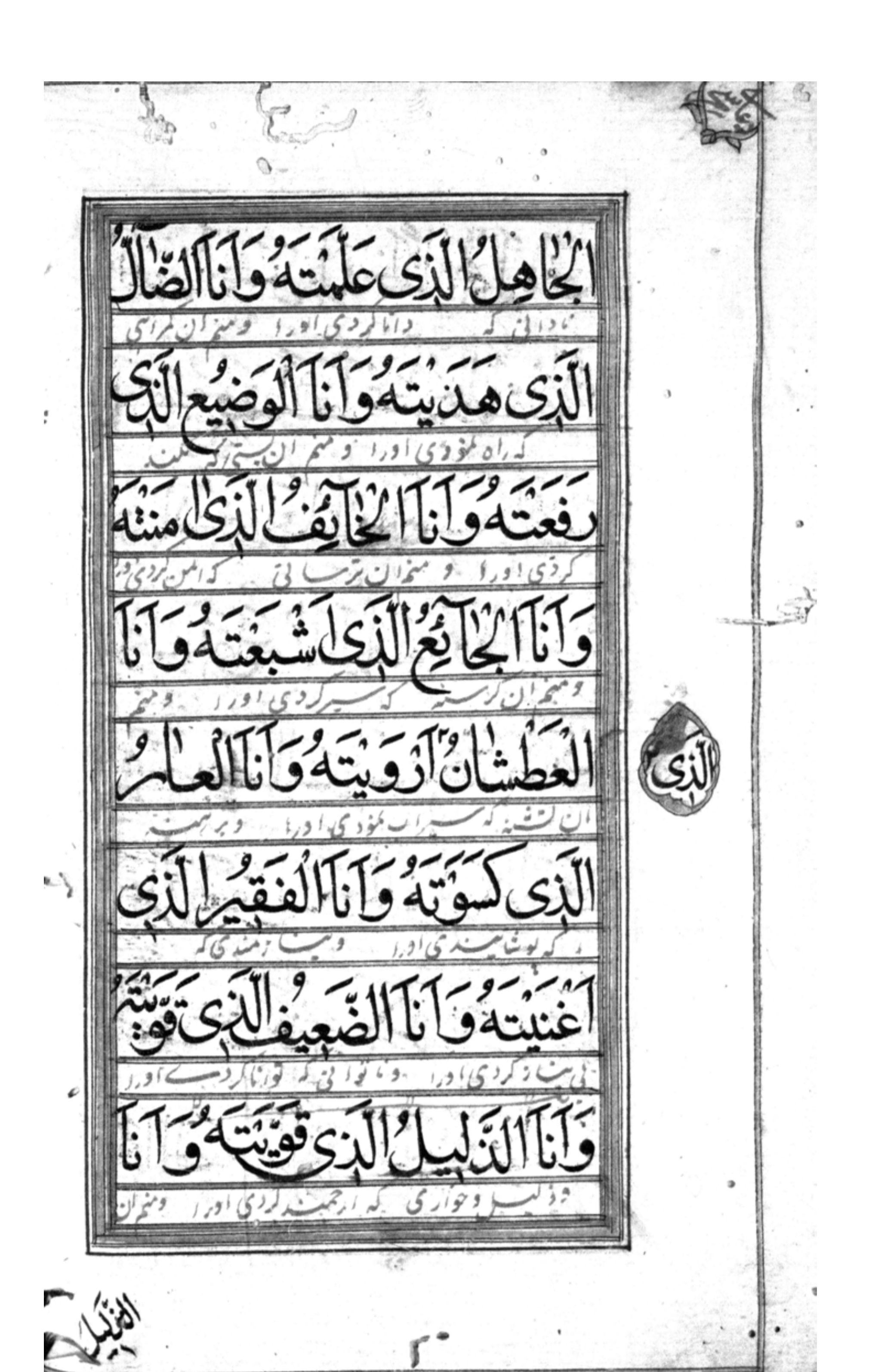
بر من بعفو خود و بپوشان مرا بپوشش خود

اعف عن توبیخی بکرم وجهك سیدی

و درگذر از سرزنش کردن من ببزرگواری ذات خود

انا الصغیر الذی ربیته وانا

منم آن خوردی که پروردی مرا و منم آن



الجاهل الذی علمته وانا الضال

نادانی که دانا کردی اورا و منم آن گمراهی

الذی هدیته وانا الوضیع الذی

که راه نمودی اورا و منم آن پستی که بلند

رفعته وانا الخائف الذی امنته

کردی اورا و منم آن ترسانی که ایمن کردی

وانا الجائع الذی اشبعته وانا

و منم آن گرسنه که سیر کردی اورا و منم

العطشان ارویته وانا العار

آن تشنه که سیراب نمودی اورا و برهنه

الذی کسوته وانا الفقیر الذی

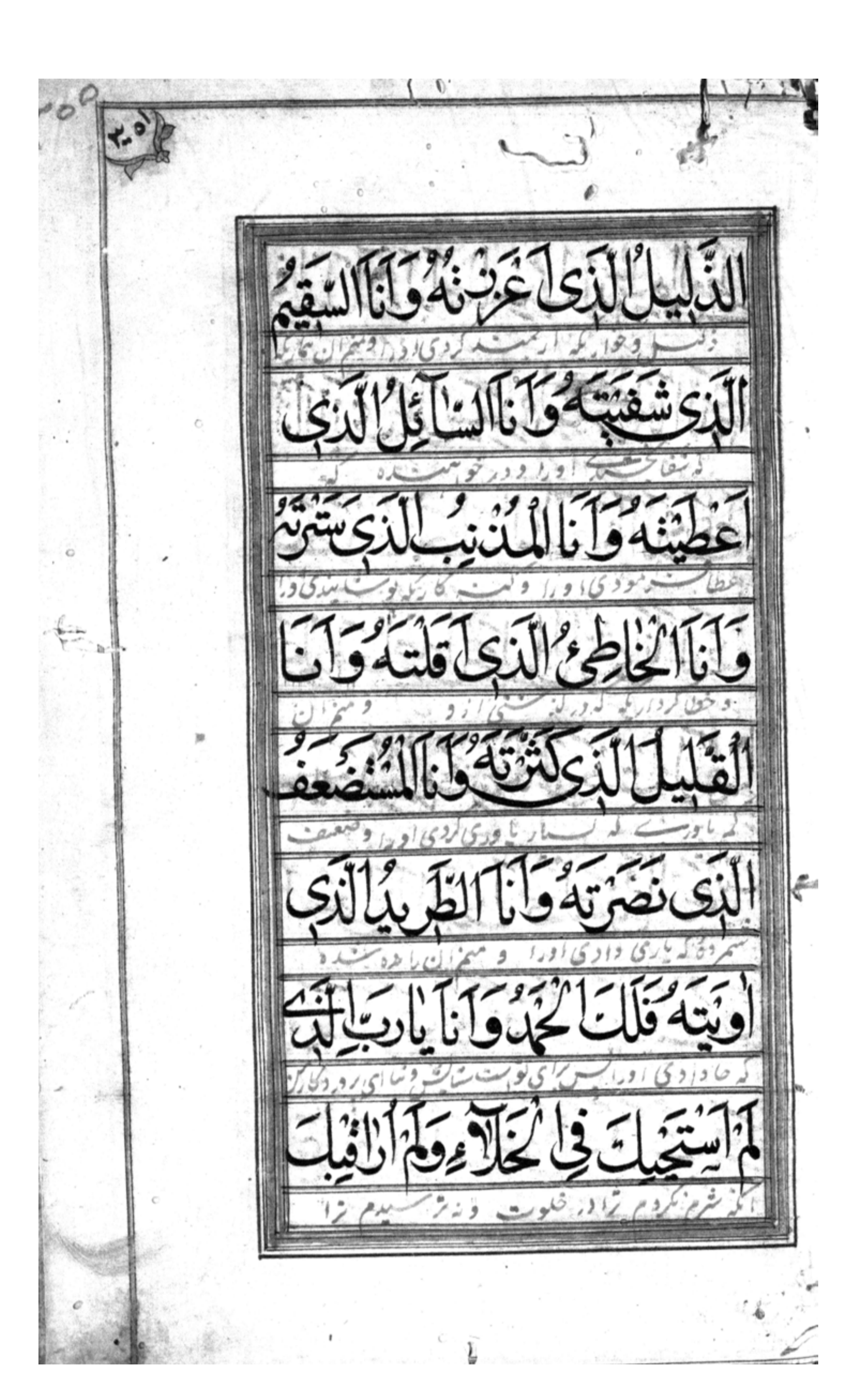
که پوشانیدی اورا و نیازمندی که

اغنیته وانا الضعیف الذی قویته

بی نیاز کردی اورا و ناتوانی که توانا کردی اورا

وانا الذلیل الذی قویته وانا

و ذلیل و خواری که ارجمند کردی اورا و منم آن


الذليل الذي اعززته وانا السقيم

ذلیل و خوار که ارجمند کردی او را و منم آن بیمار

الذي شفيته وانا السائل الذي

که شفا بخشیدی او را و درخواهنده که

اعطيته وانا المذنب الذي سترته

عطا نمودی او را و منم گناهکار که پوشیدی او را

وانا الخاطئ الذي اقلته وانا

و خطاکردار که درگذشتی ازو و منم آن

القليل الذي كثرته وانا المستضعف

کم یاور که بسیار یاوری کردی او را و ضعیف

الذي نصرته وانا الطريد الذي

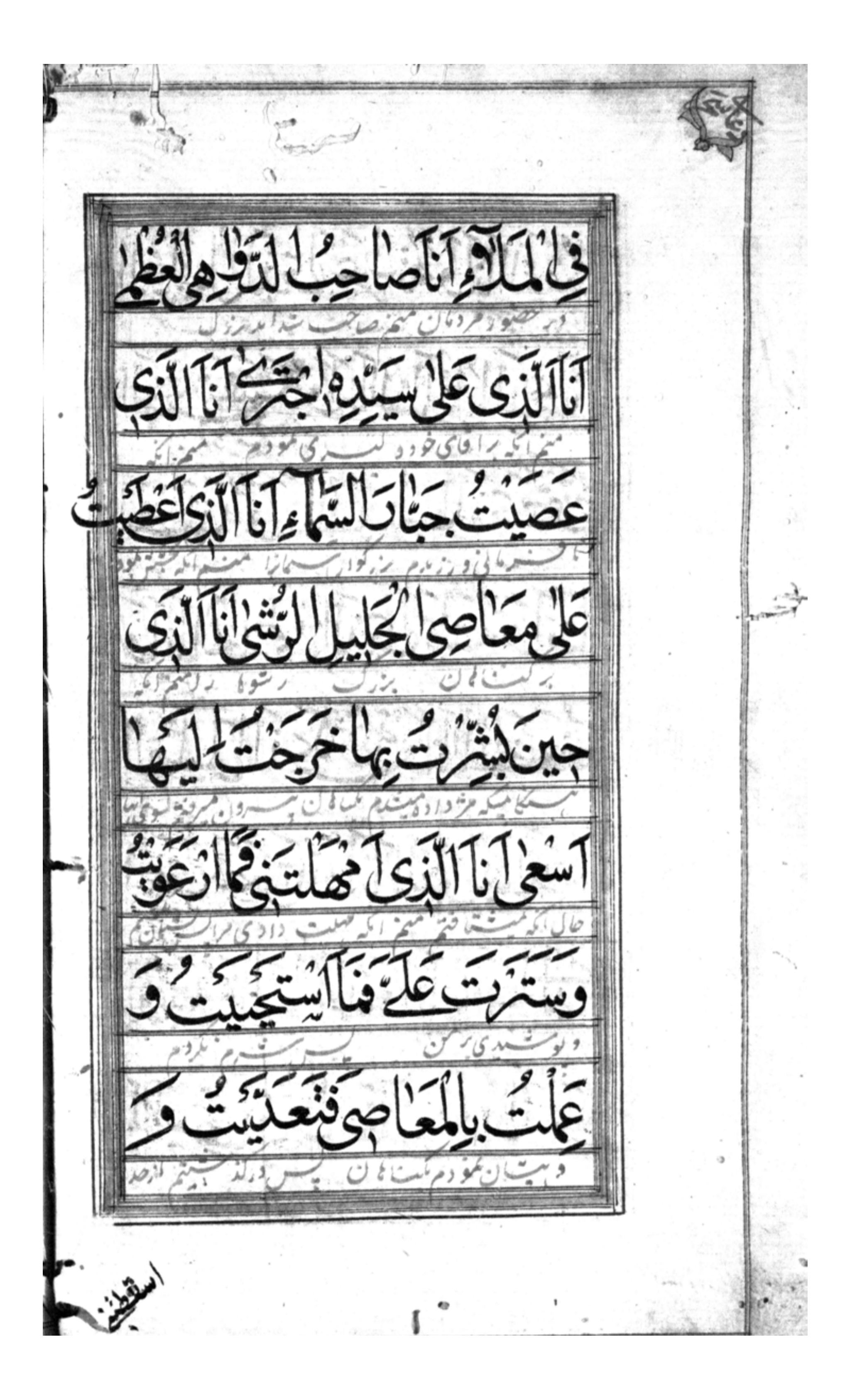
شمرده که یاری دادی او را و منم آن رانده شده

اويته فلك الحمد وانا يا رب الذي

که جا دادی او را پس برای توست ستایش و ثنای پروردگار که

لم استحيك في الخلاء ولم اراقبك

اگر شرم نکردم ترا در خلوت و نترسیدم ترا



في الملاء أنا صاحب الدواهي العظمى

أنا الذي على سيده اجترى أنا الذي

عصيت جبار السماء أنا الذي أعطيت

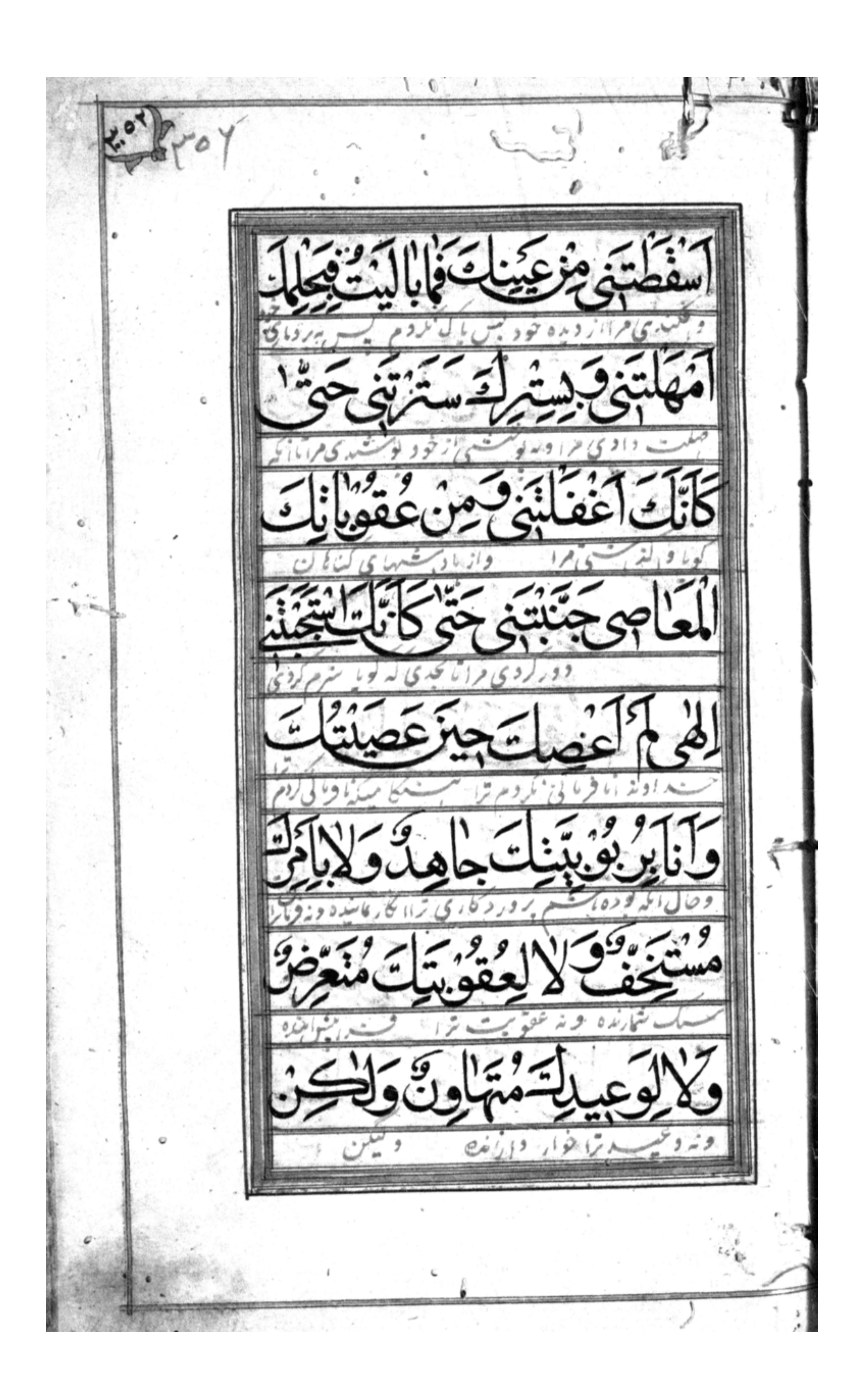
على معاصي الجليل الرشى أنا الذي

حين بشرت بها خرجت إليها

أسعى أنا الذي أمهلتني فما ارعويت

وسترت علي فما استحييت و

عملت بالمعاصي فتعديت و



أسقطتني من عينك فما باليت فبحلمك

و افکندی مرا از دیده خود پس باک نکردم پس به بردباری خود

أمهلتني وبسترك سترتني حتى

مهلت دادی مرا و به پوشش خود پوشیدی مرا تا

كأنك أغفلتني ومن عقوباتك

گویا واگذاشتی مرا و از پاداشهای گناهان

المعاصي جنبتني حتى كأنك استحييتني

دور کردی مرا تا جدی که گویا شرم کردی

إلهي لم أعصك حين عصيتك

خداوندا نافرمانی نکردم ترا هنگامی که نافرمانی کردم ترا

وأنا بربوبيتك جاحد ولا بأمرك

و حال آنکه بوده باشم پروردگاری ترا انکار کننده و نه فرمان ترا

مستخف ولا لعقوبتك متعرض

سبک شمارنده و نه عقوبت ترا متعرض شونده

ولا لوعيدك متهاون ولكن

و نه وعید ترا خوار دارنده و لیکن

خطيئة عرضت وسولت لي نفسي
خطای عارض شد ولفریب مرا نفس من
وغلبني هواي واعانني عليها شقوتي
و غالب آمد مرا خواهش من و مدد کرد مرا بر آن بدبختی من
وغرني سترك المرخى علي فقد
و فریفت مرا پرده تو که فرو گذاشته شده است برمن پس
عصيتك وخالفتك بجهدي فالان
نافرمانی کردم و مخالفت کردم ترا بکوشش خود پس حالا
من عذابك من يستنقذني ومن
از عذاب تو که میرهاند مرا و از
ايدي الخصماء غدا من يخلصني
دستهای دشمنان فردا که نجات میدهد
وبحبل من اتصل ان انت قطعت
و بریسمان که درپیوندم اگر تو ببری
حبلك عني فوا اسفي على ما احصى
ریسمان خود از من پس وای رسوای من برانچه شمرده

كِتَابُكَ مِنْ عَمَلِى الَّذِى لَوْلَا مَا اَرْجُوا

کتاب تو از کردار من آن کردار که اگر نبودی آنچه امید دارم

مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ

از بزرگواری تو و فراخی بخشش تو و منع تو

اِيَّاىَ عَنِ الْقُنُوطِ لَقَنَطْتُ عِنْدَمَا

مرا از نومیدی هر آینه ناامید شدمی نزد

اَتَذَكَّرُهَا يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَ

یاد آوری ای بهترین کسی که خواند او را خواننده

اَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ اَللّٰهُمَّ بِذِمَّةِ

و بهترین کسی که امید داشته او را امیدوار خدایا

الْاِسْلَامِ اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ

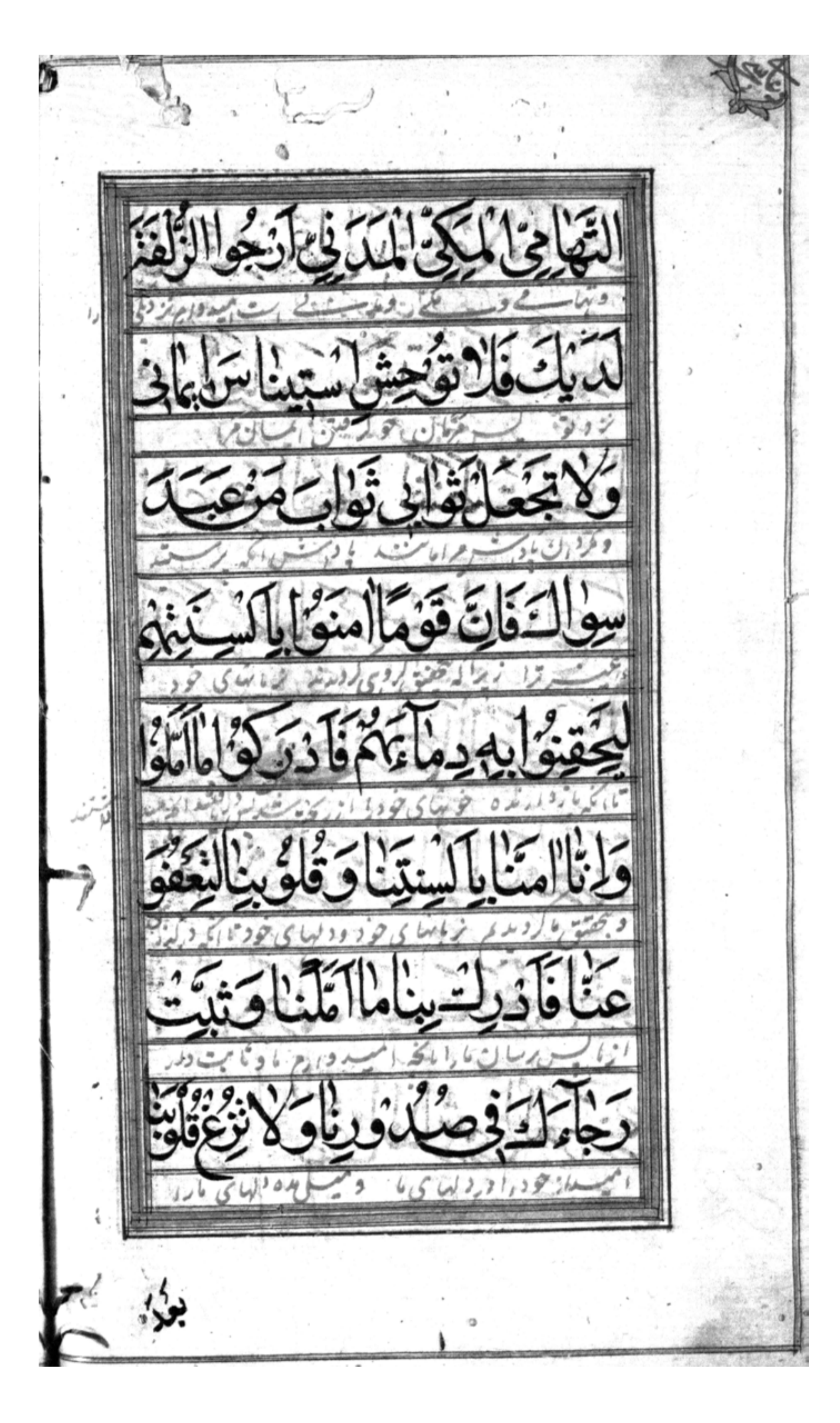
اسلام وسیله میجویم بسوی تو و بحرمت

الْقُرْاٰنِ اَعْتَمِدُ عَلَيْكَ وَبِحُبِّى لِلنَّبِيِّ

قرآن اعتماد مینمایم بر تو و بدوست داشتن من پیغمبر را

الْاُمِّيِّ الْقُرَشِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْعَرَبِيِّ

امی و قرشی و هاشمی و عربی



التهامي المكي المدني أرجو الزلفة

لديك فلا توحش استيناس ايماني

ولا تجعل ثوابي ثواب من عبد

سواك فان قوما امنوا بالسنتهم

ليحقنوا به دماءهم فادركوا ما املوا

وانا امنا بالسنتنا وقلوبنا لتعفو

عنا فادرك بنا ما املنا وثبت

رجاءك في صدورنا ولا تزغ قلوبنا

بعد

بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك

پس از آنکه راه نمودی ما را و ببخش ما را از نزد خود

رحمة انك انت الوهاب فوعزتك

بخشش بزرگی بدرستیکه تو تویی بسیار بخشنده پس قسم بعزت

لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا

اگر منع نمایی مرا دور نمیکردم از درگاه تو

كففت عن تملقك لما الهم قلبي

و باز نمی ایستم از دوستی کردن تو بجهت الهام کننده شده دل

من المعرفة بكرمك وسعة رحمتك

از شناخت بزرگواری تو و بسیاری بخشش تو

الى من يذهب العبد الا الى

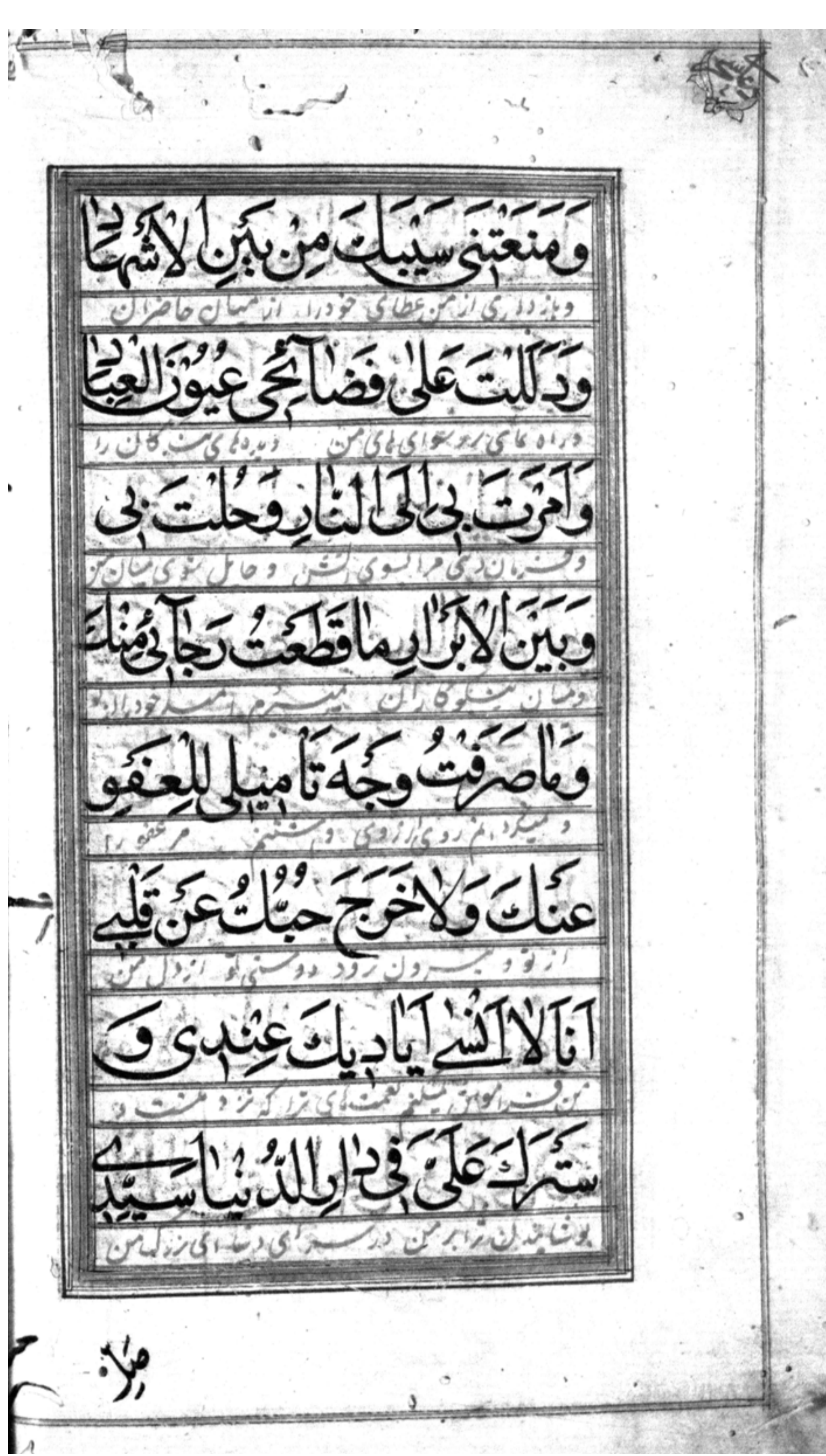
بسوی که میرود بنده مگر بسوی

مولاه والى من يلتجئ المخلوق

آقای خود و بسوی که پناه میبرد آفریده

الا الى خالقه الهي لو قرنتني بالاصفاد

مگر بسوی آفریدگار خود خدای من اگر بندی مرا بغلهای



ومنعتني سيبك من بين الاشهاد

و باز داری از من عطای خود را از میان حاضران

ودللت على فضائحي عيون العباد

و راه نمایی بر رسواییهای من دیده های بندگان را

وامرت بي الى النار وحلت بي

و فرمان دهی مرا بسوی آتش و حائل شوی میان من

وبين الابرار ما قطعت رجائي منك

و میان نیکوکاران نمی برم امید خود را از تو

وما صرفت وجه تاميلي للعفو

و نمیگردانم روی آرزوی خود مر عفو را

عنك ولا خرج حبك عن قلبي

از تو و بیرون نرود دوستی تو از دل من

انا لا انسى اياديك عندي و

من فراموش نمیکنم نعمتهای ترا که نزد منست و

سترك علي في دار الدنيا سيدي

پوشانیدن ترا بر من در سرای دنیا ای سید من

صل على محمد وآل محمد واخرج

رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبيرون كن

حب الدنيا من قلبي واجمع بيني

دوستی دنیا را از دل من وجمع كن میان من

وبين المصطفى وآله خيرتك من

ومیان مصطفی وآل او برگزیده تو از

خلقك وخاتم النبيين محمد صلى

خلق تو وختم پیغمبران محمد رحمت فرستاد

الله عليه وآله وانقلني الى درجة

خدا بر او وبر آل او ونقل كن مرا بسوی مرتبه

التوبة اليك واعني بالبكاء

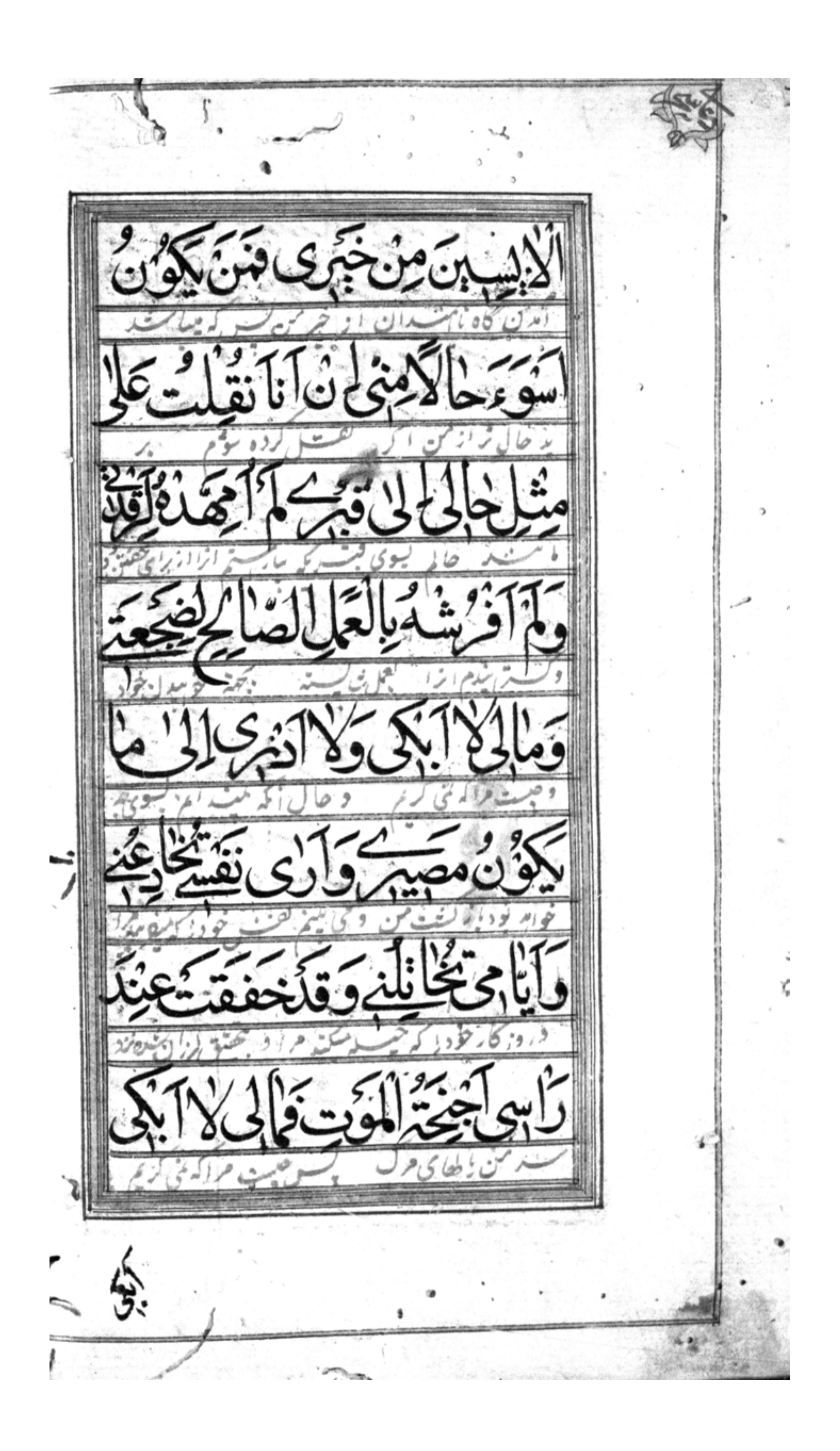
بازگشت بسوی تو ویاری كن مرا بگریستن

على نفسي فقد افنيت بالتسويف

بر نفس خود پس بتحقیق فانی رسانیدم بمماطله و

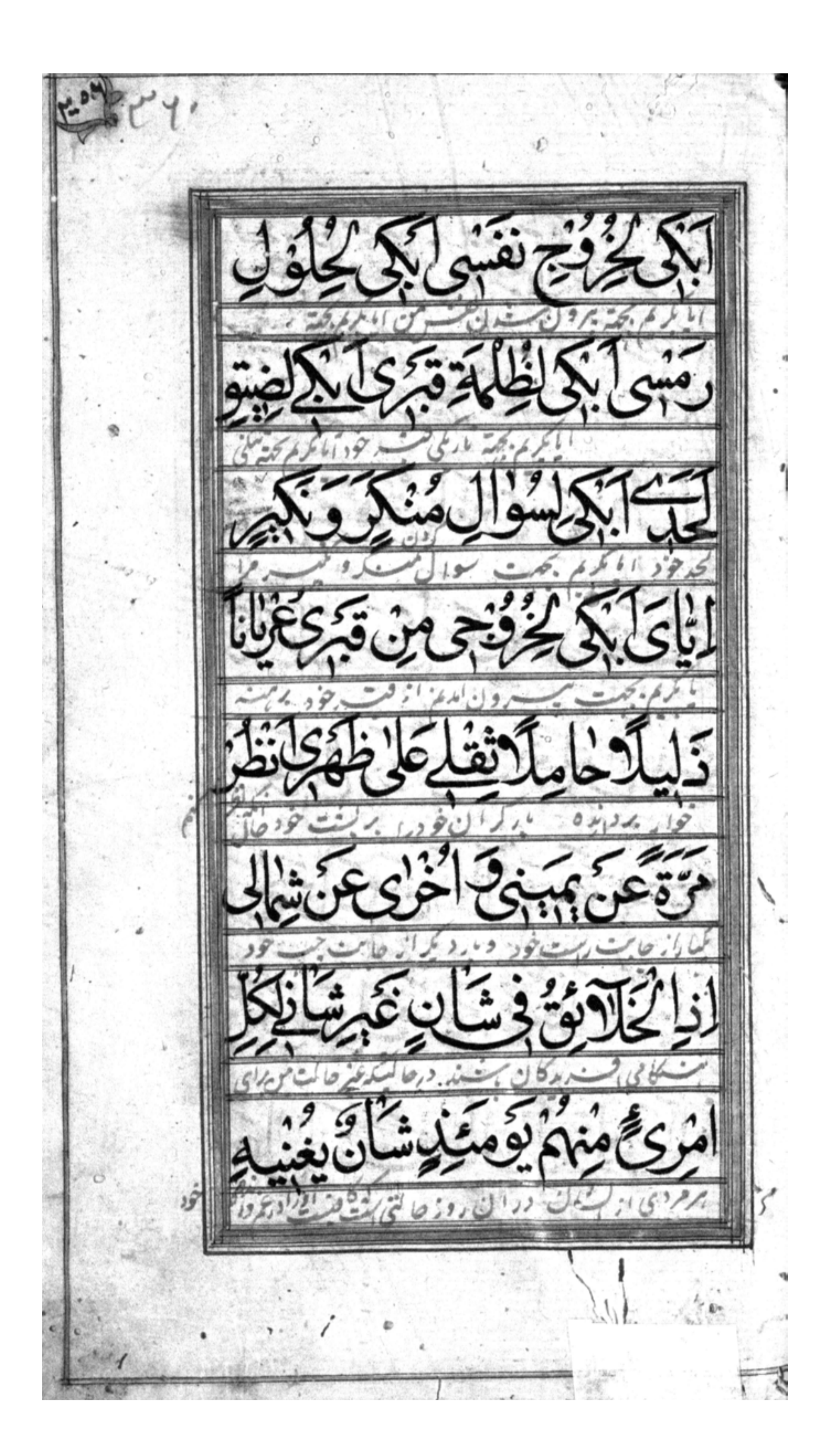
والامال عمري وقد نزلت منزلة

بآرزوها عمر خود را وبتحقیق فرود آمدم در فرود



الا يائسين من خيري فمن يكون
اسوء حالا مني لئن انا نقلت على
مثل حالي الى قبري لم امهده لرقدتي
ولم افرشه بالعمل الصالح لضجعتي
وما لي لا ابكي ولا ادري الى ما
يكون مصيري واري نفسي تخادعني
وايامي تخاتلني وقد خفقت عند
راسي اجنحة الموت فما لي لا ابكي

ابكي



أبكي لخروج نفسي أبكي لحلول

رمسي أبكي لظلمة قبري أبكي لضيق

لحدي أبكي لسؤال منكر ونكير

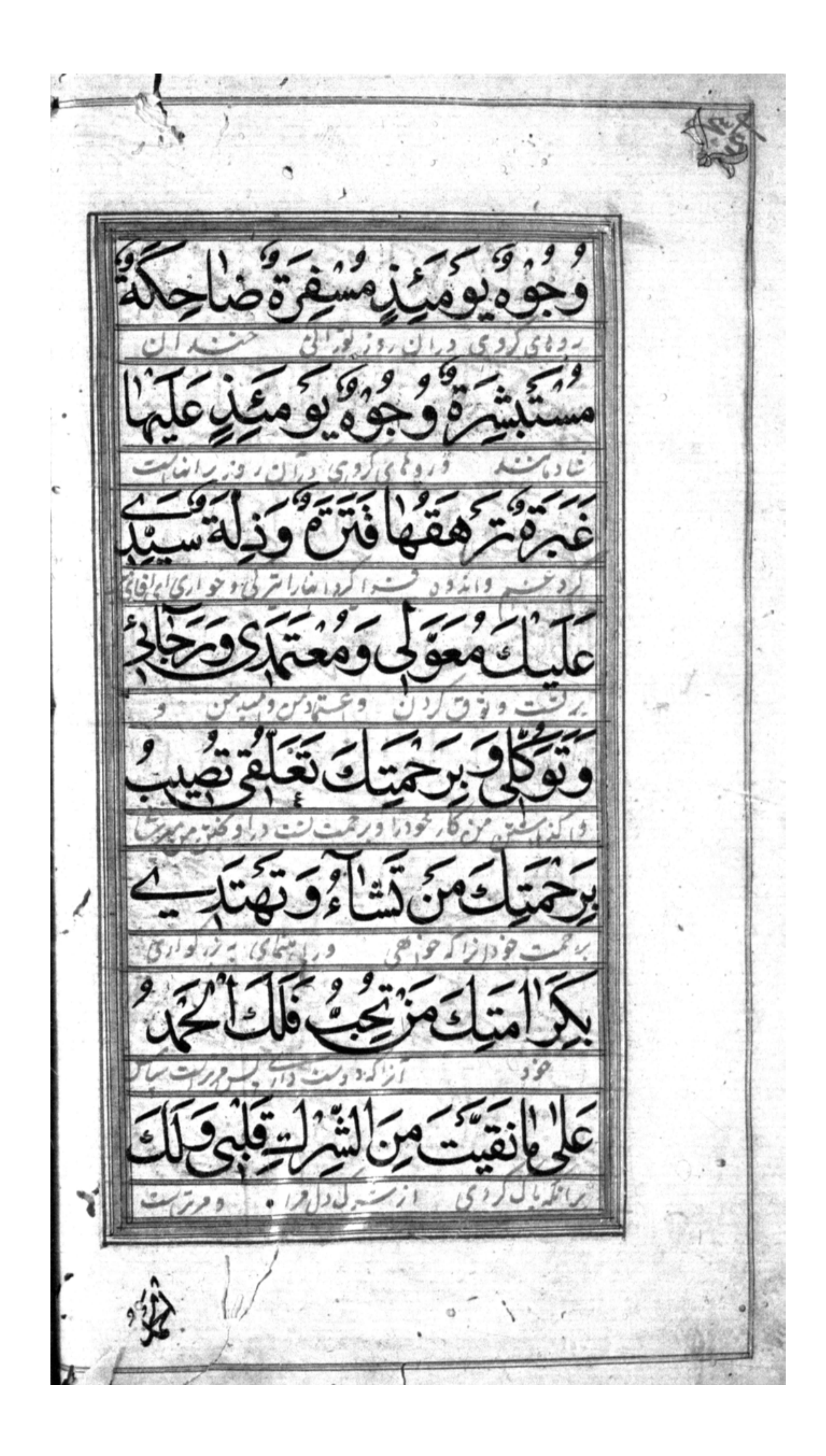
أيا أي أبكي لخروجي من قبري عريانا

ذليلا وحاملا ثقلي على ظهري أنظر

مرة عن يميني وأخرى عن شمالي

إذا الخلائق في شأن غير شأني لكل

امرئ منهم يومئذ شأن يغنيه



وجوه يومئذ مسفرة ضاحكة

مستبشرة ووجوه يومئذ عليها

غبرة ترهقها قترة وذلة سيدي

عليك معولي ومعتمدي ورجائي

وتوكلي وبرحمتك تعلقي تصيب

برحمتك من تشاء وتهدي

بكرامتك من تحب فلك الحمد

على ما نقيت من الشرك قلبي ولك



الحمدُ علی بسطِ لسانی أفبلسانی

هذا الکالّ أشکرُک أم بغایةِ جهدی

فی عملی أُرضیک وما قدرُ لسانی

یا ربِّ فی جنبِ شکرِک وما قدرُ

عملی فی جنبِ نعمِک وإحسانِک إلّا

أنّ جودَک بسطَ أملی وشکرُک

قبِلَ عملی سیدی إلیک رغبتی و

منک رهبتی وإلیک تأمیلی وقد

ساقتني اليك املي وعليك يا واحدي

راند مرا بسوی تو امید من و بر تست ای یگانه من

علفت همتي وفيما عندك انبسطت

رو کرد و بسته همت من و در آنچه نزد تست پهن گردید

رغبتي ولك خالص رجائي وخوفي

رغبت من و مر تراست امید خالص من و ترس من

وبك انست محبتي واليك القيت

و بتو خو گرفته دوستی من و بسوی تو افکندم

بيدي وبحبل طاعتك مددت

دست خود را و بر ریسمان طاعت تو کشیدم

رهبتي يا مولاي بذكرك عاش

ترس خود را ای آقای من بیاد کردن تو زنده گشت

قلبي وبمناجاتك بردت الم الخوف

دل من و براز گفتن تو سرد گردید درد ترس

عني فيا مولاي ويا مؤملي ويا منتهى

از خود پس ای آقای من و ای امیدگاه من و ای منتهی

سؤلي فرّق بيني وبين ذنبي المانع

خواسته من و جدا ای افکن میانه من و میان گناه من که مانع است

لي من لزوم طاعتك فانّما اسئلك

از پیوستن بطاعت تو جز این نیست که سوال میکنم از تو

لقديم الرّجاء فيك وخوفي ليك

بجهت امید دیرینه ام در تو و ترسیدنم که ...

وعظيم الطّمع منك الّذي اوجبته

و طمع داشتن بزرگم از تو آنچه واجب کردی آن را

على نفسك من الرّأفة والرّحمة

بر نفس خود که مهربانی و بخشش است

فالامر لك وحدك لا شريك لك

و فرمان مر تراست در حالتیکه یگانه نیست انبازی برای تو

والخلق كلّهم عيالك وفي

و خلق همه ایشان عیال تو در

قبضتك وكلّ شيء خاضع لك

دست تواند و هر چیزی فروتنی کننده است

تبارکت یا رب العالمین الهی

برای پاکی تو ای پروردگار عالمیان خداوندا

ارحمنی اذا انقطعت حجتی وکل

رحم کن مرا هرگاه بریده شود حجت من و کند شود

عن جوابک لسانی وطاش عند

از جواب تو زبان من و سبک شود نزد

سؤالک ایای لبی فیا عظیم انت

سؤال کردن تو مرا عقل من پس ای امید بزرگ من

رجائی فلا تخیبنی اذا اشتدت

پس نا امید مکن مرا هرگاه سخت شود

فاقتی الیک ولا تردنی بجهلی ولا

احتیاج من بسوی تو و برمگردان مرا بجهت نادانی من

تمنعنی لقلة صبری اعطنی لفقری

و منع مکن مرا بجهت کم بودن شکیبائی من ببخش مرا بجهت [illegible]

وارحمنی لضعفی سیدی علیک

و رحم کن مرا بجهت ناتوانی من ای آقای من بر تست

مُعْتَمَدی وَمُعَوَّلی وَرَجائی وَتَوَکُّلی

اعتماد من [illegible] و امید من و توکل من

وَبِرَحْمَتِکَ تَعَلُّقی وَبِفِنائِکَ اَحُطُّ

و برحمت تو چسبیدن من و در پیش درگاه تو فرود آرم

رَحْلی وَلِجُودِکَ اَقْصُدُ طَلِبَتی وَ

بار خود را و بجهت بخشش تو طلب میکنم حاجت خود را

بِکَرَمِکَ اَیْ رَبِّ اَسْتَفْتِحُ دُعائی

و ببزرگواری تو ای پروردگار عالمیان طلب میکنم گشایش دعا

وَلَدَیْکَ اَرْجُوا سَدَّ فاقَتی وَبِغِناکَ

خود را و نزد تو امید دارم باز داشتن احتیاج خود را و بی‌نیازی تو

اَجْبُرُ عَیْلَتی وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِکَ

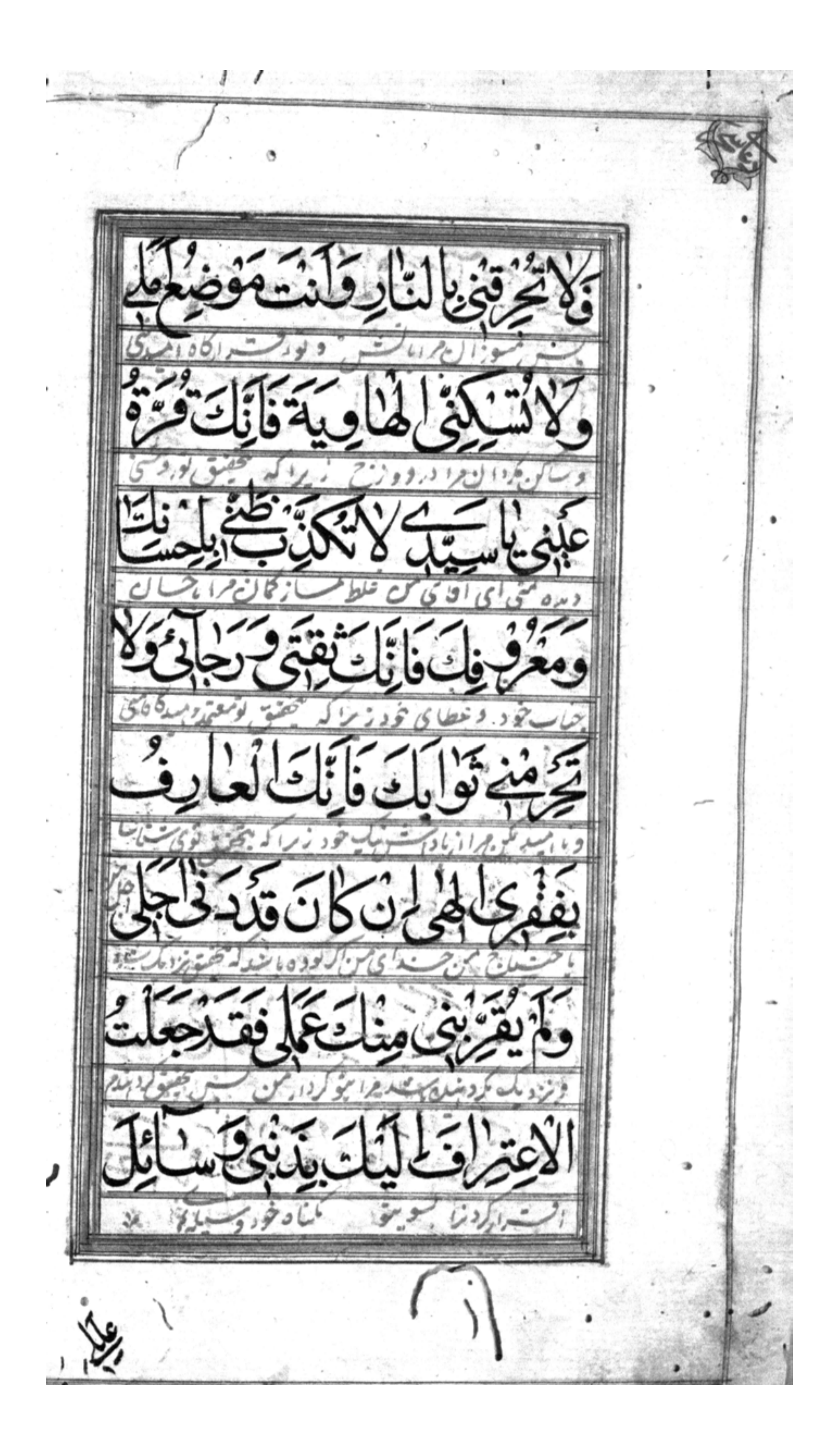
تدارک میکنم نیازمندی خود را و در زیر سایه عفو تست

قِیامی وَاِلی جُودِکَ وَکَرَمِکَ اَرْفَعُ

ایستادن من و بسوی بخشش تو و بزرگواری تو بلند کنم

بَصَری وَاِلی مَعْرُوفِکَ اُدیمُ نَظَری

دیده خود را و بسوی احسان تو همیشه میدارم نظر خود را



فلا تحرقني بالنار وانت موضع املي

ولا تسكني الهاوية فانك قرة

عيني يا سيدي لا تكذب ظني بإحسانك

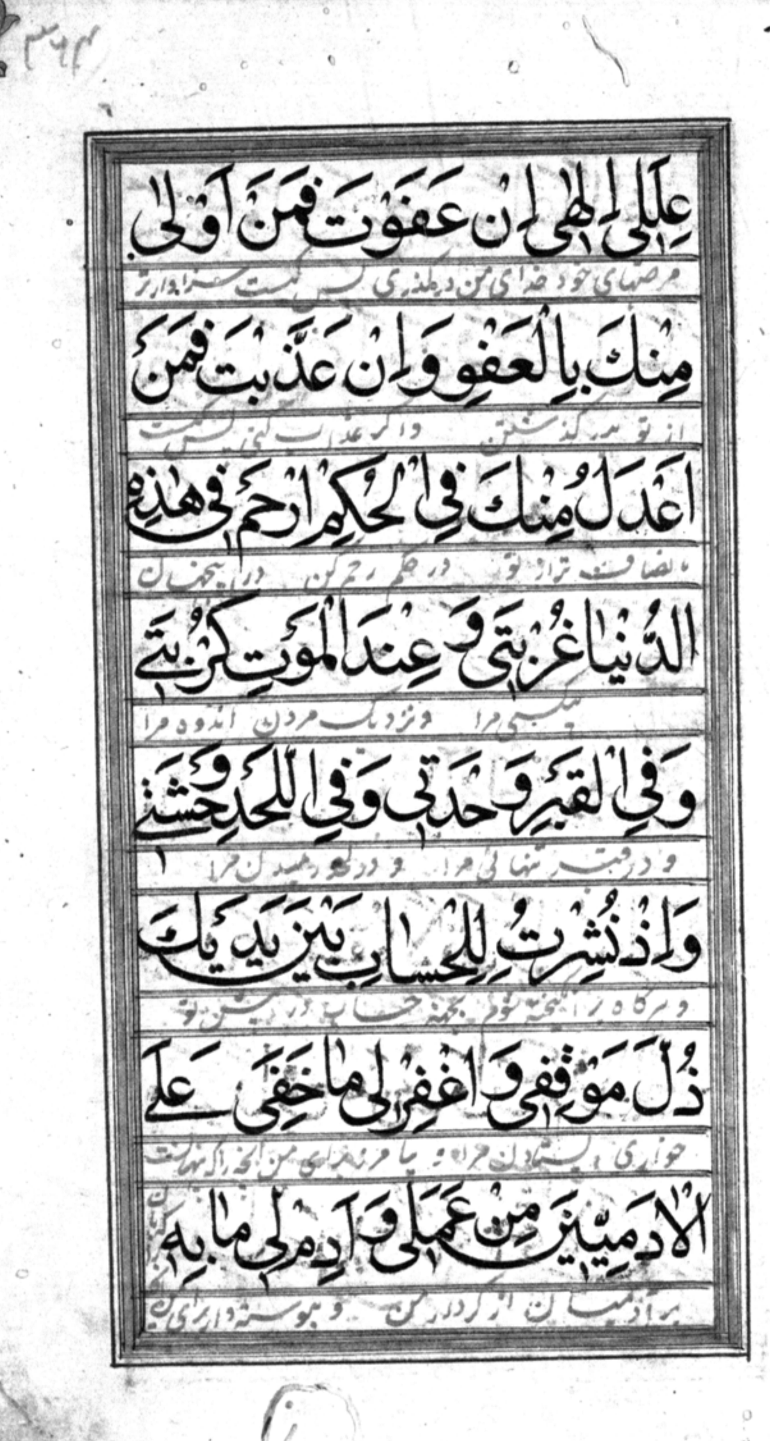
ومعروفك فانك ثقتي ورجائي ولا

تحرمني ثوابك فانك العارف

بفقري الهي لئن كان قد دنا اجلي

ولم يقربني منك عملي فقد جعلت

الاعتراف اليك بذنبي وسائل



علی الهی ان عفوت فمن اولی

هر عصیانهای خود خدای من در بلندی ... کیست سزاوارتر

منك بالعفو وان عذبت فمن

از تو ... گذشتن و اگر عذاب کنی پس کیست

اعدل منك في الحكم ارحم في هذه

انصاف تر از تو در حکم رحم کن در این جهان

الدنيا غربتي وعند الموت كربتي

بیکسی مرا و نزدیک مردن اندوه مرا

وفي القبر وحدتي وفي اللحد وحشتي

و در قبر تنهایی مرا و در لحد رمیدن مرا

واذا نشرت للحساب بين يديك

و هر گاه برانگیخته شوم بجهت حساب در پیش تو

ذل موقفي واغفر لي ما خفي على

خواری ایستادن مرا و بیامرز برای من آنچه را که نهانست

الآدميين من عملي وادم لي ما به

بر آدمیان از کردار من و بپوشان ...

سترتني وارحمني صريعا على الفراش

بپوشانیدی مرا و رحم کن مرا در حالتیکه بوده باشم افتاده در بستر

تقلبني ايدي احبتي وتفضل علي

که بگردانند مرا دستهای دوستان من و بخشش کن بر من

ممدودا على المغتسل يغسلني

در حالتیکه بوده باشم کشیده شده بر جایگاه غسل دادن

صالح جيرتي وتحنن على محمولا

شایسته همسایگان من و مهربانی کن بر حال من در حالتیکه

قد تناول الاقرباء اطراف جنازتي

که تحقیق فرا گرفته‌اند خویشان کنارهای جنازه مرا و

وجد على منقولا قد نزلت بك

بخشش کن بر من در حالتیکه نقل کرده شوم که تحقیق فرود آمدم ترا

وحيدا في حفرتي وارحم في ذلك

تنها در قبر خود و رحم کن در آن

البيت الجديد غربتي حتى لا استانس

خانه تازه بیکسی مرا تا انس گیرم

بغيرك يا سيدي فانك ان وكلتني

بغیر تو ای آقای من پس بتحقیق تو اگر واگذاری مرا

الى نفسي هلكت سيدي فبمن

بسوی نفس خود هلاک خواهم شد ای آقای من پس بکه

استغيث ان لم تقلني عثرتي و

استغاثه نمایم اگر درنگذری از لغزش من و

الى من افزع ان فقدت عنايتك

بسوی که استغاثه کنم اگر نیابم یاری ترا

في ضجعتي والى من التجئ ان لم

در حال خوابیدن و بسوی که پناه برم اگر زایل نمی

تنفس كربتي سيدي من لي و

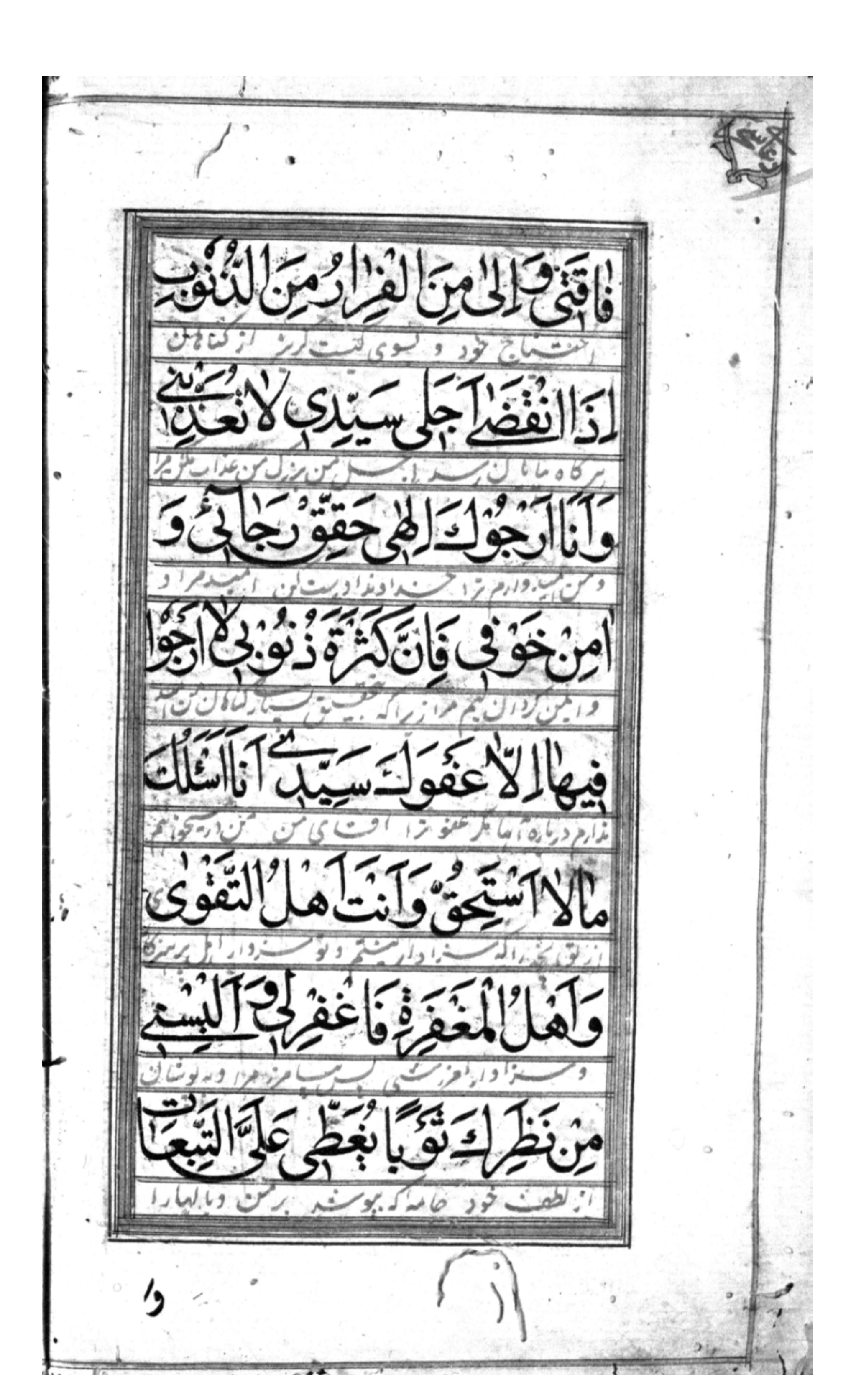
اندوه مرا ای آقای من کیست مرا و

من يرحمني ان لم ترحمني وفضل

دیگر رحم کند مرا اگر رحم نمی کنی تو مرا و بخشش که را

من اؤمل اذ فقدت فضلك يوم

آرزو کنم اگر نیابم فضل ترا در روز



فاقتني والى من الفرار من الذنوب

از گناهان گریز بسوی تست و خود احتیاج

اذا انقضى اجلي سيدي لا تعذبني

هرگاه [illegible] اجل من [illegible] عذاب مکن مرا

وانا ارجوك الهي حق رجائي و

و من امید دارم ترا خداوندا درست [illegible] امید مراد

امن خوفي فان كثرة ذنوبي لا ارجوا

و ایمن گردان بیم مرا زیرا که بسیاری گناهان من

فيها الا عفوك سيدي انا اسألك

ندارم درباره آنها مگر عفو ترا آقای من من درخواهم

ما لا استحق وانت اهل التقوى

از تو چیزی که سزاوار آن نیستم و تو سزاوار اهل پرهیز

واهل المغفرة فاغفر لي والبسني

و سزاوار آمرزشی پس بیامرز مرا و بپوشان

من نظرك ثوبا يغطي على التبعات

از لطف خود جامه که بپوشد بر من وبالها را

وتغفرها لی طالب بها انك ذو

ومی آمرزی آنها را برای من و مطالبه کرده خواهم شد بآنها

من قديم وصفح عظيم وتجاوز

صاحب عطای دیرینه و درگذشتن بزرگ و تجاوز

كريم الهي انت الذي تفيض سيبك

گرامی خدای من توئی آنکه روان سازی عطای جود را

على من لا يسألك وعلى الجاحدين

برانکه سوال نکند از تو و برانانکه انکار کنند

بربوبيتك فكيف سيدي بمن

پروردگاری ترا پس چگونه تو ای آقای من نسبت

سألك وايقن ان الخلق لك و

بانکه سوال کند از تو و یقین دارد که خلق از توست و امر

الامر اليك تباركت وتعاليت

و هر کاری بسوی توست پاکی تو و بلندی تو

يا رب العالمين الهي وسيدي عبدك

ای پروردگار جهانیان خدای من و بزرگ من بنده است



ببابك أقامته الخصاصة بين يديك

يقرع باب إحسانك بدعائه و

يستعطف جميل نظرك بمكنون

رجائه فلا تعرض بوجهك الكريم

عني واقبل مني ما أقول فقد دعوتك

بهذا الدعاء وأنا أرجو أن لا

تردني معرفة مني برأفتك و

رحمتك إلهي أنت الذي لا يحفيك

سائل ولا ينقصك نائل أنت كما

سوال کننده و کم نمیشود نزد ترا عطا تو چنانی که

تقول وفوق ما نقول اللهم إني

میگوئی و بالای آنچه میگوئیم خداوندا بدرستیکه

أسألك صبرا جميلا وفرجا قريبا

من سوال میکنم ترا شکیبائی نیکو و گشایش نزدیک

وقولا صادقا وأجرا عظيما أسألك

و گفتار راست و مزد بزرگ درخواستیم

اللهم يا رب من الخير كله ما علمت

ای پروردگار من از خیر همه آن آنچه دانسته ام

منه وما لم أعلم وأسألك اللهم

از آن و آنچه ندانسته ام ازان سوال میکنم ترا خداوندا

من خير ما سألك منه عبادك

از بهترین آنچه سوال کرده ترا ازان بندگان

الصالحون يا خير من سئل وأجود

شایسته تو ای بهترین کسیکه سوال کرده شد و بخشنده

مَنْ اَعطےٰ اَعطِنی سُؤلی فی نفسی وَ

آنکه بخشش بنموده عطا کن مرا در خواسته مراد در نفس من

اَهلی وَالِدَیَّ وَوُلدی وَاَهلِ

و اهل من و فرزندان من و پدر و مادر من و عیال من

حُزانتی وَاِخوانی فیكَ وَاَرغِد عَیشی

و برادران من در راه تو و خوش کن زندگانی مرا

وَاَظهِر مُرُوَّتی وَاَصلِح جمیعَ اَحوالی

و ظاهر ساز مروت مرا و اصلاح کن همه حالتهای مرا

وَاجعَلنی مِمَّن اَطَلتَ عُمُرَهُ وَحَسَّنتَ

و بگردان مرا از آنکه دراز کرده عمرش را و نیک کرده

عَمَلَهُ وَاَتمَمتَ عَلَیهِ نِعمَتَكَ وَرَضیتَ

کردارش را و تمام کردی بر آن نعمت خود و خشنود

عَنهُ وَاَحیَیتَهُ حَیوةً طَیِّبَةً فی

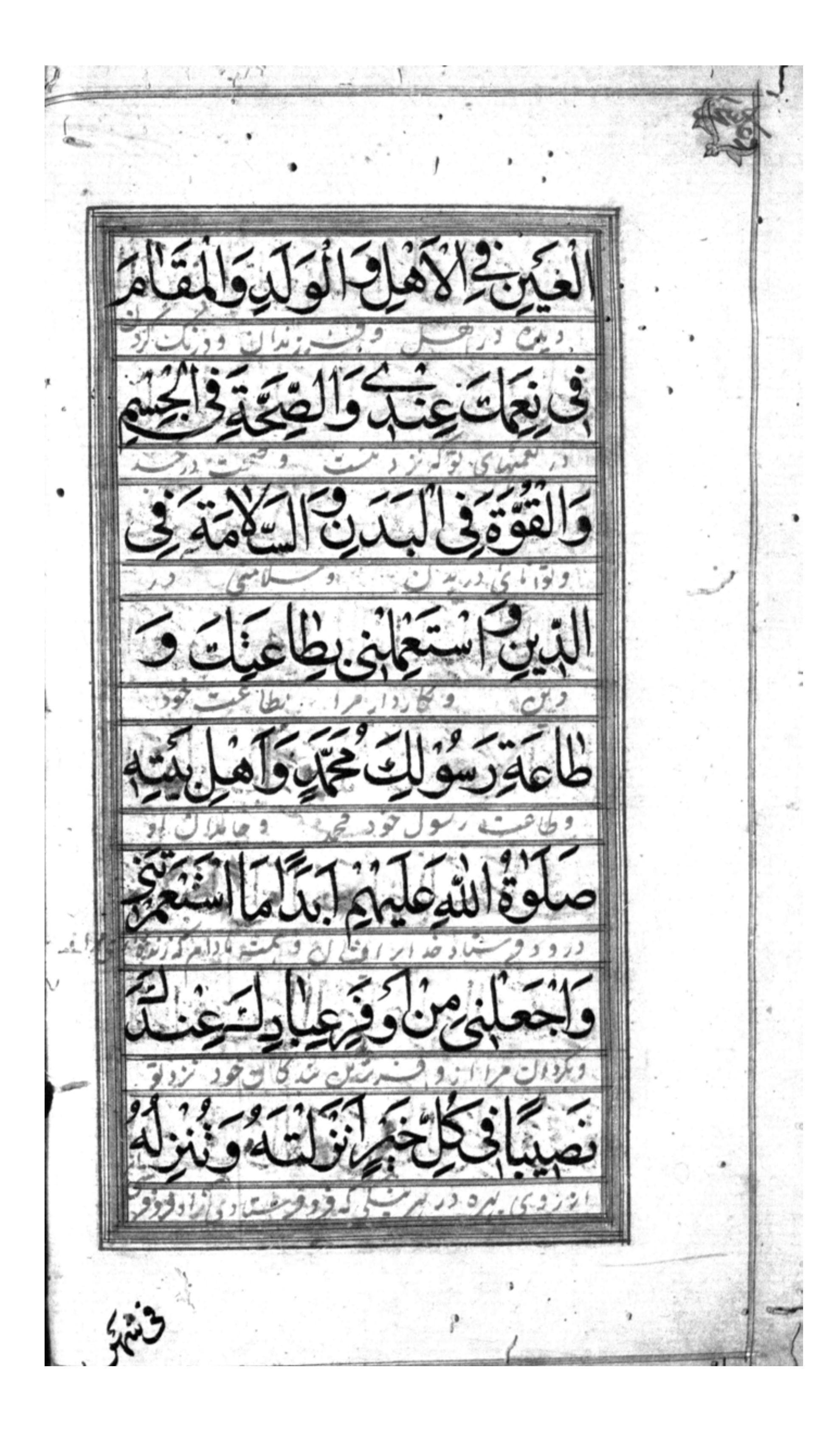
از آن و زنده داشتی آن را زندگانی پاکیزه در

اَدوَمِ السُّرُورِ وَاَسبَغِ الكَرامَةِ وَاَتَمِّ

در پیوسته ترین شادی و کاملترین نوازش و تمام



العيش لانك تفعل ما تشاء ولا افعل
ما يشاء غيرك اللهم خصني منك
بخاصة ذكرك ولا تجعل شيئا مما
اتقرب به في اناء الليل واطراف
النهار رياء ولا سمعة ولا اشرا
ولا بطرا واجعلني لك من
الخاشعين اللهم اعطني السعة في
الرزق والامن في الوطن وقرة



العين في الاهل والولد والمقام

في نعمات عندي والصحة في الجسم

در نعمتهای تو که نزد منست و صحت در جسد

والقوة في البدن والسلامة في

و توانایی در بدن و سلامتی در

الدين واستعملني بطاعتك و

دین و کاردار مرا بطاعت خود

طاعة رسولك محمد واهل بيته

و طاعت رسول خود محمد و خاندان او

صلوة الله عليهم ابدا ما استعمرتني

واجعلني من اوفر عبادك عندك

و گردان مرا از وفرترین بندگان خود نزد تو

نصيبا في كل خير انزلته وتنزله

في شهر

فی شهر رمضان فی لیلة القدر

در ماه رمضان در شب قدر

وما انت منزله فی كل سنة من رحمة

و آنچه تو فرود آورنده آنرا در هر سال از رحمتی

تنشرها وعافیة تلبسها وبلیة

که بر اکنی آنرا و عافیتی که بپوشانی آنرا و بلای

تدفعها وحسنات تتقبلها و

که دفع کنی آنرا و نیکیهای که بپذیری آنرا و

سیئات تتجاوز عنها وارزقنی حج

بدیهای که درگذری از آنها و روزی کن مرا حج

بیتك الحرام فی عامنا هذا وفی

خانه محترم خود در سال ما این سال و در

كل عام وارزقنی رزقا واسعا من

هر سالی و روزی کن مرا روزی فراخی از

فضلك الواسع واصرف عنی یا

بخشش فراخ خود و بگردان از من ای

سيئ الاسواء واقض عني الدين و

اقلای کن بد بیماریها و قضا کن از من قرض را

الظلامات حتى لا أتأذى بشيء منه

و ستمکاریها تا آنکه ضرر نیابم بهیچ چیز و

وخذ عني بأسماع أعدائي وأبصار

فرا گیر از من گوشهای دشمنان مرا و دیدهای

حسادي والباغين علي وانصرني

بدخواهان و آنانکه ستم کردند بر من و یاری ده مرا

عليهم وأقر عيني وحقق ظني و

بر ایشان و روشن کن دیده مرا و درست کن گمان مرا

فرج قلبي واجعل لي من همي وكربي

فراخ کن دل مرا و بگردان برای من از غم من و اندوه

فرجا ومخرجا واجعل من أرادني

گشایشی و بیرون شدنی و بگردان هر کرا که اراده کند

بسوء من جميع خلقك تحت قدمي

مرا ببدی از همه خلق در زیر قدمهای من

وَاكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ

و رفع کن گزند شیطان را و گزند پادشاه را

وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ

و بدیهای کردار مرا و پاک گردان مرا از گناهان

كُلِّهَا وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ

همه ایشان و زنهار ده مرا از آتش بعفو خود

وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَزَوِّجْنِي

و در آور مرا در بهشت برحمت خود و زنی ده

مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ وَأَلْحِقْنِي

از سیاه دیدگان فراخ چشم بفضل خود و در رسان

بِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

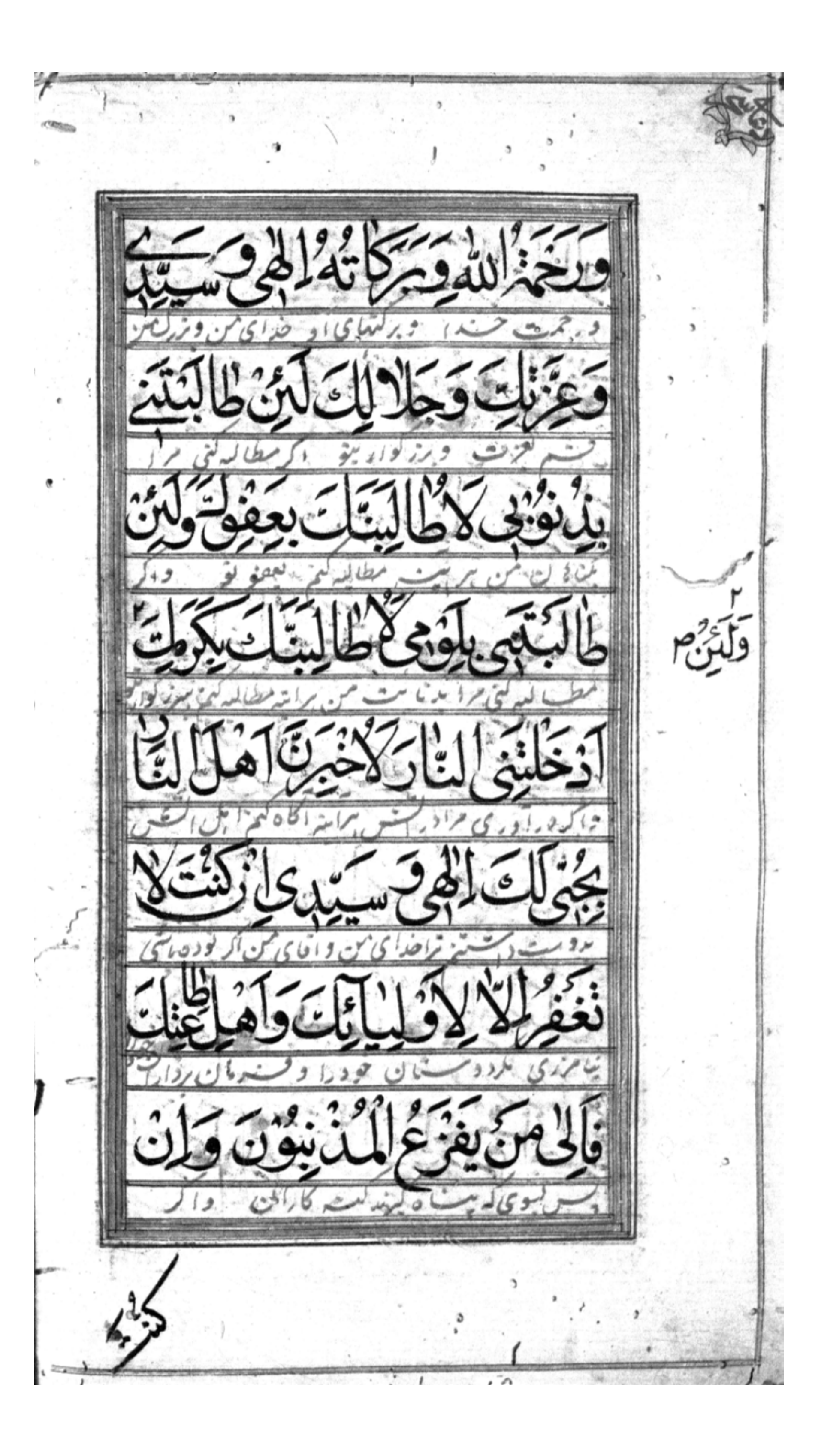
مرا بدوستان شایسته خود محمد و آل او

الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ صَلَوَاتُ

که نیکانند پاکانند نیکوکار اند رحمتهای

اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ

خدا بر ایشان باد و بر روانهای ایشان و بدنهای ایشان



ورحمة الله وبركاته إلهي وسيدي

و رحمت خدا و برکتهای او خدای من و بزرگ من

وعزتك وجلالك لئن طالبتني

قسم بعزت و بزرگواری تو اگر مطالبه کنی مرا

بذنوبي لأطالبنك بعفوك ولئن

بگناهان من هر آینه مطالبه کنم بعفو تو و اگر

طالبتني بلؤمي لأطالبنك بكرمك

مطالبه کنی مرا بدناءت من هر آینه مطالبه کنم بکرم تو

أدخلتني النار لأخبرن أهل النار

و اگر در آوری مرا در آتش هر آینه آگاه کنم اهل آتش

بحبي لك إلهي وسيدي إن كنت لا

بدوست داشتن ترا خدای من و آقای من اگر بوده باشی

تغفر إلا لأوليائك وأهل طاعتك

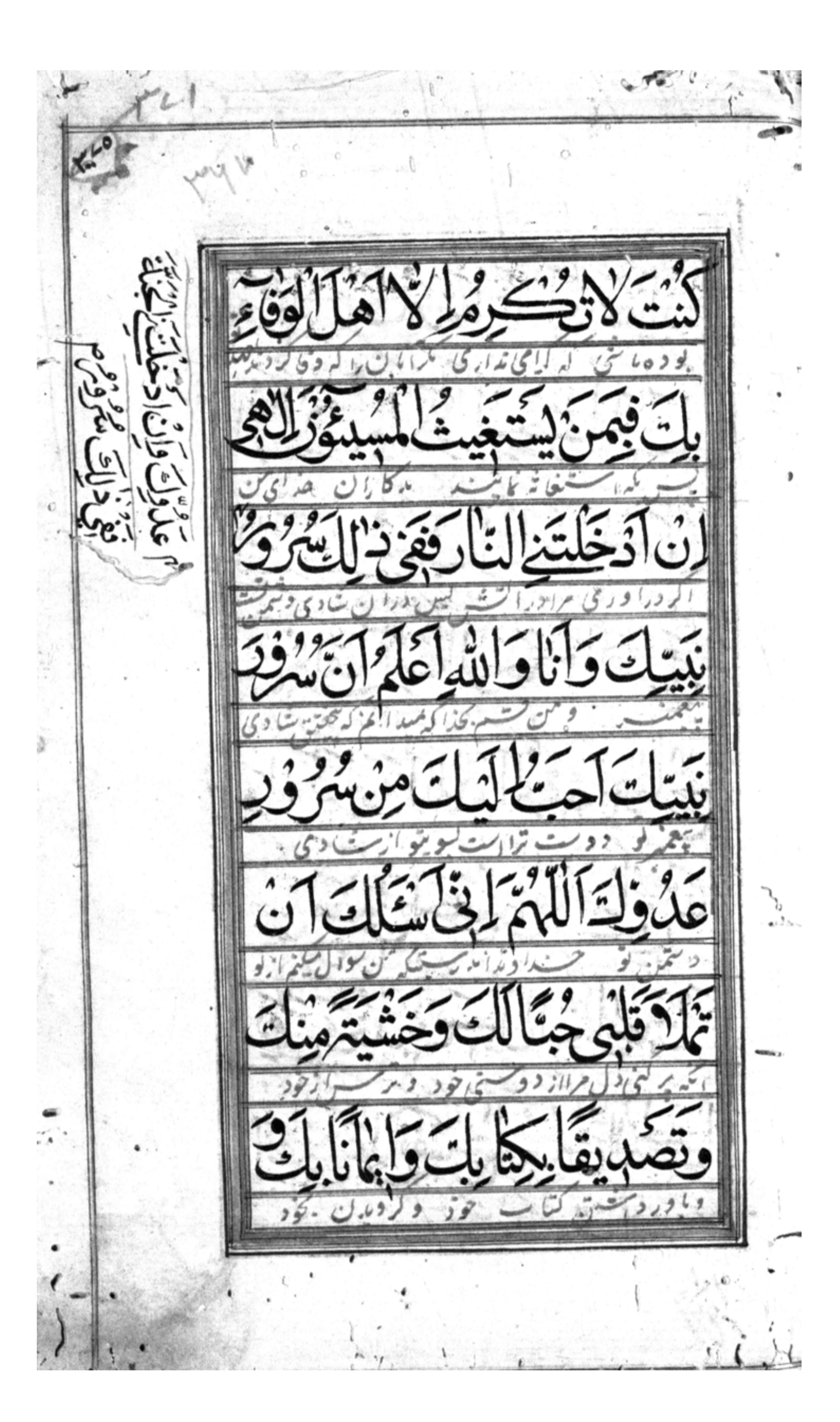
نیامرزی مگر دوستان خود را و فرمانبرداران

فإلى من يفزع المذنبون وإن

پس بسوی که پناه گیرند گناهکاران و اگر

ولئن ۲

کنت



كنت لا تكرم الا اهل الوفاء

بوده باشی که ایا می نداری کرامان را که وفا کرده اند

بك فبمن يستغيث المسيئون الهي

پس بکه استغاثه نمایند بدکاران خدای من

ان ادخلتني النار ففي ذلك سرور

اگر در آوری مرا در آتش پس در آن شادی دشمن است

نبيك وانا والله اعلم ان سرور

پیغمبر تو و من قسم بخدا که میدانم که بحقیقت شادی

نبيك احب اليك من سرور

پیغمبر تو دوست تر است بسوی تو از شادی

عدوك اللهم اني اسئلك ان

دشمن تو خداوندا من سؤال میکنم از تو

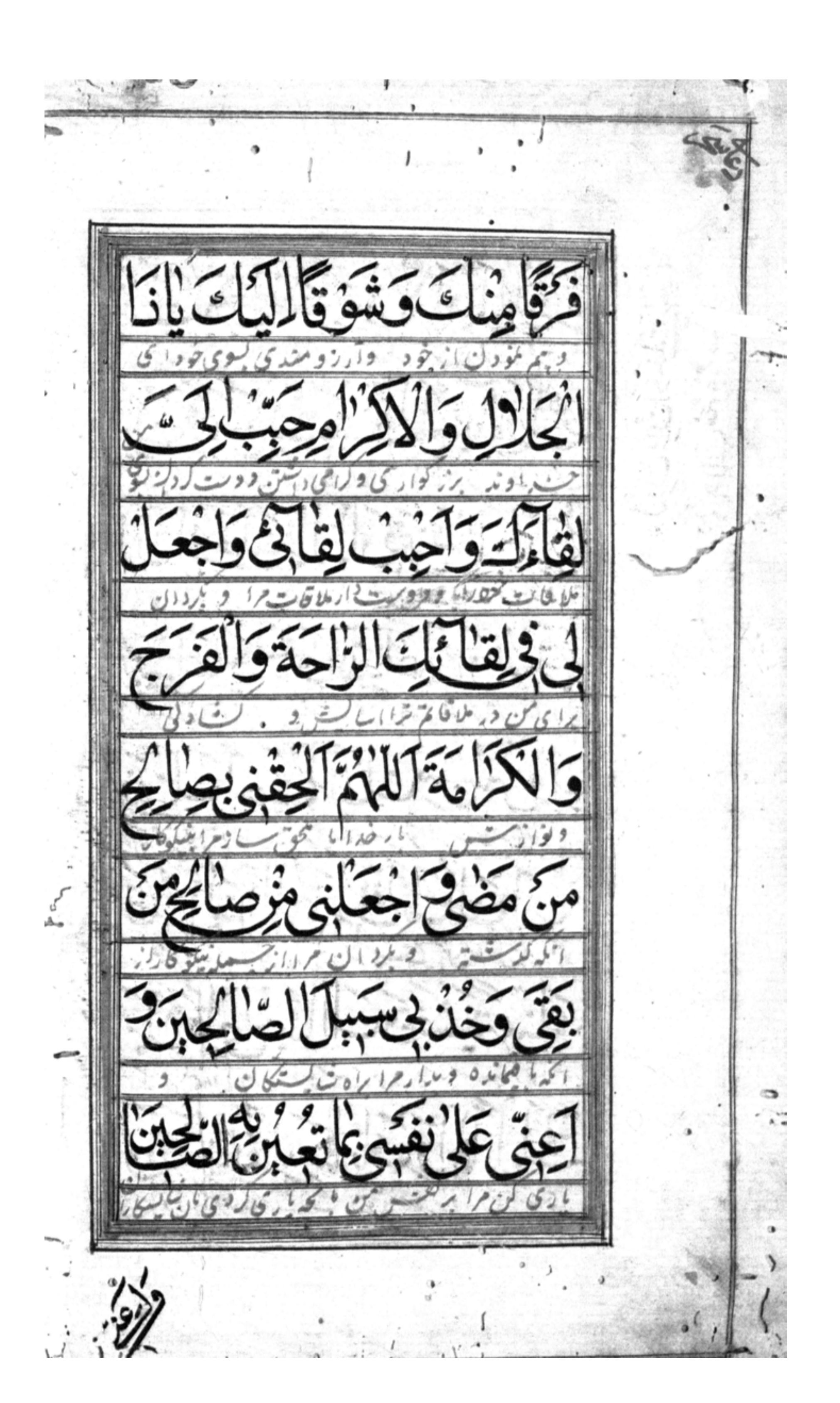
تملأ قلبي حبا لك وخشية منك

که پر کنی دل مرا از دوستی خود و ترس از خود

وتصديقا بكتابك وايمانا بك و

و باور داشتن کتاب خود و گرویدن بخود

عدوك وان ادخلتني الجنة
ففي ذلك سرور



فرقا منك وشوقا اليك يا ذا

و بیم نمودن از خود و آرزومندی بسوی خود ای

الجلال والاكرام حبب الي

خداوند بزرگواری و گرامی دوست گردان بسوی

لقاءك واحبب لقائي واجعل

ملاقات ترا و دوست دار ملاقات مرا و بگردان

لي في لقائك الراحة والفرج

برای من در ملاقات ترا آسایش و شادی

والكرامة اللهم الحقني بصالح

و نوازش بار خدایا ملحق ساز مرا بنیکوکار

من مضى واجعلني من صالح من

آنکه گذشته و بگردان مرا از جمله نیکوکار

بقي وخذ بي سبيل الصالحين و

آنکه باقی مانده و ببر مرا براه شایستگان و

اعني على نفسي بما تعين به الصالحين

یاری کن مرا بر نفس من بآنچه یاری کردی بآن شایستگان

واعنی

وأعنّي على نفسي بما تعين به

و یاری کن مرا بر نفس خود من بانچه یاری کردی بان

الصالحين على أنفسهم واختم عملي

شایستگان را بر نفسهای ایشان و ختم کن کردار

بأحسنه واجعل ثوابي منه الجنّة

به نیکوترین آن و بگردان پاداش مرا از آن بهشت

برحمتك يا ربّ العالمين وأعنّي

برحمت خود ای پروردگار عالمیان و مدد کن

على صالح ما أعطيتني وثبّتني يا

بر شایسته آنچه عطا کردی مرا و ثابت دار مرا

ربّ ولا تردّني في سوءٍ استنقذتني

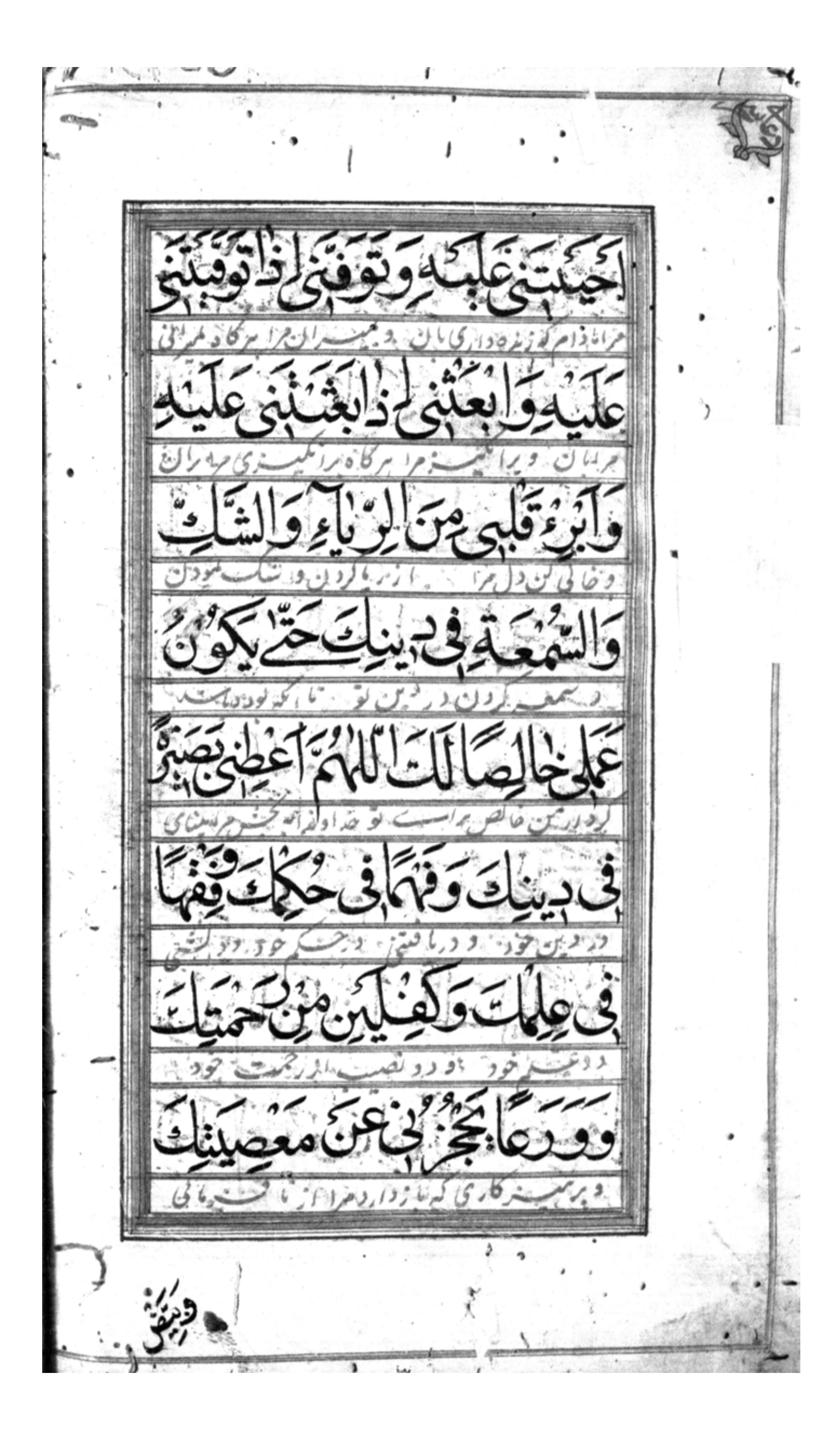
ای پروردگار من و برمگردان مرا بناخوشی که رهانیدی مرا

منه اللهمّ إنّي أسألك إيماناً لا

از آن خداوندا بدرستیکه من درمیخواهم از تو ایمانی

أجل له دون لقائك أحيني ما

که نباشد نهایتی از برای آن پیش از ملاقات تو زنده دار



أحييتني عليه وتوفني إذا توفيتني

مرا تا دام که زنده داری بر آن و بمیران مرا هرگاه بمیرانی

عليه وابعثني إذا بعثتني عليه

بر آن و برانگیز مرا هرگاه برانگیزی بر آن

وابرئ قلبي من الرياء والشك

و خالی کن دل مرا از ریا کردن و شک نمودن

والسمعة في دينك حتى يكون

و سمعه کردن در دین تو تا که بوده باشد

عملي خالصا لك اللهم أعطني بصيرة

کردار من خالص برای تو خداوندا عطا کن مرا بینائی

في دينك وفهما في حكمك وفقها

در دین خود و دریافتنی در حکم خود و دانستنی

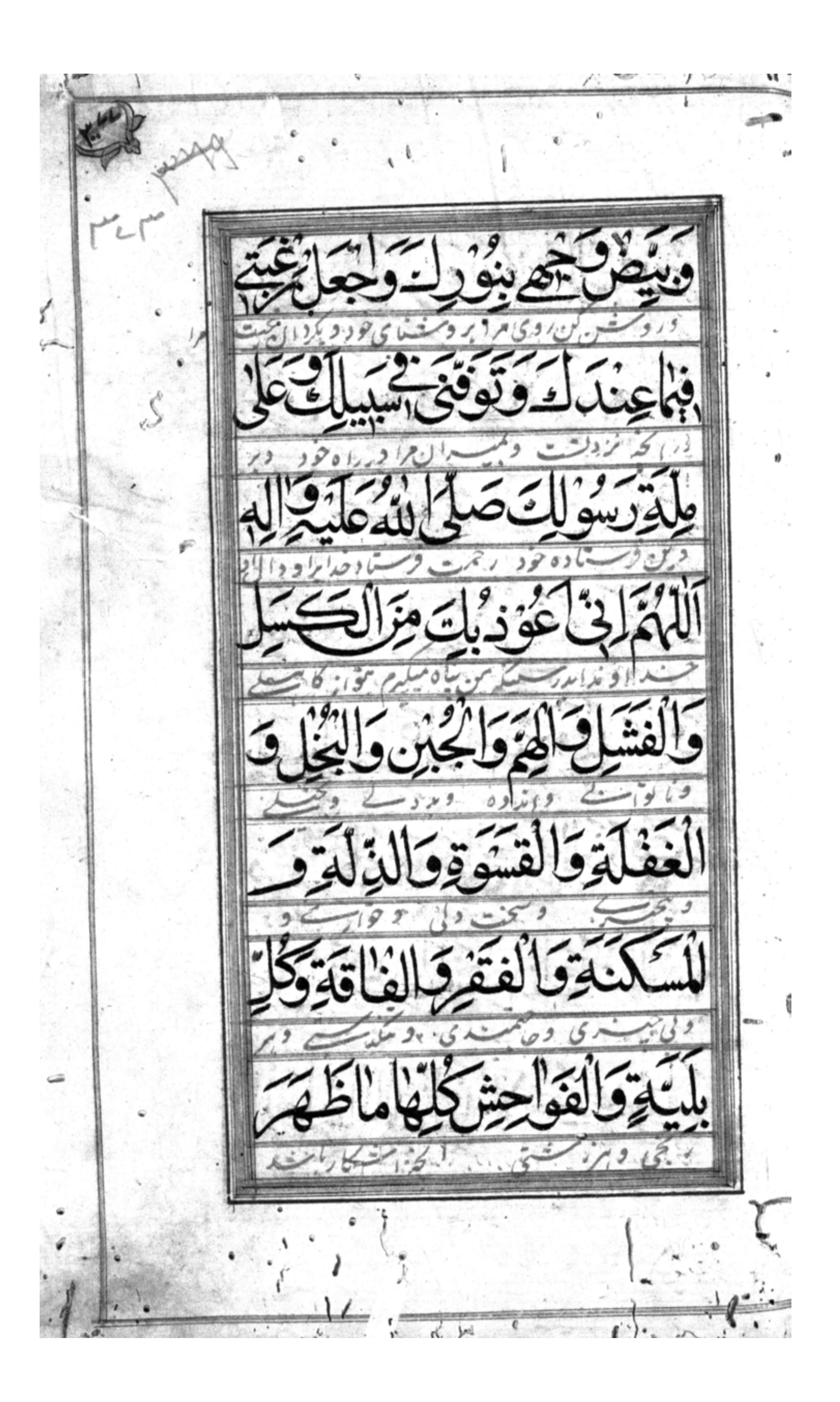
في علمك وكفلين من رحمتك

در علم خود و دو نصیب از رحمت خود

وورعا يحجزني عن معصيتك

و پرهیزکاری که باز دارد مرا از نافرمانی

وفقنا



وبيض وجهي بنورك واجعل رغبتي

و روشن کن روی مرا به روشنایی خود و بگردان رغبت

فيما عندك وتوفني في سبيلك وعلى

در آنچه نزد تست و بمیران مرا در راه خود و بر

ملة رسولك صلى الله عليه وآله

دین فرستاده خود رحمت فرستاد خدا برا او و آل او

اللهم إني أعوذ بك من الكسل

خداوندا بدرستی که من پناه میگیرم بتو از کاهلی

والفشل والهم والجبن والبخل و

و ناتوانی و اندوه و بددلی و بخیلی

الغفلة والقسوة والذلة و

و بیخبری و سخت دلی و خواری و

المسكنة والفقر والفاقة وكل

درویشی و حاجتمندی و تنگدستی و هر

بلية والفواحش كلها ما ظهر

بلائی و هر زشتی آنچه آشکار باشد

منها وما بطن واعوذ بك من

از آن و آنچه پنهان باشد و پناه میگیرم بتو از

نفس لا تقنع وبطن لا يشبع و

نفسی که قناعت نورزد و شکمی که سیر نگردد

قلب لا يخشع ودعاء لا يسمع وعمل

و دلی که نترسد و تذلل ننماید و دعائیکه پذیرفته نگردد

لا ينفع وصلوة لا ترفع واعوذ

سود نبخشد و نمازیکه بالا رده نشود و پناه میگیرم

بك يا رب على نفسي وولدي و

بتو ای پروردگار من بر نفس خود و فرزندان خود

ديني ومالي وعلى جميع ما رزقتني

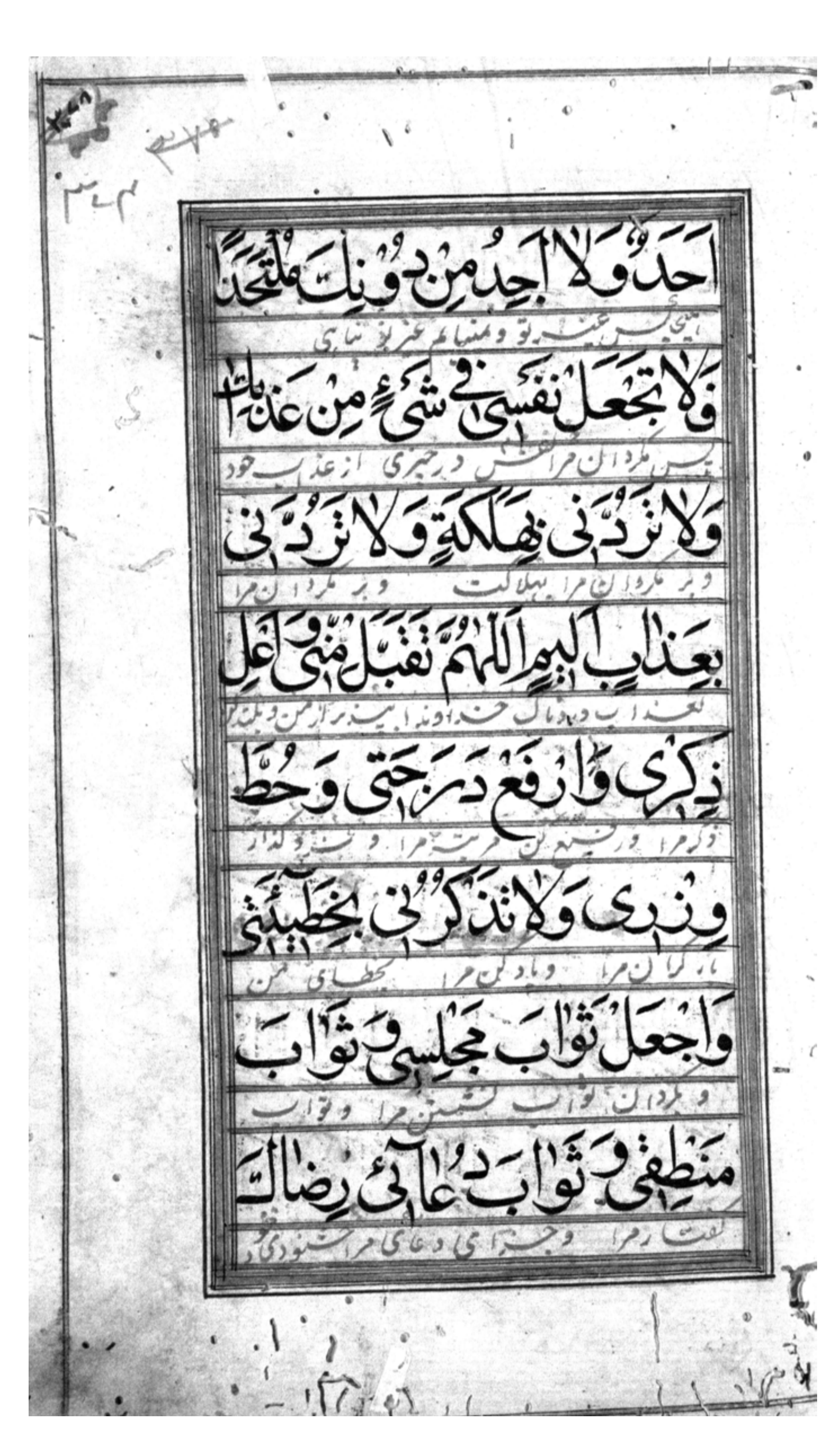
و دین خود و مال خود و بر همه آنچه روزی کردی مرا

من الشيطان الرجيم انك انت السميع

از شیطان رانده شده بدرستیکه تو توئی شنوا

العليم اللهم انه لا يجيرني منك

دانا خداوندا بتحقیق امان نمیدهد مرا از تو



أحد ولا أجد من دونك ملتحدا

نمی‌یابم غیر تو و نمی‌یابم غیر تو پناهی

فلا تجعل نفسي في شيء من عذابك

پس مگردان مرا نفس در چیزی از عذاب خود

ولا تردني بهلكة ولا تردني

و بر مگردان مرا بهلاکت و بر مگردان مرا

بعذاب أليم اللهم تقبل مني وأعل

بعذاب دردناک خداوندا بپذیر از من و بلند گردان

ذكري وارفع درجتي وحط

ذکر مرا و رفیع کن مرتبه مرا و فرو گذار

وزري ولا تذكرني بخطيئتي

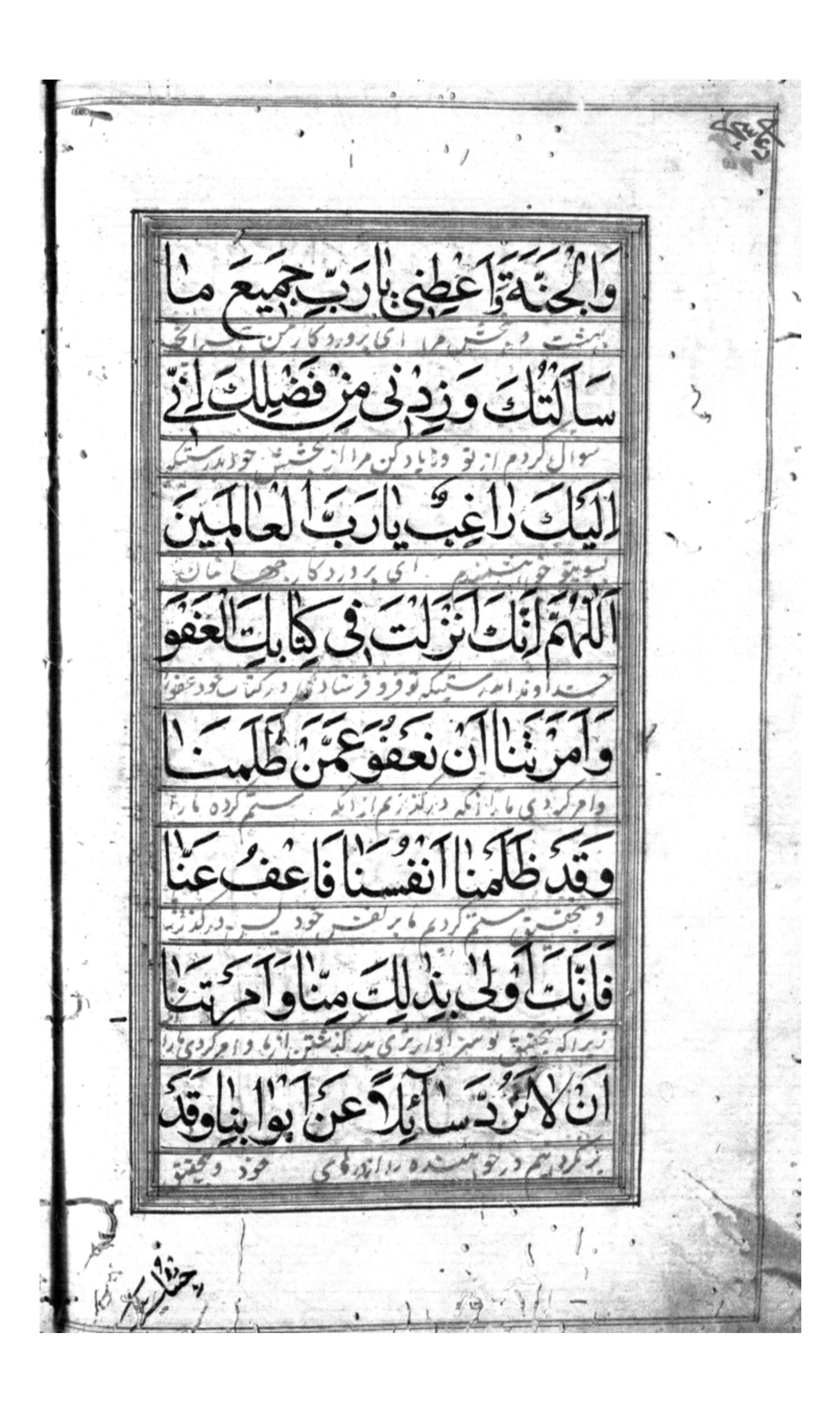
بار گران مرا و یاد مکن مرا بخطای من

واجعل ثواب مجلسي وثواب

و گردان ثواب نشستن مرا و ثواب

منطقي وثواب دعائي رضاك

گفتار مرا و جزای دعای مرا خشنودی خود



والجنة واعطني يا رب جميع ما

بهشت و بخش مرا ای پروردگار من همه آنچه

سألتك وزدني من فضلك اني

سوال کردم از تو و زیاد کن مرا از بخشش خود بدرستیکه

اليك راغب يا رب العالمين

بسوی تو خواهشمندم ای پروردگار جهانیان

اللهم انك انزلت في كتابك العفو

خداوندا بدرستیکه تو فرو فرستادی در کتاب خود عفو

وامرتنا ان نعفو عمن ظلمنا

و امر کردی ما را آنکه درگذریم از آنکه ستم کرده ما را

وقد ظلمنا انفسنا فاعف عنا

و بتحقیق ستم کردیم ما بر نفس خود پس درگذر از ما

فانك اولى بذلك منا وامرتنا

زیرا که بتحقیق تو سزاوارتری بدان کار از ما و امر کردی ما را

ان لا نرد سائلا عن ابوابنا وقد

بر نگردانیم درخواهنده را از درهای خود و بتحقیق